

کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

سکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۰ بهای ۳۰ ریال



خجسته باد اول ماه مه

روز همبستگی جهانی کارگران!

اول اردیبهشت: روز مقاومت دانشجویان انقلابی گرامی باد!

صفحه ۱۱

مقاله

کمونیسیت‌ها و مضامین و شعارهای جشن اول ماه مه

بزودی اول ماه مه فرا میرسد فوج کارگران در سراسر جهان به استقبال عید خونین خویش میروند و روز همبستگی جهانی کارگران علیه غم‌خیزان تاریخی رویزیونیستهای خروشچی و سه جهانی‌ها با ردیگر نمايش عظیم قدرت طبقه کارگر، بیگانه طبقه‌ای که رسالت دگرگون کردن تاریخ را اینک بعهده گرفته است، بدنبال خواهد داشت.

امسال نیز مانند بسیاری سالهای دیگر جشن اول ماه مه در بسیاری از کشورها خونین خواهد بود و خون سرخ کارگران و کمونیستهای شهید در بزرگداشت اول ماه مه در رژیمهای ارتجاعی بر زمین ریخته خواهد شد.

در بسیاری دیگر از کشورها بورژوا - رویزیونیستهای خائن، با منحرف کردن طبقه کارگر از شعارهای انقلابی - طبقه‌ای روز بقیه در صفحه ۲

جنبش کارگری و بحران سرمایه‌داری در لهستان

گرامی باد خاطره دانشجویان بخون خفته اول اردیبهشت ۵۹ که با تارخون خود پیوندناگسستی مبارزات دانشجویی را با بیکار کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع، بار دیگر مستحکم تر نمودند.

دانشگاه، این سنگر انقلاب به خدمت نموده‌ها گشوده‌بار گردید!



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

درزندانهای جمهوری اسلامی: شکنجه و ترور کمونیستها و انقلابیون اسپر

کارگران، زحمتکشان، هم‌میهنان انقلابی! هم‌اکنون هزاران نفر از فرزندان کمونیست و انقلابی شما در زندانهای جمهوری اسلامی، بدون برخورداری از حداقل نیازهای زندگی و در زیر شکنجه - های قرون وسطایی با سداران سرمایه‌سرمیبرند.

وظیفه ماست که از شرایط طاقت فرسای زندانها آگاهی یافته و به پشتیبانی قاطع از مبارزین در بند که در راه استقلال و آزادی و در راه پیروزی انقلاب و برقراری سوسیالیسم، اسیر رژیم جمهوری اسلامی گشته‌اند، برخیزیم.

بقیه در صفحه ۱۷

مسأله وحدت تشکلاتی رویزیونیستهای اکثریت نموده‌ای و موضع با اکثریتی اقلیت در قبال آن

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ...

اول ماه مه را برای بورژوازی بی خطر ساخته و نیز با ردیگر کارگران را به زانده بورژوازی بدل میسازند.

در بسیاری دیگر از کشورهای نیز بورژوازی ویا خرده بورژوازی با استفاده از ضعف کمونیستها کارگران را بسوی خویش میکشد و جشن اول ماه مه را با شعارهای مخالف منافع تاریخی طبقه کارگر برگزار میکند. بهرحالت، اول ماه مه فرا میرسد و کمونیستها و کارگران انقلابی با عشق به آرمان تاریخیشان سوسیالیسم، خود را برای مقابله با بورژوازی آماده میکنند و در طرف دیگر بورژوازی نیز با سرکوب ویا فریب کارگران میکوشد، خود را از خطر اول ماه مه برهاند، کارگران ایران نیز خود را برای برگزاری جشن اول ماه مه آماده میکنند. مسئله اساسی که در این ارتباط دردستور کار کمونیستها قرار دارد، شناخت مضمون این روز و تعیین سیاست پرولتری برای جشن اول ماه مه است. با بدست شناخت ما رکیستی از این روز، شعارهای پرولتاریائی انقلابی ایران را برای جشن اول ماه مه تعیین کرده، چگونگی برپائی جشن اول ماه مه را مشخص ساخت و آنگاه در پی برپائی هر چه با شکوهتر این روز، با تمام قوا و امکانات برآمدا بتدبایستی مشخص کنیم اول ماه مه، بمشابه روز جهانی کارگر، چگونه روزی است.

۱- اول ماه مه مهر طبقه کارگر را بر خود دارد

همچنانکه میدانیم جنبش جهانی کمونیستی در اولین کنفرانس بینالمللی در ۱۸۸۹ روز اول ماه مه را روز جهانی کارگران نامید. در قطعنامه پیشینها دی نماینده کارگران آمریکا در این مورد آمده است:

"از طرف کنفرانس روز اول ماه مه هر سال بخاطر کشتار کارگران شیکاگو، بنا مروز کارگر سردر سراسر جهان اعلام کرده... هر سال نمائشی از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود... بیاییم این روز را بنا مروز طبقه کارگر روز اعتراض به ظلم و بیادگری، روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بین المللی زحمتکشان قرار دهیم." در کنفرانس بعدی (۱۸۹۱) در قطعنامه تکمیلی، بر خصلت طبقاتی این روز تاکید شد و در کنفرانس ۱۸۹۳ که فریدریش انگلس آموزگار و پیشوای کبیر طبقه کارگر نیز در آن حضور داشت اعلام گردید که: "تظاهرات اول ماه مه بخاطر هشت ساعت کار روزانه، باید ضمنی با تکرار داده ها قطع طبقه کارگر برای نابودی تمام زیادت طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد."

بدین ترتیب روز اول ماه مه، بعنوان روزی

با خصلت خاص طبقاتی و روزی که بر نابودی طبقات استثمارگر و انقلاب تا کید داردمعین گردید، در واقع روز جهانی کارگر جزا بین هم نمیتوانند باشد. چرا که این روز میبایستی به بیان منافع تاریخی - طبقاتی، طبقه کارگر برپا زد و بیسان منافع تاریخی طبقه کارگر، چیزی جز نابودی سرمایه داری نیست. روز جهانی کارگر با بسد تا کید کنند، که طبقه کارگر طبقه ای جهانی است که عزم را سخ دارد، قدرت را بدست گرفته بسرای همیشه طبقات را پس از طی یک دوران انتقالی (دیکتاتور پرولتاریا) نابود سازد. خصلت طبقاتی این روز، یعنی نمایش طبقاتی طبقه کارگر با یستی در مقیاسی جهانی انجام گیرد. اگر طبقه کارگر طبقه ای جهانی است، روز کارگر نیز روزی جهانی است. که در این روز، طبقه کارگر همه کشورهای با یستی اتحاد بین المللی خویش را بنمایش بگذارد. از این رو، طشرح شعارهای مشترک پرولتاریائی همه جهان ضروری است. طبیعی است اصلی ترین شعار بین المللی کارگران جهان، یکی شعار ما نیست کمونیست، یعنی کارگران جهان متحد شوید است و دیگری زنده باد سوسیالیسم. روز جهانی کارگر تنها بسه این خاطر که کارگران در آن شرکت میکنند، نام روز جهانی کارگر بر خود نگرفته است، بلکه و مهم - تر اینکه این روز، روز بیان قدرت عظیم طبقاتی اش در راه منافع تاریخی آن یعنی نابودی سرمایه داری است. لنین به روشنی میگوید:

"رفقای کارگر! جشن عظیم تمامی کارگران جهان نزدیک میشود. آنها بیداریشان را نسبت به روشنائی و آگاهی اجتماعی ایشان را در یک اتحاد برابری مبارزه علیه هرگونه ظلم و ستم، علیه هرگونه استبداد علیه هرگونه استثمار، برای یک نظام سوسیالیستی درجاسمه، در اول ماه مه جشن میگیرند." (لنین اعلامیه حزب کارگری سوسیال دمکرات روسیه، اول ماه مه ۱۹۰۵)

بدین ترتیب روز اول ماه مه روز اتحاد طبقه کارگر جهان در مبارزه علیه سرمایه داری است. اشتباه است اگر بپنداریم تنها کمونیستها هستند که باید در بزرگداشت این روز شرکت کنند این روز منحصر به کمونیستها نبوده بلکه روز اتحاد کارگران اعم از کمونیست و غیر کمونیست است.

۲- روز جهانی کارگران، روزی سیاسی است

هما نظر که میدانیم، روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران بر علیه سرمایه داران است و با توجه به تعریف زیر که ما رکن از مبارزه سیاسی طبقه کارگر به عمل میسازد، اول ماه مه از آغاز روزی سیاسی بوده است:

"هر جنبشی که در آن طبقه کارگر بعنوان طبقه به مخالفت با طبقات حاکم بر میخیزد و میکوشد

آنها را بوسیله فشاری از خارج تحت سلطه خود در آورد، جنبشی سیاسی است. مثلاً، کوشش برای بهنگ آوردن کاهش زمان کار از سرمایه داران منفرد در یک کارگاه یا فقط در یکی از شاخه های صنایع بوسیله اعتصاب و نظایر آن، جنبشی صرفاً اقتصادی است، در مقابل جنبش بمنظور بدست آوردن قانون هشت ساعت کار و نظایر آن، جنبشی سیاسی است." (نامه های مارکس به ف. بولست مورخ ۲۲ فوریه ۱۸۷۱) لنین نیز در تعیین مضمون شعارهای اول ماه مه آنگار آنها را سیاسی تعیین میکنند و میگوید:

"جشن ها (منظور جشنهای اول ماه مه است - پیکار) نه فقط از لحاظ تعداد شرکت کنندگان، بلکه از لحاظ خصوصیت سازماندهی و آگاهی طبقاتی ای که شرکت کنندگان ابراز خواهند داشت، از نظر عزم آنان در اقدام به مبارزه ای مصمم جهت آزادی سیاسی مردم روسیه و نتیجتاً جهت فراغت بال برای رشد و گسترش طبقاتی پرولتاریا و مبارزه آشکارش برای سوسیالیسم با یدبا ایهت باشند." (لنین - مقدمه ای بر جزوه اول ماه مه در خاک (رف). لنین در همین مقاله خواستهای پیش پا افتاده را مورد حمله قرار داده و میگوید:

"ضروری است کاری کنیم که کارگران این تفاوت را درک نمایند تا آنها خواست هشت ساعت کار در روز را به سطح خواستهای مانند بلیط مجانی قطار، یا کناره زدن مراقبت نوزاد ندهند." جشن اول ماه مه سالها در سراسر جهان با پیکار برای هشت ساعت کار که شعاری دقیقاً سیاسی است همراه بوده. علاوه بر آن کارگران کشورهای گوناگون منطبق با شرایط جنبش در هر زمان شعار سیاسی مناسب را در اول ماه مه طرح کرده اند. مثلاً جشن اول ماه مه در ۱۸۹۱ در بلژیک و ۱۹۱۰ آلمان با مبارزه برای بدست آوردن حق انتخابات برای کارگران عین میشود. لنین در ۱۹۰۴ در روسیه هشت ساعت کار، زنده باد جنبش کمونیستی بین المللی و مرگ پرترتزار را طرح میکنند و در سال بعد جمهوری دمکراتیک، آزادی کارگری و دهقانان و مرگ پرترتزار را داده و به کارگران میگوید که برای قیام و تسد ارک کمیته های دفاعی آماده شوند. در جریان جنگ جهانی اول نیز لنینیستها شعار نیست با دجنگ را طرح میکنند.

بدین ترتیب شعارها و قطعنامه اول ماه مه ۱۳۵۸، (که همه تیروهای کمونیست و از جمله سازمان ما در آن شرکت داشتند)، بخاطر طرح شعارهای اقتصادی مانند افزایش دستمزد، برابری مرخصی کارگران و کارمندان، اداره سالنها کارگری توسط کارگران، شمیم باز نشستگی، بیمه، بهداشت و مصونیت در مقابل خطرات و بیمه ریهای ناشی از کار و... در کنار بقیه در صفحه ۴

زنده باد کمونیسم!

جنبش کارگری



کارگران نورد اهواز در مبارزه شان بیشتر به ماهیت ضد کارگری رژیم پی بردند

بعد از جنگ ارتجاعی، قسمتی از حقوق کارگران نورد لوله اهواز را بصورت علی - الحسب پرداخت میکردند و حتی دریا فتنی بهمن ماه آنها را تا ۱۹ اسفند ندادند. تا اینکه فشار ناشی از آوارگی، فقر و گران شدن کارگران را بلبیسان رسانده و موجب اعتراض هر چند نامشکل و پراکنده آنها شد. در این روز ۲ نفر از هیئتی که سرپرستی احمدزاده معاون وزیر صنایع و معادن، برای "رسیدگی" به وضع کارگران به اهواز آمده بودند، به محل کارخانه میایند. کارگران این مفت خواران را حلقه کرده و ضمن حمله به رژیم و مقاماتش، خواهان دریافت حقوق و عیدی خویش گردیدند. اعضای هیئت که جوابی در مقابل سوالات و خواستههای بحق کارگران نداشتند، با آنها مسئله را به "احمدزاده" حواله میدادند. گویی خودشان تنها "مترسک" بودند! بالاخره که سامیر کارگران

لبریز شده اعلام کردند تا به خواستههایشان رسیدگی نشود، اجازه خروج به هیچکس نخواهند داد. علاوه بر اعضای هیئت مذکور، مدیر امور اداری کارخانه نیز در محل بود و اجازه خروج بوی نمیدادند.

در این گیرودار، اعضای شورای قلبی کارخانه که یکی از خاشنشین اکثریتی نیز در میان نشان بود، عاجز تر از همیشه حرفی برای گفتن نداشتند و در این جریان چهره فدکا گریشان بیشتر برای کارگران افشا گردید. سرانجام سرمایه داران در مقابل قدرت و جلوه های از اتحاد کارگران تسلیم شده و مبلغی بکارگران پرداخت میکنند. اما مسئله مهم آنست که کارگران نورد بنحوائی از این مبارزه خودداری کرده و بقدرت اتحاد و تشکل خویش واقف شده و به ایجاد تشکیلات واقعی خود در کارخانه مبارز و رزند.

سخنی با رفقای بخش کارگری!

بمنظور برخورد دقیقتر با مسئله دستمزد و ضرورت افزایش آن در وضعیت فعلی، با توجه به سطح گرانی تورم و اینکه فصل بهار، فصل مبارزات کارگری بر سر افزایش دستمزد میباشد، لازم است که ما در این رابطه بتوا نیم اطلاعات دقیقتری از اوضاع فعلی دستمزد در کارخانجات مختلف داشته باشیم. لذا از شما مرفقا میخواهیم در ۳ زمینه زیر سوالات ما پاسخ دهند:

بخش اول برخورد با وضعیت عینی دستمزد در کارخانجات:

- ۱- شکل پرداختی دستمزد در کارخانه شما چگونه است؟ الف - کارمزدی، ب - مزد ثابت روزانه یا فایده آنجا حداقل کار مشخص، ج - مزد ثابت روزانه. در رابطه با بند ب شرح دهید که حداقل کاری که میبایست صورت گیرد و رابطه آن با نوع تولید از نظر توان انجام توسط کارگران چگونه است؟
- ۲- ساعات کار روزانه و هفتگی چقدر است و به چه صورت (شیفتی یا ...)?
- ۳- میزان حداقل دستمزد در کارخانه شما چقدر است؟
- ۴- میزان دستمزد پرداختی بکارگران، کارمندان در درجه های مختلف، سرپرستان، فورمنها، مهندسی و مدیران کارخانه چقدر است؟ (دست - مزد و مزایا بطور جداگانه بیاید).
- ۵- در کارخانه شما مزایا شامل چه چیزهایی میشود و مبلغ هر کدام چقدر است و در رابطه با کارگری و کارمندی چه تفاوتهایی دارد؟
- ۶- تعداد کارگران پیمانی ویا موقت در کارخانه شما چقدر است و وضعیت دستمزد آنها چگونه است؟
- ۷- آیا در کارخانه شما بین حقوق کودکان و زنان و مردان شاغل اختلافی هست؟ میزان آنرا بنویسید.
- ۸- آیا کارگران غیرا برانی در کارخانه شما کار میکنند؟ وضعیت دستمزد آنها چگونه است؟

بخش دوم "طبقه بندی مشاغل"

طرح طبقه بندی مشاغل و وضعیت آن در کارخانه شما چگونه است؟ آنرا بطور مفصل جدا - گانه بنویسید. تجربه و دید شما از این مسئله چیست؟

بخش سوم

- ۱- تحلیلی از روحیات کارگران کارخانه (آگاه و پیشرو، متوسط و پائین) نسبت به مساله افزایش دستمزد.
- ۲- آیا کارگران برای تامین ما یحتاج زندگی بقیه در متحفه ۷

یورش زاندارمها نیز نتوانست مبارزات قاطعانه کارگران "بلوچین" را منحرف کند

در پی عدم پرداخت عیدی و پاداش و یکماه حقوق عقب افتاده کارگران بلوچین آمل، روز ۱۹/۱۲/۵۹ کارگران تصمیم میگیرند بعنوان اعتراض بطرف فرمانداری راهپیمایی کنند. تلاشهای فرمانداری برای فریب کارگران به بهانه جنگ و متصرف کردن آنها از این اقدام به نتیجه ای نمیرسد و کارگران مطرح میکنند اگر خواهستههایشان برآورده نشود، در فرمانداری متحصن خواهند شد.

رژیم نیز برای دستگیری اعضای شورای کارگران بکارخانه یورش میبرند. اما با مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه میشوند. کارگران به افشای رژیم و ارگانهای سرکوبش نظیر ژاندارمری و پاسداران پرداخته و با فریاد "سگ زردبیرا در شغال!" نشان میدهند. مزدوران سرمایه داران را در هر لبای شناخته اند. در این روز کارگران از شدت خشم ویرانی رساندن فرمانداری بگوش دیگر کارگران، دست به اعتصاب غذا میزنند.

سرانجام صاحب کارخانه سی به عقب نشینی داده و اقدام به فرستادن یکده هزار تومان برای کارگران میکند. ولی کارگران آنرا قبول نکرده و اعلام میکنند تا یکماه حقوق عقب افتاده شان و دو ماه پاداش تمام پرداخت نشود به مبارزه خود قاطعانه ادامه خواهند داد.

پس از رفتن فرماندار از کارخانه، کارگران مدیر تولید دستیارش را که مزدوران صاحب کارخانه اند، بگروگان گرفته و دست به اعتصاب میزنند. سپس کارگران دوشیفت کارخانه ۲ نفر را از میان خود انتخاب میکنند تا شبانه روز کشیک دهند تا اینکه روز ۲۳/۱۲/۵۹ صاحب کارخانه مفت خور به ژاندارمری شکایت میکند و مزدوران

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...

شاعرهای سیاسی، در واقع به مخدوش کردن مضمون سیاسی این روزانجا مید.

تعیین اساسیترین شعارهای اول ماه مه از یکسودار ارتباط با خصلت طبقاتی این روز تعیین میشود که ما شعار پرولتاریای ایران را که با پرولتاریای جهان در اشتراک است قبلاً ذکر کردیم و از طرف دیگر با سطح جنبش توده‌ای، مرحله انقلاب و شناخت چگونگی قوای مفسد دشمنان توده‌ها: اعتلا انقلابی و... در ارتباط مشخص است. بدین ترتیب برای تعیین شعارهای سیاسی اول ماه مه پرولتاریای ایران با یستی نظری به شرایط جنبش بیفک کنیم و در این ارتباط با توجه به مبنای تاکتیکی، شعارهای پرولتاریای ایران را تعیین کنیم.

با توجه به اینکه در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی، اصلیت‌ترین نیروی است که در مقابل انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران قرار دارد. با توجه به شرایط اعتلا انقلابی و هر چه سیاسی تر شدن توده‌ها و کنده شدن روزافزون توده‌ها از رژیم، مسئله قدرت سیاسی، اساسی‌ترین مسئله‌ای است که مورد توجه پرولتاریای ایران قرار دارد. بدین ترتیب طرح شعار پرولتاری در ارتباط با قدرتمند سیاسی، اساسی‌ترین شعار پرولتاریای ایران را در ارتباط با مسائل کنونی جامعه تشکیل میدهد. بخصوص اینکه لیبرال‌ها سه‌جانبه‌ها و دمکراتهای ناپیگیری چون مجاهدین با طرح خلق بیدار حزب کم‌ویر و بی‌نیستی‌های خروشقی و حزب جمهوری با طرح کنار زدن لیبرال‌ها، آلترنا تویهای خود را در ارتباط با قدرت سیاسی مطرح ساخته‌اند. شعار پرولتاریای ایران طبقاً شعار بر علیه هر دو جناح حاکمیت خواهد بود و با توجه به اینکه طرح مستقیم شعار سرنگونی علیه گم‌گام‌ها بسیار زودتر و مؤثرتر است، شعار زودرس است، و این شعار با یستی بطور غیر مستقیم طرح کرده، این شعار رت خواهد بود از: **مرگ پر امپریالیسم آمریکا و رجوع داخلی و نیز طبیعی است طرح این شعار با یستی با طرح مستقیم آلترنا توی پرولتاری در این شرایط یعنی برقراری جمهوری دمکراتیک خلق** "بمباشه سرا انجام مبارزات انقلابی توده‌ها بره بر طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب همراه باشد. در کنار شعار اساسی پرولتاریای ایران در ارتباط با قدرت سیاسی، با یستی، به مسئله مهم دیگری در تبلیغات خویش توجه کامل ميسدول داریم و در شعارها، قطعاً ما را و پلکانی خود آنرا بکنجا نيم‌وآن: طرح مسئله دمکراسی پرولتاری است. اما طبیعی است که این مسئله مهم پس از مسئله محوری یعنی قدرت سیاسی قرار دارند (هر چند که با آن مربوط نیز میشوند) در شرایطی که دفاع از دمکراسی در میان توده‌ها جا افتاده است، میبایستی لیبرالیسم بورژوازی را افشا کرده دمکراتیسم خرده بورژوازی را ارتقاء بخشید. بدین ترتیب لازمست با

طرح دمکراتیسم پیگیر، شعارهای زیر را هر چه بیشتر در میان توده‌ها تبلیغ کرد آزادی زندان نیسان سیاسی انقلابی، بازگشایی دانشگاهها این سنگرزادی، آزادی فعالیت سیاسی، اجتماعات، مطبوعات، احزاب و... برای نیروهای انقلابی و کمونیست، آزادی تشکلهای توده‌ای و بخصوص دفاع از شوراهای واقعی کارگری و... در زمینه محکوم کردن جنگ ارتجاعی نیز بخصوص با یستی از جنبش آوارگان حمایت کرده و به محکوم کردن تشییقات و سرکوب آوارهگان توسط هیئت حاکمه پرداخت. همچنین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای سرافروختن آتش این جنگ ارتجاعی و کشتارها و فلاکت توده‌ها محکوم گردند. بدین ترتیب شعارهای خاص پرولتاریای ایران در شرایط کنونی حول محور قدرت سیاسی و پیکار علیه رژیم جمهوری اسلامی مطرح میگردد. ضمن اینکه از دمکراتیسم پرولتاری نیز در تبلیغات نشریات فابریک، قطعاً ما را، پلکانی و شعارهای تنظیم شده در کنار مسئله اصلی با یستی مورد توجه قرار گیرند.

بدین ترتیب از هم اکنون لازمست تمامی قوای تشکیلات کمونیستی حول تبلیغ شعارها و خواستهای پرولتاری و نیز تدارک جشن اول ماه مه باشد. تبلیغات گسترده از پیش با استفاده از تمامی امکانات، اعلامیه‌ها، شعاریسی، نشریات فابریک و... با یستی به خدمت گرفته شود. تا توده‌ها بمناسبت اول ماه مه پیش از پیش با شعارهای پرولتاریائی آشنا گردند.

۳- شکل برپائی جشن اول ماه مه

میدان نیم اشکال مبارزه بستگی به سطح جنبش توده‌ای دارد. جشن اول ماه مه در دوران رکود اعتلا موقعیت انقلابی یکسان برگزار نمیکردند. خا طرات رفیق کارگری در با کودرا این مسورد جالب است:

"امروز وقتی برای تظاهرات اول ماه مه در اینجا جمع میشدیم، اجتماع بیادامد که ما برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ تشکیل دادیم... ما در دامنهای کوه را زمین جمع شده بودیم. برای جلب نکردن نظریلیس، مقداری غذا و مشروب نیز دادیم، ولی کسی در فکر خوردن نبود ما در باره وضع طبقه کارگر، ستمگریهای سرمایه‌داران، ما موران و پلیسهای تزاری و کارهای آینده - مان حرف زدیم. افسوس که عده ما کم بود. جمعی نفر بودیم... عده‌ای شرکت کنندگان در جشن اول ماه مه را رسال زیاده‌تر بود. تنهادر بالا خانی صدوسی کارگر جمع شده بودند. بیش از سیصد کارگر در تظاهرات شرکت کردند. پلیس و ژاندارم سه وحشت افتاده بود. امسال نیز... ببینید، به اطراف اشتهار کرد. اژدر برگشت و به جمعیت نگاه کرد. در باره اپت، جای سوزن انداختن نبود." (نینا نوشته‌ها بت رحمان)

بدین ترتیب در دوران رکود، جشن محدود و شکل مخفی دارد و با آغاز اعتلا انقلابی و او جگیری آن

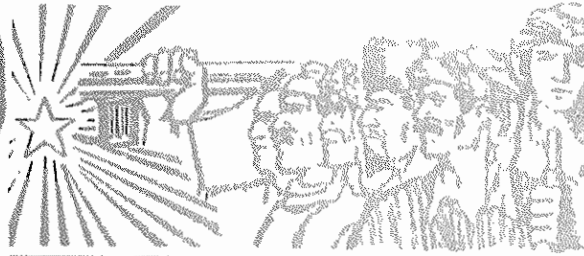
اشکال تعرضی. مبارزه ما نند تظاهرات کارگران بکا گرفته میشود. تظاهرات خیابانی بخوبی میتوانند شعارهای طبقه کارگر را بمیان توده‌ها ببرد و اتحاد کارگران را هر چه قویتر نشان دهد. تظاهرات خیابانی بعنوان یک شکل تعرضی مبارزه در واقع بطور کامل میتوانند در شرایط اعتلا انقلابی در خدمت مضمون پرولتاری اول ماه مه در آید. البته در اینجا لازمست به سه دو درک اساسی انحرافی نسبت به شکل مبارزه "تظاهرات" انجام گیرد:

یکی درک راست، که لزوم برپائی تظاهرات گسترده را در شرایط اعتلا انقلابی کنونی اساسی کند و شرایط سیاسی وسط جنبش توده‌ها، برآمد جنبش، بحران، وضعیت درون هیئت حاکمه و... را در نظر نگیرد و دیگری درک "چپ و گمنا تیبستی که بخواد در هر شرایطی روز اول ماه مه را بصورت تظاهرات گسترده برپا دارد. طبیعی است با توجه به دامنه امواج اعتلا در نقاط مختلف ایران و علاوه بر آن بدلیل نیرومندی رژیم در برخی نقاط و جوامع پلیسی نیرومندی در برخی شهرها، که در نتیجه تظاهرات خیابانی گسترده نیروهای کمونیست، ضربات جبران ناپذیری را بر آنها وارد میکند و نیز این نکته در برخی نقاط به علت ضعف خود، توانائی برپائی این شکل مهم و اساسی جشن اول ماه مه را نداشته ایم. با یستی از اشکال دیگر برپائی جشن اول ماه مه استفاده کنیم.

بدین ترتیب لازمست تشکیلات سازمان در سرا بر ایران و نیز رفقای هوادار در هر نقطه‌ای از ایران روز اول ماه مه را جشن بگیرند. طبیعی است شکل اصلی برپائی این جشن تظاهرات گسترده با همکاری دیگر نیروهای کمونیست (در چهار چوبه منطبق با اهداف روز جهانی کارگر) است. اما در شهرها و روستاهای بزرگ و کوچکی که امکان برپائی تظاهرات گسترده وجود ندارد رفقا موظفند بصورت متناسب با شرایط جشن روز اول ماه مه را برپا دارند. لازمست رفقا در این جشنهای کوچک نیز، اهداف جشن اول ماه مه را توضیح داده و بروی شعارهای سیاسی فوق، کار آگاهها را بنامند. ما دست تمامی رفقا را در برپائی هر چه با شکوهتر جشن جهانی کارگران در سرا بر ایران میفشاریم. بگذار جشن اول ماه مه امسال، نیز پیشت بورژوازی را از قدرت اتحاد و همبستگی طبقه کارگر بلرزاند. بگذار در جشن اول ماه مه امسال بیش از پیش شعارهای پرولتاریا - شی را بمیان توده‌های وسیع ببریم. بگذار جشن اول ماه مه امسال بیش از پیش راه را برای پیکار در راه آزادی طبقه کارگر هموار سازد.

زنده باد اول ماه مه!
مرگ، بر امپریالیسم و رجوع!
زنده باد کمونیسم!
زنده باد پیکار توده‌ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی!
برقراری جمهوری دمکراتیک خلق!

خلق ها و مسئله ملی



اعلامیه توضیحی جمعیت مستقل معلمان مبارز در مورد بند ۷ قطعنامه حزب دمکرات

در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۳ جمعیت مستقل معلمان مبارز ۱۰۰۰ اعلامیه ای تحت عنوان فوق انتشار داده که ما در اینجا به بختی از آن انا ره میکنیم: مردم شرافتمند گردستان!

حنا بکه میدانید در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۷ قطع نامه ای از طرف حزب دمکرات ما در گردید. حزب شما دهه ۷ قطعنامه ضمن قدر دانی و تجلیل از خود االسعی در مخدوش نمودن تلاش ما دقانه و پیگیری جمعیت مستقل معلمان مبارز... نموده و کار انقلابی معلمین را در چنین شرایطی که علیرغم ترطئه های حاکمیت و ارتجاع داخلی همچنان در سنگرمدا رس مشعل دار فرهنگ انقلابی و بندهای عزمی را سخ و در نهایت فداکاری متفول تعلیم و تربیت فرزندان شهرمان هستند تحت عنوان "عوا مغریبی محدود عمال گروه های آتارشیست" عملی نکوهیده و در تقا دبا منافع و خواست مردم خوانده است.

ما در رابطه با مسئولیت مستقیمی که در امر با زکشا می مدارس بر عهده داشته ایم خود را ملزم به با سخگوشی و توضیح نکاتی به منظور روشن نمودن اذهان عمومی میدانیم:

بدنبال اعلام تعطیلی مدارس بوکان از استان داری آذربایجان غربی، جمعیت مستقل معلمان مبارز ۱۰۰۰۰ با برخوردی مسئولانه و به شیوه ای دمکراتیک برای با زکشا می مدارس فعالیت خود را آغاز کرد، از زمانهای سیاسی فعال در جنبش مقاومت برای تشکیل جلسهای مشورتی پیرامون مسائل آموزشی دعوت بعمل آورد که طی آن تمامی نیروهای سیاسی موافقت خود را با با زکشا می مدارس اعلام و قول هرگونه همکاری را دادند. مهمترین شرط با زکشا می مدارس نامین کا در آموزشی بود که جمعیت مستقل و سازمانهای سیاسی با تمام توان در این زمینه تلاش نموده و به نحوی که هم اکنون ۶ دبستان، ۴ مدرسه را هنمائی و دودبیرستان با بیش از ده هزار دانش آموز با بهره گیری از معلمین مبارز و با بهره گیری از کیفیت مطلوب آموزشی اداره میشود در تمامی این اقدام انقلابی، فقط یک نفر در رابطه با حزب دمکرات عملا "به تدریس" اشغال داری حزب در بند ۷ قطعنامه از تلافیهای خود جهت با زکشا می مدارس و همکاری در تشکیل جلسات و اعزام پرسنل آموزشی به مدارس بوکان "سخن" بسپان آورده است. همچنین حزب دمکرات در بند ۷ قطعنامه می نویسد "۱۰۰۰ این عمل نکوهیده را منافی با توافقی که قبلا جهت با زکشا می مدارس بعمل

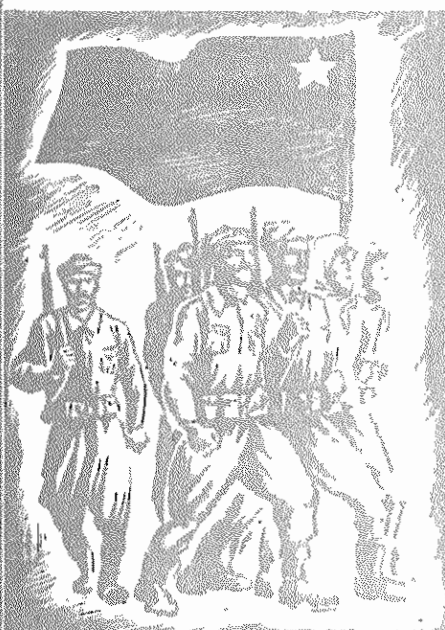
سفر اشرافی به کردستان و جدت دو جناح رژیم برای سرکوب خلق کرد

در پی سفر اشرافی به کردستان...
در پی سفر اشرافی به کردستان...
در پی سفر اشرافی به کردستان...

ملی...
ملی...
ملی...

شویات پیشه وران کوهستان بر دشمنان در محاکمه

شهر...
شهر...
شهر...



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



خلق ها و مسئله ملی

بقیه از صفحه سفره ...

بنی، مدروسیبیرالها بهمان اندازة حزب جنایتکار جمهوری اسلامی، دستشان به خون زحمتکشان کردستان آغشته است .

اخیرا نیز در رابطه با توبه و امان نامه و جنگ روانی که جمهوری اسلامی بر علیه خلق کرد و جنبش مقاومت ایجا کرده، آیت الله شراقی به کردستان مسافرت کرد، استاندار آذربایجان غربی در مورد سفر شراقی به کردستان گفته است :

"بررسی نحوه دادن امان نامه و دادن اطمینان به نیروها بی که به سبب تبلیغات تاکنون خود را تسلیم نکرده اند و همچنین بکار گرفتن صحیح و مثبت نیروها بی که تسلیم می شوند و همچنین ارتش دورا همبایی و جلب اعتماد و بیایان حقایق از اموری است که در ما موریست آیت الله شراقی بدان توجه می شود" (کیهان ۱۶ فروردین)

سفر شراقی به کردستان قبل از هر مسئله، تلاشی است که رژیم برای جبران رسوایی توبه و امان نامه و گسترش تبلیغات بی به حول این سیاست میکند، اما از مضمون سخنان استاندار مورد سفر شراقی به دو نکته میتوان بی برد :

۱- وحدت لیبرالها و حزبیهاد سرکوب خلق کرد: چنانکه میدا نیم در جنگ قدرت بین دو جناح رژیم، شراقی در صف لیبرالها قرار دارد. حال که رژیم از سرکوب خلق ستم دیده کرد و در مقابل اراده متحد و یکپارچه این خلق قهرمان عاجز مانده است، شراقی لیبرال برای تکمیل توطئه های رژیم در جهت ایجاد جنگ روانی بر علیه خلق کرده کردستان رفت است. خلق کرد و تمام نیروهای آگاه ایران بخوبی میداند که تبلیغات رژیم حول توبه و تسلیم پیشمرگان انقلابی و تحویل اسلحه و گرفتن امان نامه

یک توضیح:

اخیرا جزوهای تحت نام "چرا ناچاریم جدائی از زمان پیکار شدیم!" "بهامضای سخن از اعضای سابق س-ب" منتشر شده است. نویسندگان این جزوه با انتشار آن "اشعاب" خود را از زمان اعلام کرده اند اما ضمن تکذیب چنین انشعابی که از سوی نویسندگان این جزوه در سطح جنبش اعلام شده است، توضیح میدهم که نویسندگان فوق، عناصرا پورتونیستی هستند که مدتها پیش بدلیل عدم ملاحظیت خود از زمان تصفیه شده بودند. آنها اکنون پس از گذشت این مدت، بفکر اعلام "اشعاب" افتاده اند و با انتشار این جزوه کذائی و بهیاری و کمک بی - دریغ کسانی که هر مخالف پورتونیستی بسا

سازمان ما را به سود خویش یافته اند، دکگان جدیدی برای خود بنا کرده اند. این سه نفر در خارج از کشور، در ارتباط با بخش منشعب از سازمان مجاهدین (بخش خارج از کشور) قرار گرفتند. دوترا از آنها در نیمه اول سال ۵۷ از

طرف این ارگان عضوگیری میشوند. و با این تلقی بعد از قیام به داخل ایران میآیند، و در ارتباط با سازمان قرار میگیرند. لیکن از همان ابتدا بدلیل خصوصیات و گراشات شدیداً روشنفکری آنها و نیز عدم ملاحظیت های ایدئولوژیکیشان، عضویت آنها معلق شده و در پراستیک توده ای سازماندهی میشوند. پس از طی چندین ماه، به دلیل تزلزلاتشان نسبت به مواضع سازمان (از موضع راست) و نیز بدلیل تعمیق ضعف ها و انحرافات فردیشان، از حالت تعلیق عضویت در آمده و عضویت آنها لغو میگردد و بنا بر تمایل خودشان در حاشیه تشکیلات سازماندهی میشوند اما پس از گذشت چند هفته، بدلیل برخورد های غیر مادیانه و سازمان شکنانه شان، رابطه سازمان با هر سه آنها بطور کامل قطع میشود. عناصرفوق اکنون و پس از گذشت چندین ماه از اخراج آنها به اصطلاح اعلام اشعاب نموده اند. ماضن رد این ادعا، توضیح فوق را برای جلوگیری از سوء استفاده اینان و روشن شدن اذهان جنبش، ضروری دانستیم.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳۱ تظاهرات ...

این تحلیل از رژیم، مسئله جنگ و ... آریس با لایحه تاکتیک تظاهرات را فارغ از هر اما و آگری در شرایط کنونی، مجاز می شمارد و آگری شماره، در چه شرایطی، چگونه و با چه مختما تی؟ و نیز با این قلمفرسائی در مورد شرایط ذهنی توده ها، توهمات آنها، تنا سب نیروها، وضعیت کمونیست ها و نیروهای دمکرات و ... با لایحه آریا کمونیست ها و نیروهای انقلابی میتوا ننند و با یدا ز تاکتیک تعرضی تظاهرات

استفاده نمایند یا نه؟

دروغی بیش نیست و جنبش مقاومت و روحیه پیشمرگان تحت تاثیر چنین تبلیغاتی نه تنها متزلزل نشده است بلکه گرایش هر چه بیشتر توده های وسیعی از خلق کرد بیطرف سا زمانه های انقلابی - کمونیستی در کردستان، راه هرگونه تزلزل و تسلیم طلبی را مسود کرده است. به همین علت لیبرالها در بی جبران شکست سیاسی رژیم در این جنگ روانی بر آمده و چهره عوام فریبی همچون شراقی را برای "بررسی نحوه دادن امان نامه و اطمینان دادن به نیروها بی که تسلیم نشده اند" به کردستان فرستاده اند.

۲- استفاده از خائنین بر علیه

همچنانکه با رها گفته ایم توبه و گرفتن امان نامه از جانب پیشمرگان انقلابی و خلق کرد دروغی بیش نیست. مبارزات سیاسی گسترده خلق کرد با رژیم در شهرهای کردستان از یکسو و نبرد مسلحانه بی امان پیشمرگان انقلابی از سوی دیگر بروشنی دروغ بودن ادعا ها و شایعات رژیم را ثابت میکند. آنها که تسلیم شده و امان نامه دریافت میکنند و ریزیونیست های خیانت پیشه سا زمانه چریکهای فدا شئی اکثریت مزدوران خائنی همچون حامد بیگها و سنا رما مدی ها و ... هستند که جنبش مقاومت خلق ستم دیده کرد را دستاویز حصول به منافس کشیف خود قرار داده و با تسلیم شدن در برابر جمهوری اسلامی و دریافت امان نامه خود را ک تبلیغاتی این رژیم ضد خلقی را فراهم میکنند و در واقع آیت الله شراقی نیز از جمله برای "بکار گرفتن صحیح و مثبت" این چنین نیرو های خائنی و ضد خلقی، بر علیه خلق کرده و استفاده از آنها، جهت سرکوب زحمتکشان کردستان به آنجا سفر کرده است.

اما تیر عوام فریبانی همچون آیت الله شراقی اینبار نیز به سنگ خواهد خورد، چرا که خلق کرد، علاوه بر گسترش مبارزه سیاسی - نظامی خود بر علیه هر دو جناح رژیم، با افشا و طرد خائنین تسلیم طلبیان و سازشکاران، فرصت استفاده از خائنین را به شراقی ها نخواهد داد.

آن به مبارزه خواهد پرداخت ولی در عین حال در شرایط فعلی با توجه به فعالیت علنی سازمانهای سیاسی در کردستان بخصوص در یوکان از جانب دیگران و لوبیت دادن به مسائل آموزشی و جبران عقب ماندگیهای درسی، عملاً بحسب مسائل سیاسی کمتر ضرورت یافته بخصوص تبلیغات گروهی بهیچوجه بعمل نیامده است و آنها هم حزب مبئی برای ایجاد انحراف فکری جوانان با تبلیغات سنگ نظرانه گروهی کاملاً بی اساس و واهی است.

(خبر نامه کومه ۱۱۸)



پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۳۲ اطلاعیه

لبخند ملیح و با دادن خرده امتیازاتی محدود، دامنه تزلزل را در صفوف نیروهای ناپیگیر افزایش داده و آنان را به جبهه بورژوازی فراخواند، تا در سرکوب جنبش و نیروهای راستین انقلابی، به ویژه کمونیست ها میدان بازتر و قدرت متمرکزتری را بدست آورد.

اطلاعیه داستانی، چنین هدف مزورانه ای را دنبال میکنند زمانی که در بند خود میگویند: "کلیه احزاب و گروه های که بر ضد جمع بندی اسلامی ایران اعلام مبارزه کرده اند، چنانچه موضع قبلی خود را رها نکنند و سلاح های خود را تحویل سپاه سداران با مقامات انتظامی دهند و موضع خود را رسماً اعلام نمایند، میتوانند در چهار چوب قانون فعالیت سیاسی (داشته باشند) و سپس در بند ۹ "دمگراسی" خود را تکمیل میکنند و میگویند: "کلیه احزاب و گروه ها اجازت مناظره و بحث های عقیدتی و سیاسی از طریق وسائل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا میباشند. مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر ندادند. "ظاهراً ما هم، منصفانه بنظر میاید چنین شعوری را بوجود میآورده که رژیم نسبت به قوانین و طرح های گذشته گامی به جلو برداشته است. در وهله اول چنین القاء میشود که رژیم تنها با بطلان رسمیت شناختن و قانونیت احزاب و نیروها را "رها کردن" مبارزه مسلحانه با رژیم قلمداد کرده است و دیگرمانند طرح ها و قوانین گذشته هرگونه مخالفت و ضدیت با رژیم جمهوری اسلامی را ملایک خود قرار ننمید و ما این تنها ظاهراً قضیه است. دم خروس زمانی بیرون میاید که اطلاعیه در بند ۸ خود اعلام میکند: "احزاب و گروه ها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کم کاری و با هر نوع اغلال در موسسات مختلف کشور نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود متخلفین تحت پیگیری قانونی قرار میگیرند." و در بند ۷: "کلیه احزاب و گروه ها در بیان آراء و افکار سیاسی آزادند بشرط اینکه مشتمل بر سر دروغ، تهمت و تحریک نباشند." (تا کید از ما است)

رژیم در واقع از احزاب و نیروها میخواهد که دست از شرکت در مبارزه طبقه ای بزدارند و همچون رویزیونیست های توده ای وا کثرت به مجیز گوین رژیم تبدیل شوند. آنگاه حقوق "فعالیت سیاسی" را خواهند داشت. رژیم می خواهد هدگه نیروهای انقلابی از فضای نظام حاکم سیاست های رژیم و ما هیت واقعی آن دست بردارند. آنگاه تا حق "فعالیت سیاسی" آنها محترم شمرده شود. مفهوم "دروغ و تهمت و تحریک" در فرهنگ ارتجاعی رژیم های بورژوازی و ضد انقلابی و منجمله رژیم حاکم، به انداز کافی بر توده های آگاه روشن است و نیازی به تفسیر ندارد. در فرهنگ اینان، افشاکگری نیروهای انقلابی بر علیه رژیم، "دروغ، تهمت" معنای میدهد و جز این نیز نمیتواند باشد. در فرهنگ اینان

بقیه از صفحه ۳۲ معرفی درباره سازمانهای کارگری

آزاد بنا دکمینترن ترجمه - مافی از اشتکارات: نشر تندرن

مبارزات سندیکائی یکی از قدیمی ترین اشکال مبارزه پرولتاریاست. از نظر کمونیستها این مبارزه هر مسمی در خدمت پرورش سیاسی پرولتاریا جهت دستیابی به مضمون و هدف اساسی مبارزه پرولتاریا یعنی برقراری دیکتاتورئی انقلابی خویش میباشد. طبقه کارگر ایران در گذشته به سبب مجموعه عوامل عینی و ذهنی از چنین شکلی از مبارزه با مضمون فوق الذکر محروم بوده است ولی در شرایط کنونی که بحران عمیق اقتصادی - سیاسی جامعه را در بر گرفته و اعتلاء انقلابی روند عمومی آن را تشکیل میدهد، کمونیستها ی ایران این شکل از مبارزه را چه از نظر مشکل کسردن وسیع ترین توده طبقه و چه از نظر پرورش سیاسی آنها با ید مورد توجه قرار میدهند.

بر اساس چنین ضرورتی است که شناخت اصولی از مضمون مارکسیستی سازمانهای توده ای کارگری و مبارزات سندیکائی طبقه اهمیت می یابد به ویژه که اولاً انحراف به راست موجود در جنبش کمونیستی تا کنون مانع تمرکز و توجه کامل روی پرورش سیاسی و شکل طبقه گردیده است تا نیا درکهای رفرمیستی و سازش کارانه از تاجادیه های کارگری که رویزیونیست

"تحریک" یعنی شرکت در مبارزه عادلانه توده ها بر علیه نظام حاکم و سازماندهی و هدایت مبارزه طبقه ای توده های زحمتکش، وظیفه ای که اولین شرط انقلابی بودن یک نیروی سیاسی است. رژیم با برداشتن این "شرط" کوچک میخواهد نیروهای سیاسی، به موجوداتی اخته و "بی ضرر" برای بورژوازی تبدیل شوند. بنا بر این روشن است که گردن گذاشتن نیروهای سیاسی به مواد این قانون ارتجاعی، بمعنای تبدیل شدن به یک سازمان سیاسی بورژوازی و بدورانداختن درونما به انقلابی خویش است. رژیم، نیروهای انقلابی را به چنین گره اب متخفنی فرا میخواند و چنین در باغ سبزی ژا به روی نیروهای انقلابی با زمی گشاید. "بحث آزاد" مطلوب رژیم، بر اساس چنین پیش شرط ها و قوانینی "بحث آزاد" میان رژیم حاکم، با نیروهای سیاسی خیانت پیشه ای است که با پشت کردن به مبارزه طبقه ای و خیانت به توده ها، خود را به بورژوازی فروخته اند. فقط نیروهای چون حزب توده و اکثریت سه جهانی های خاش و یان نیروهای که بخوانند از این پس به آرمان انقلاب خیانت و رزندوبه در یوزگی در آستان بورژوازی بپردازند، میتوانند به بگه گویان چنین قوانینی با شنود به آن گسردن گذارند. مسئله بر سر بهره گیری انقلابی از

های خاش مبلغ آن میباشد. بسیار رایج است تا لاشا خود جنبش کمونیستی نیز به درکهای انحرافی از تشکلات توده ای کارگری آلوده بوده است. در چنین رابطه ای است که ما معرفی کتاب ارزنده ای در این زمینه را که اخیراً منتشر گردیده است ضروری دانستیم.

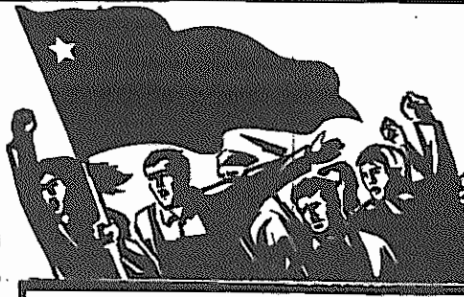
این کتاب مشتمل بر دو بخش (سندیکاها و فعالیت در تمانی ها) میباشد که مجموعه ایست از قطعنامه های دومین، سومین و چهارمین کنگره انترناتسیونال دوم. علاوه بر اینها، در مقدمه هر بخش قسمتی از قطعنامه های بین الملل اول را در باره درک "مبارزات اقتصاددی و مبارزات سیاسی" سندیکاها و "کارتعاونی ها" آورده است که توسط مارکس آموزگار رکیب پرولتاریا نگاشته شده اند. این قسمتها در عین اختصار خود بسیار عمیق و نگرش انقلابی مارکس از این مضامین میباشد. ما ضمن توصیه مطالعه این کتاب با ارزنده به همه کمونیستها و هر کارگر آگاه و بیداری، توجه رفقا را به این نکته مهم جلب میکنیم که مطالعه این اثر نه تنها از آوازه پیدا کسردن درک مارکسیستی از مبارزه اقتصاددی و سیاسی طبقه، سازمانهای کارگری و وظیفه کمونیستها در قبال آنهاست. بلکه از آوازه، شناخت درست از نحوه برخورد مارکسیستی به تشکلات توده ای که در شرایط اعتلاء یا بنده کنونی از اهمیت بسیاری برخوردار میباشد و نمیتوانند بس مفی دوگرا نقسردن باشد.

عقب نشینی های رژیم و یا سودجستن از شکاف های که بر افشا رجنش در سیاست های رژیم پدید میاید نیست. همچنین سخن از استفا ده از امکانات و شرایط سیاسی مسا عدو هر چند محدودی که در بستر مبارزه توده ها و با عقب نشینی بورژوازی برای دامن زدن به مبارزه طبقه ای در جامعه و بوقع مصالح انقلاب بدست میاید، بلکه سخن از این است که بدست آوردن این امتیازات محدود به قیمت دست کشیدن از مبارزه انقلابی تمام میشود. اطلاعیه داستانی چنین هدفی را دنبال میکند. آری معنای واقعی پیام فریب کارانه رژیم در اطلاعیه مذکور چنین است: "فعالیت سیاسی" احزاب و گروه ها آزاد است به شرط آنکه از فعالیت سیاسی دست بردارند!

قابل توجه رفقا و هواداران!

نشریه پیکار برای غنی تر نمودن آرشیه و عکس و سنا دخودا زکلیه رفقا و هواداران ما زمان میخواهد که هرگونه عکس مربوط به شخصیتها و شهدای کمونیست و انقلابی ایران و جهان و سنا دی که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم مرتبط با جنبش کارگری و انقلابی و متنا سب برای افشاکگری و... در اختیار دارند، برای ارسال دارند. موفق باشید!

اخبار مبارزات توده‌ها



اعتصاب غذای زندانیان سیاسی انقلابی بند زندان زندان کارون

زندانیان سیاسی انقلابی زندان کارون اهواز، بندزندان، در تاریخ ۲۱/۱۲/۵۹ دست به یک اعتصاب غذای خشک زدند. این اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط غیربهداشتی و بیماری‌زا و یکجا بودن زندانیان سیاسی انقلابی با دیگر زندانیان بوده است. در روز دوم اعتصاب، مسئولین زندان و پاسداران از انقلابیون زندانی میخواستند که اعتصاب غذا را بشکنند و سعی میکنند با انواع بهانه‌ها و فشارها آنها را مجبور به اینکار نمایند اما موفق نمی‌شوند. در روز چهارم اعتصاب غذا، حال چهار تن از زندانیان بهم خورده و با لایحه مقاومت انقلابی رفقای دربند در ادامه اعتصاب غذا، مسئولین مزدور زندان را وادار به عقب نشینی نموده و زندانیان سیاسی انقلابی را به "بازداشتگاه ضد انقلاب" (بخوان: بازداشتگاه انقلابیون) منتقل میکنند.

با مبارزات انقلابی خود، ارتجاع را در همه جا شکست دهید!

جنایات ارتجاع و نوروز خونین زحمتکشان را مسر

مجاهدین حمله می‌کنند و ادا را ن سبوه‌های کمونیست و انقلابی به سراغ سايراهالی "کناره محله"، در اعتراض به این یورش و حبس‌ها به پاسداران مزدور درگیر می‌شوند که ۱۲ نفر از مردم زخمی می‌شوند. با خروج پاسداران مزدور از محله، رفقای سازمان بیکار و اقلیت دست به افشاکاری وسیعی می‌زنند و این در حالی بود که مجاهدین حاضر به افشاکاری وسیع حول حمله و حبس‌ها به پاسداران نبوده‌اند. در روز جمعه پاسداران و فنان‌های بسیج شده از رشت و لاهیجان، شهر را تحت کنترل خود می‌گیرند. این مزدوران هنگامیکه در جلوی بساط فروش کتاب و نشریه رفقای بیکار، قصد دستگیری یک رفیق اقلیتی را میکنند، با مقاومت مردم روبرو شده و عقب می‌نشینند. همچنین یکی از هواداران مجاهدین که توسط بقیه در صفحه ۱۰

سال ۵۹ از یکطرف سال اعتلا و رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای شهرمان ما بر علیه رژیم سرمایه‌داری وابسته، و از طرف دیگر سال سرکوب مبارزات توده‌های مبارز و نیروهای انقلابی و کمونیست توسط ارتش و پاسداران و قداره‌بندان رژیم جمهوری اسلامی بود. سال جدید نیز طبیعتاً و جگبوری مبارزات کارگران و زحمتکشان را نوید میدهد، اگر چه سرکوبگری‌های رژیم جمهوری اسلامی را هم در پی دارد. وقایعی که اخیراً در چند نقطه از کشورمان رخ داده نشان میدهد که چگونه رژیم ضد خلقی با آغاز سال جدید سرکوب و ترور و خفقان را افزایش داده و از ریختن خون پاک فرزندان خلق هیچ باکی ندارد. در روز چهارشنبه ۶۰/۱/۵ در راه مسر، پاسدارانی که عازم جبهه جنگ ارتجاعی بودند به همراه فالانژهای دهات اطراف به نمايشگاه

تظاهرات در قهرمان شهر

در روز ۲۳ اسفند بدعت سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان بیکار، در قهرمان شهر یک تظاهرات موضوعی برگزار شد، رفقا با شعارها "چون" علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده - با دیکتاتور توده‌ها"، "از قحطی و گرانی، این جنگ ارتجاعی، مردم بختگ آمدند"، "شعار زحمتکشان، نان، مسکن، آزادی" و حمل پلاکاردهای افشاکرانه، به افسانه رژیم جمهوری اسلامی سرداختند. در مسیر تظاهرات اعلامیه‌های سازمان بیکار و سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان بیکار در ارتباط با گرانی و بیکاری پخش شد. مردم با اشتیاق اعلامیه‌ها را گرفته و می‌خواندند گروهی از مردم به صف تظاهرات کردند و پیوسته و یک ربع اول تظاهرات بدون درگیری ادامه یافت. اوباشان رژیم جمهوری اسلامی که می‌دیدند مردم به استقبال تظاهرات رفته و حتی دانشگانی اتومبیلها با بوق زدن و تکرار شعارها با رفقا همراهی میکنند، وحشانه به آنان حمله نموده و چند نفر را دستگیر می‌سازند. مردم نیز در اعتراض به مزدوران رژیم و به حمایت از تظاهرات کنندگان در خانه‌های خود را بروی رفقای که مورد هجوم قرار گرفتند بودند، می‌شوند. این تظاهرات ۲۰ دقیقه طول کشید.

خودکشی يك سرباز منقضي خدمت ۵۶ و تهدیدهای فرمانده مزدور

آری فرزندان زحمتکشان قربانی جنگ ارتجاعی کنونی و سیستم ارتجاعی ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی شده و تحت فشار روحی دست به خودکشی می‌زنند و فرماندهان مزدور حافظ این سیستم نیز، اینگونه و قبحانه به سوه استفاده از آن پرداخته و برای تامین منافعی ارتجاعی رژیم سرمایه‌داران و حفظ ماشین سرکوبگر آن، ارتش، سربازان را در مقابل عدم اطاعت کورکورانه از دستورات ارتجاعی، سه‌مرگ و زندان تهدید می‌نمایند. سربازان زحمتکش با پدید آمدن سئوالات خودکشی "حبیب الله زاده" ها تنها رژیم ضد خلقی حاکم است و آنها فقط با احاد و مبارزه بیکرانه خود و ایجاد دشمنی انقلابی در درون ارتش و در پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان جهت سرنگونی این رژیم، میتوانستند از قربانی شدن خود و دیگر فرزندان زحمتکشان جلوگیری کنند.

در روز شنبه ۱۶/۱۲/۵۹ یک سرباز منقضي خدمت بنام "نعمت الله حبیب زاده" در بادگان دپوترابری (تهران)، دست به خودکشی می‌زند. وی از اهالی یکی از روستاهای بابل بوده و با آنکه دوره خدمتش پایان یافته بود، به بهانه اشغال جنگ هنوز او را مرخص نکرده بودند. این امر او را سوی دیگر رنج فقر و تنگدستی خانواده و اینکه کسی نبود تا به آنها کمک کند، این سرباز منقضي خدمت را آنچنان تحت فشار روحی قرار میدهد که تاب تحمل نیاورده و با شلیک دو گلوله به زندگی خویش خاتمه میدهد. فرمانده مزدور گروهان که جان فرزندان زحمتکشان برای وی اهمیتی ندارد، با استفاده از این امر، به تهدید دیگر سربازان پرداخته و میگوید "اگر کسی از دستورات من سرپیچی کند، آنقدر به پروپای او می‌پیچم تا مثل آن سرباز دست به خودکشی بزند و با آنکه آنقدر توی زندان نگهش میدارم تا بیوسد".

به استقبال جنبش او بگیرید - توده‌ها بش تاپیم



توطئه‌های رژیم برای ایجاد برادرکشی بین زحمتکشان آبادانی و شیرازی را خنثی کنیم

گرفتاریها، بیکاریها، گران‌بانی، جنگ، خانه‌خوابی آوارگی و هزاران مشکل دیگر را که گریبان همه را گرفته است، پیدا میکنیم. چرا با یادآبادانی درجه‌بما نمودگان خود را در جنگ بین دو رژیم ارتجاعی از دست ندهد؟ چرا با یدشیرازی چه حبه برود و گوشت دم‌توب سرما بدهد؟ بشود؟ مگر بیروزی یا شکست رژیم جمهوری اسلامی چه نفعی بحال زحمتکشان دارد؟ مگر آن موقع که جنگ نبود مردم یک لحظه از زورگوئی های رژیم و سازمانکلات زندگی آسوده بودند؟ مگر با عشت تمام این بدبختی ها رژیم‌ها کم نیست که از منافع سرما بدهد آن‌ها را حمایت میکند؟

آیا دشمن آبادانی، شیرازی است؟ آیا دشمن شیرازی، آبادانی است؟ نه! دشمنان کارگران و زحمتکشان شیرازی و آبادانی، رژیم سرما بدهداری حاکم است که جنگ ارتجاعی را برپا دارد و خفته است، از سرما بدهد آن‌ها را حمایت میکند و کوچکترین صدای حق طلبی را سرکوب میکند. دشمن شما ارتش و سپاه آبادانی که از منافع دارو دست‌ارتجاعی حاکم حمایت میکنند هستند! مگر زحمتکشان خوزستانی و زحمتکش شیرازی چه فرقی با هم دارند؟ مگر هر دو گرفتار زورگوئی های رژیم حاکم نیستند؟ مگر سیریه‌ها ن هردو مکی‌سده نمیشود؟ مگر گران‌بانی به هردو فشار رنمیا ورد؟ مگر هردو زیر بار رقرض بی مسکنی و هزار مشکل دیگر کمر خنک کرده‌اند؟

کارگران و زحمتکشان ماسرز، مردم‌قهرمان شیرازی و خوزستانی!
توطئه‌های رژیم جمهوری اسلامی را که با سیاست "تفرقه بینا ندادن و حکومت کن" زمینه سازی سرکوب وسیع زحمتکشان خوزستانی را فراهم کرده است خنثی کنیم. لبه تیز خنم و کینه خود را متوجه دشمن مشترکمان سازیم، هدفهای رژیم از این توطئه را برای دیگران توضیح دهیم. تنها اتحاد و مبارزه مشترک ما برای نابودی رژیم سرمایه‌داری است که میتواند بدبختی و فلاکت‌مان را پایان بخشد. پیش بسوی اتحاد و یگانگی برای مبارزه با دشمنان واقعی مردم!
نا بودا دتوطئه‌های رنگارنگ رژیم حاکم!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(تشکیلات شیراز) ۱۳۶۰/۱/۱۲

اخیرا به تحریک سپاه آبادانی شیراز و رهبری حفاقداران رژیم درگیریهای وسیعی در شیراز روی داده که منجر به کشته شدن دو نفر نیز گردیده است. تسکیلات شیراز سازمان ما در مورد این توطئه رژیم اعلامیه‌ای منتشر کرده است. ما فسمتها ئی از آنرا در اینجا میاورم:

کارگران و زحمتکشان! مردم مبارز سراز!
حگرندگان قهرمان خوزستانی!
در دروزا حیرت‌سرازها هدرگیریها و حماقتهای وسیعی است. این درگیریها تعداد زیادی زخمی و آنطور که از اخبار بر ما بد یک تقریبا سیرکشته‌ها ده است. دسته‌های حماق - دار که آشکارا حزب اللهیها و عوامل سپاه آبادانی با لباس شخصی آنها را هدایت میکنند به خواگامها و محللهای تجمع حنکزدگان خوزستانی مبرزنه درگیریها را گسترش می‌دهند. نیروهای انتظامی، با سانهای با سوم بدست شهرمانی نیز بطور نمایی در لحظات درگیری حضور دارند و مطلقا کاری به حماقدارانی که خواگامهای جنگزدگان را محاصره کرده و قمد و رودبه آنها را دارند، ندارند.

زن و بچه‌های جنگزدگان خوزستانی در دروزا اخیر بدترین لحظات آوارگی خود را گذرانده‌اند آنها تا مین جانی ندارند و هر لحظه منتظرند تا حماقداران حزب اللهی این زندگی سراسر غم و اندوه آنها را نیز از هم بپاشند.

واقعیات مسئله چیست
و درگیری بسود چه کسی تمام میشود؟
حزب اللهیها و سپاه آبادانی در سوشن چند شیرازی درنا هراغ با آبادانیها درگیری راه می‌اندازند. در این درگیری یک نفر کشته شده و دهانه درگیری به خواگامها کشیده میشود. سپاه آبادانی را راه انداختن حماقداران و ثایعه سرازکنی در سپردها منه درگیری را وسیعتر میکند و با اصطلاح جنگ بین "آبادانی و شیرازی" برآه ماندا زد. سپاه آبادانی سعی میکند با این کار اتحاد بین مردم را از بین ببرد و آنها را بپراکنده کند و زمینه سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست را فراهم سازد.
کارگران و زحمتکشان مبارز،
همشهریان شیرازی و خوزستانی!
اگر کمی بیشتر فکر کنیم، علت اصلی

جنايات بئسما رخود برده افکنند. اما ما می - گوئیم: جسدریائی سندر سوا ئی ارتجاع است ما میگوئیم: نه سرکوب و نه کشتار و نه دستگیری و نکند و نه سرور و اعدام نمیتوانند در های از پیکار انقلابی کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ما بر علیه سیستم سرما بدهداری وابسته به امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی حافظ آن بگاهد. دیر نیست آن روزی که رژیم ضد خلقی

بقیه از صفحه ۲۶ آغاز...
را بطور دستجمعی خوانند. پس از قرائت بیام سا زمان رفقای اجتماع کننده جهت بیان خود سا کمونیست شهید رفیق غلامرضا سرود "شهیدان" را خوانده و وفا داری خود به آرمان کمونیسم را اعلام کردند. در این مراسم همچنین بنام جمعی از خانواده‌های شهیدان زندانیان سیاسی، شعری توسط یک رفیق و متن کوتاه بسیار پرشوری توسط همسر رفیق شهید منوچهر نیک‌اندام خوانده شد. یکی از همسران رفیق غلامرضا که در جریان بخش با رفیق همرا بود گوشه‌هایی از پیکار انقلابی غلامرضا و عشق بی پایان او - کمونیسم و آزادی طبقه کارگر را توضیح داد. در پایان مراسم مادر یکی از شهیدان سازمان جملاتی سخت‌آتشین و حاکی از کینه‌تظاتی او علیه سرما بدهداری و دشمنان خلق ایراد نمود که جمعیت را بشدت تحت تاثیر قرار داد. مراسم شکوه خاصی داشت. پلاکاردهای گوناگون رفیق شهید و نام سازمان بر آن نقش بسته بود و ۴ حلقه بزرگ گل و یک ستاره گل سرخ را رفیق شهید "غلامرضا صداقت پناه" و شورا انقلابی جمعیت، در طول اجرای مراسم جزئی از آادای دب - نسبت به کمونیستهای قهرمانی همچون رفیق شهید غلامرضا بود. همسران غلامرضا تا بای جان راهش را ادامه خواهند داد.

بقیه از صفحه ۹ جنایات...
با ساداران دستگیر شده بود بوسیله مردم آزادی - شود. با ساداران مزدور تا ساسی از بن در شهر به خانه گردی پرداخته و هر کسی را که به وطنس میشدند دستگیر میکردند.
تشکیلات سازمان پیکار در گیلان، در اینس را بطه اعلامیه‌ای داده است که فسمتها ئی از آنرا در زیر میخوانید:

"... بیاید و رژیم که چگونه جلادان جمهوری اسلامی در سه نوروز، خلق دلوار کرد و ترکمن را سه خاک و خون کشیده و میکشد و اینک سرکوبگران جمهوری اسلامی در ادامه همان سیاست درنا ریخ ۶۰/۱/۵ عید زحمتکشان را مسررا به خاک و خون کشیده و زحمتکش قهرمان "خبرالله قبالی" را به شهادت رساندند. در روزهای اخیر با ساداران و قداره بندان رژیم بدنبال سدود نمودن راههای ورودی به شهر، به دستگیری، شکنجه و سرکوب مبارزات نوده‌های شهری پرداخته و در این رابطه در تاریخ ۶۰/۱/۱۳ با هجوم وحشانه‌سان بهروستای "کتالم" از توابع رامسر، "تیمور - طالش" را نیز به شهادت رسانند. هم اکنون دستگیری و سرکوب توده‌ها در آسرادا مه‌آرد. کارگران، زحمتکشان گیلان، زحمتکشان و توده - های ماسرزاسر!

قداره بندان رژیم در رشت از تحویل حنازه شهید "قبالی" به خانه خودداری نموده و آنها را به بدبختی گرفتند، گویا این دزخیسان از خانواده شهید "نازست" میخواهند.
زحمتکشان بادا، این مزدوران میخواهند مانند گاردیهای آریا مهربی با جسدریائی بسر

اول اردیبهشت: روز مقاومت دانشجویان انقلابی گرامی باد

در میان سنگرهای فروزان انقلاب ایران، آتشگاهی است که لهب شعله های آتش هیبتش سالیان سال توده های انقلابی میهن ما را گرم و روشنایی بخشیده است. نگهبانان این آتش، آتش آزادی و آگاهی و انقلاب با جان بازی - ها و دلوریهای بی پایان خویش هرگز نگذاشتند که آغزهای فروزان و شعله ور این آتشگاه بیفسرد، و در این راه، بسیاری قهرمانان نه چنان باختند، این آتشگاه که زبانه های آتش بسر سیاهیهای ارتجاع و امپریالیسم پورش میاورده است، دانشگاه است.

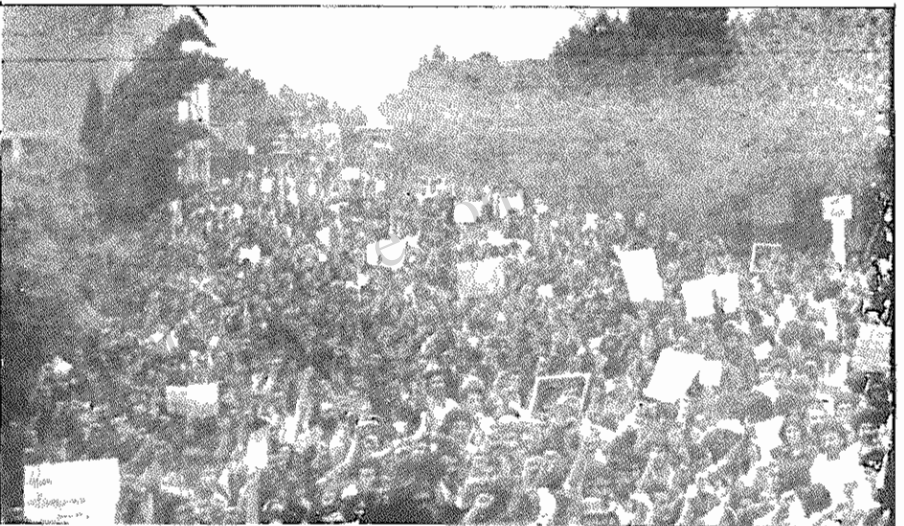
به قلب توده که بنگری، عشقی عظیم به این آتشگاه، این سنگر آزادی، میبینی، توده های هموارده دانشگاهی را گرامی داشته اند. از رزمدها دانشگاهی در سیهای دیکتاتورسوری شاهان و آنچه ویرسرد دانشجویان انقلابی آورده و زنده آنها، شکنجه ها، تیرباران و.....

کردستان و دانشگاهی را که انقلاب در آن بیش از هر نقطه دیگر نیرومند بود و بدین ترتیب، جمهوری اسلامی که هر سال از رشد انقلاب سال ۵۹ را سال امنیت نامیده بود، کوشید تا این امنیت را برکتش را بر مبنای آن خلق کرد و زندان و تیرباران دانشجویان انقلابی، استوار کند.

ابتدا دانشگاهی از سوی داروستانهای ارتجاعی وابسته به حزب جمهوری اسلامی اشغال شد، آنها میکوشیدند با اشغال دانشگاهها، و با عنوان و توجیه با اصطلاح انقلاب فرهنگی آتربه تعطیل بکنند. چرا که آنها میدانستند، تا زمانیکه دانشگاهها با راست نیروهای انقلابی که نیرومندترین جریان دانشگاهی هستند دمی از آگهی هگری نخواهند آمد.

اما لیبرالها با هدفی دیگر در این مبارزه علیه انقلاب که نامش را "انقلاب فرهنگی" گذاشته بودند، شرکت کردند. بنی مدرتوطئه اشغال و به تعطیل کشاندن دانشگاهها را، بسته توطئه برای بستن دفاتر نیروهای انقلابی و حتی واحدهای صفی بدل کرد. بنی صدر و لیبرالها که میخواهند دانشگاهی را با زبانه پبیج و مهره های سرما به داری وابسته در آن تربیت کنند، هرگز نمیخواهند دانشگاهی را مستحکم انقلاب و آزادی باشد. آنها دانشگاهی را بدون نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها و بدون فعالیت سیاسی این نیروها نخواهند و همیشه نیز این را خواهند خواست. آنها نمیتوانستند تعطیل کنند دانشگاهی را که در روندی با زبانه عمل نامعقولی محسوب میشد بپذیرند. اما با فعالیتهای سرکوب گران و جتایکا را نه حزب بر علیه نیروهای انقلابی کاملاً موفق بوده اند. بدین ترتیب توطئه پورش به دانشگاهی با یک هدف مشترک یعنی سرکوب نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیستها مورد تأکید هر دو جناح حکومت (حزبها و لیبرالها) قرار گرفت. منتها حزبیها که میدانستند در صورت باز بودن دانشگاهی هرگز توطئه جنایتکارانه اشان سرانجامی نمیشد بدو هماطور که شاهان نتوانست جلوی مبارزات دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیستها را بگیرد اینها نمیتوانند آنان نیز زبانه پبیج بسته دانشگاهی بودند. از طرف دیگر لیبرالها که میدانستند بستن دانشگاهی گذشته

مانند دانشجویان انقلابی به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. دانشجویان انقلابی بخصوص کمونیستها به توده ها میگفتند که رژیم جمهوری اسلامی حافظ منافع امپریالیسم است، به توده ها میگفتند که جمهوری اسلامی چگونه کارگران و زحمتکشان را سرکوب میکند، چگونه خلق کرد و ترکمن را کشتار میکند و چگونه آزادیهای دمکراتیک را به بند میکند.



بدین ترتیب جمهوری اسلامی نیز مبارزات دانشجویان انقلابی را با زندان و تیرباران و شکنجه پاسخ گفت. اما با همه زندانها و شکنجه ها و تیربارانها نتوانست شعله آزادی را در دانشگاهی خاموش کند. پس تصمیم گرفت که بر آن قتل تعطیل بزند.

پس از یک دوران تجدید قوا پس از اشغال سفارت رژیم پورش دو باره خود را به انقلاب آغز کرد. پس از شکست زبونا نه در پورش اول به کردستان قهرمان و او جگری جنبش توده های رژیم برای نجات خویش از زیر ضربات انقلاب به فریقتن توده ها و جارجنا لهای دروغین "مدامپریالیستی" پنا به برد. اما نیک پیدا بود که ارتجاع پس از تجدید قوا با ردیگر به انقلاب پورش خواهد آورد. بدین ترتیب او از فروردین لیبرالها و حزبیها دست بدست یکدیگر به کردستان حمله کردند و سپس در اول اردیبهشت دانشگاهی را سرسرا بران را بخون کشیدند.

این همه توده ها با خبرند و توده ها نیک میدانند که دانشگاهی در مقابل ارتجاع و امپریالیسم هرگز بیبرق تسلیم بر نیافراشته است. آری کافی است که به قلب توده ها بنگری. توده ها رژیم شاهان را سرنگون کردند، اما اقتدار و طیقات مؤه بقدرت رسیدند و از فردای قیام بهمن، پورش به انقلاب را آغز زدند. آنان به با زبانه سیستم سرمایه داری وابسته مشغول شدند و در نتیجه جز کشتار و سرکوب کارگران، زحمتکشان، خلق کرد، ترکمن و دانشجویان انقلابی چاره دیگری نداشتند. پس آنگاه بیبرق سرخ بیگار و مقاومت هم چنان بر فراز آتشگاهی آزادی برافراشته مانسد با ران احمدزاده ها، مومنی ها، رضاییها، آخوندیها و متحدین با وفاداری به آرمان سرخ توده های ستمدیده هرگز نگذاشتند که برچم بیگار با نشان بر زمین افتد و دلورانه در مقابل رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قدبرافراشتند. دانشگاهی همچنان سنگر آزادی و انقلاب باقی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سالگرد شهادت کارگر کمونیست رفیق عزیز محمدی



Name: A. Mohammadi

BS NO. 503389

اودر روزهای پرشکوه مبارزات توده‌ها علیه رژیم وابسته شاه، همراه با کارگران و زحمتکشان با شرکت در تظاهرات، شعار، یوسی و یخش اعلامیه - های انقلابی در جنبش انقلابی توده‌ها شرکت میکرد. رفیق عزیز که کارگر شرکت نفت بود، بخاطر فعالیت‌های انقلابی علیه سرمایه داران و رژیم حامی آنان، در روزهای قبل از قیام کسار خود را از دست داد. اما با عشقی بیشتر نسبت به بقیه در صفحه ۲۸

۳۱ فروردین امسال، اولین سالگرد شهادت رفیق عزیز محمدی بدست پاسداران ارتجاع میباشد. او که فرزندیک کارگر انقلابی بود با وفاداری به آرمان سرخ طبقه تیش، بر راه پیدر مبارزش رفت و چون او، شهید را هر هائی زحمتکشان گردید.

رفیق عزیز در سال ۱۳۳۲ در یک خانواده کارگری در مسجد سلیمان بدنیا آمد. بدو رفیق عزیز کارگر قهرمانی بود که در مبارزات کارگران جنوب پیش از کودتای آمریکا طی ۲۸ مرداد، شرکت فعال داشت و در جریان همین مبارزات در حالیکه پرچم سرخ کارگران را بجای محسمه بزرگشیده شده شاه خاشاک، بر میافراشت با گلوله مزدوران رژیم پهلوی به شهادت رسید.

رفیق عزیز سنت‌های انقلابی و مبارزاتی پدرش را گرمی داشته و قدم در راه مبارزه با دشمنان طبقاتی کارگران و زحمتکشان گذاشت.

اقدامات جنایتکارانه بسیار وسیع بود. چاقی - داران و پاسداران در تهاجم به دانشگای هندی -



شاپور، ۱۳ نفر را کشتند و نزدیک به هزار نفر را زخمی کردند. در این میان هشتصد تن را کشته بسیاری از آنها بشدت زخمی بودند، دستگیر کردند. بسیاری از دستگیرشدگان را از روی تخت بیمارستان به شکنجه‌گاهها بردند. سال - سن شهرداری که به زندان تبدیل شده بود، خود دژی شد برای فرساده و خواران انقلابی، ارتجاع به سالن شهرداری حمله کرد و زندان را با سی اس بر را به گلوله بست که حداقل در این سوره سه تن به شهادت رسیدند، ترور در زندان نیز ادامه یافت و از حمله کمونیست نهرمان، بیگانه کارگر شهید رفیق مهنا زحمتکشان در زندان بدست پاسداران ارتجاع ترور شد. رژیم که از مقاومت دانشجویان بشدت هراسناک بود، با زهم در صدها انتقام برآمد و چهار تن از اسیران در بندرا بحرمدفاع از سنگر آزادی تیرباران کرد. اسن چهار تن، رفقای

از محروم کردن سرمایه داری وابسته از متخصصان بعثت عشق توده‌ها به دانشگای، خود به عاملی برای نافرمانی بدل میشود، با بستن دانشگای هندی مخالف بودند و میخواستند به بیشترین برنامهای خود را بر روی بستن دفاع سیاسی دانشجویان و جلوگیری از فعالیت انقلابی آنها متمرکز سازند. بدین ترتیب دستور تخلیه دفاع سیاسی صادر شد. روزهایی که شاکت توده‌ای، کفرتان از این دستور ارتجاع اطلاع کردند، محاسن خلق ابتدا مخالفتها را از خود نشان دادند و سرانجام، بدنبال لیبرالها روان شدند و حرف شنوی و اطاعت خویش را از سرمایه داران لیبرال ایران به نمایش گذاشتند.

بدین ترتیب در مقابل توطئه ارتجاع برای خاموش کردن شعله‌های آتش آزادی و انقلاب، تنها دانشجویان کمونیست باقی ماندند. توده‌های دانشجویان نیز توده‌های انقلابی در این روز به گرداگرد دانشگای هندی زدند، آنها را - خواستند و آزادی را به دشمنان آزادی و استقلال ایران، به دشمنان توده‌ها تسلیم کنند، دانش - جوان کمونیست یعنی دانشجویان هسوادار سازمان پیکار، دیگر دانشجویان هسوادار نیروهای موسوم به طیف ۳ که هنوز نام دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر را بر خود داشتند دانشجویان هسوادار را هکارگردان دانشجویان بیتکام رهبری مبارزات انقلابی را برای دفاع از سنگر آزادی معاهده گرفتند و هر یک به مقر خود کشت اندو لوژیک خود، در هر چه باشکوه تر و استوار کردن اسن روزنقشی ایفا کردند؛ (ما در شماره آینده به نقش هر یک از این نیروها خواهیم پرداخت)

در پی توطئه سرکوب دانشجویان انقلابی و بخصوص کمونیستها و خاموش کردن فربا آزادی - خواهی و سرگ برامیرا لیس جنبش انقلابی، دانشجویی، سپاه ارتجاعی پاسداران سرمایه بهمراهی باندهای سپاه حزب جمهوری اسلامی به دانشگای هندی حمله کردند، یورش در ۲۷ فروردین در تبریز آغاز شد و بلافاصله در تهران به دانشگای هندی تکنیک حمله شد و آنگاه سرا سردا دانشگای هندی ایران خون شدند و حماسه دانشجویان، دانشجویان، مقاومت، مقاومت، از سنگر دانشگای هندی، محافظت، محافظت، پرچم پیکار ۱۶ آذر دیگری شد. جنروروز پیکار و مقاومت ادامه داشت و سرانجام ارتجاع با به شهادت رساندن دهها دانشجوی انقلابی در سرا سرا ایران و دستگیری و زخمی کردن صدها نفر در دانشگای هندی افتخار کرد و صحنه - ای تنگین بر حنا یات خوش افزود، حنا ناتی که روی ۱۶ آذر شاه خاشاک را سفید کرد، سلطان جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب خونین دانشگای هندی در اول اردیبهشت چنین بود:

« - در تهران پس از سه روز مقاومت و جندتستن شهید و دهها نفر زخمی گردیدند. »
« - در احوال از اساعده دفاع و حنا ناتی بخاطر حضور فعال غرضی جلاد و نیز جنتی خاشاک در اسن

کمونیست پیکار کارگر شهید احمد مؤذن و مهدی علوی شوشتری (از مسئولین تشکلات دانشجویان و دانش آموزان پیکار) و نیز رفقا مسعود انبالی و دکتر شریعتی بودند.

در شهادت نیز جمعا ۱۴ تن حداقل ۱ نفر به شهادت رسیدند دهها نفر زخمی و دستگیر گردیدند و انفرادی دستگیر شدگان تیرباران شد.

در شیراز حداقل ۱ نفر شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر شدند.

در زاهدان یک رفیق کمونیست شهید و دهها نفر زخمی و دستگیر شدند.

در مشهد، اصفهان، تبریز و... نیز دهها دانش - جوی انقلابی زخمی و دستگیر گردیدند.

و پس از آن دانشگای هندی برای برگزاری استعانات تا ۱۴ خرداد گشایش یافته و از آن پس بر آن قفل تعطیل زدند. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر جلادان تاریخ، عاجز از مقابله با نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست - ها، جگمه‌های خون آلود را بر گلوله‌گاه دانشگای هندی فرسوده‌ها از یک کشتار خونین دانشگای هندی راست تا به عبث دژ استوار آزادی را درهم کوبد و مانع پیوند دانشجویان انقلابی با توده‌های خلق گردد.

اسنک خلق ما استوار و محکم فریب داد دانشگای هندی سنگر آزادی گشوده با بدگردد را سرداده است، توده‌های انقلابی میخواهند دانشگای هندی گشایش با بدست با رد بگردان دانشجویان انقلابی و کمونیست به آنگاهگری سردا زند، آری اسنک با زکشاکی دانشگای هندی در کنار اسنک خواستهای انقلابی خلق قرار داد و این نشان میدهد که جلادان اول اردیبهشت هرگز نتوانستند به اهداف خاشاک ناهائیان در کشتار اول اردیبهشت دست بیاورند. چرا که اسنک توده‌ها مسروند و تسلط قاتلان فرزندان انقلابی اول اردیبهشت را با مبارزات خونین خویش، درهم کوبند.

مسئله وحدت تشکیلاتی رویزونیستهای اکثریتی - توده‌ای و موضع سائتربستی "اقلیت" در قبال آن

اخرا اعلامیه‌ای از سوی جمعی از کاردهای
منشعب از رویونیستهای فدائی (اکثریت)
انتشار یافته که در آن از بیابان کمیته مرکزی
حزب توده به پلنوم اخیر "اکثریت" و تصویب وحدت
تشکیلاتی قریب الوقوع این دو جناح رویونیست
نیستی با یکدیگر توسط پلنوم رویونیستهای
فدائی (اکثریت) خبر داده است. این اعلامیه
در عین حال نارضایتی این کاردها از بیابان
وحدت تشکیلاتی و اعلام نشاء آنها از جناح
رویونیستی اکثریت را نشان میدهد.

از لحاظ طبقاتی، وحدت تشکیلاتی این دو
سائتربستی، چیزی نیست جز فشرده تر شدن
باند های بورژوا رویونیست خروشچی که با
متحد کردن صفوف خویش، میخواهند خود را برای
تتهاجمات جدید به صفا انقلاب آماده سازند. این
وحدت، در عین حال نشان میدهد که سوسیال
امپریالیسم روسیه در ایران، در پی آن است تا
شیکه جاسوسی خود را در ایران منظم تر سازد و
خود را برای بهره برداری از اوضاع هر چه بیشتر
آماده نماید.

از لحاظ سیاسی، این وحدت تشکیلاتی به
مفهوم فضا شدن بیش از پیش و تمام و تمام رویونیست
یونیستهای فدائی در میان توده ها و جنبش
کارگری، و علامت انفرا آمدن آنهاست. رویونیست
نیستهای فدائی (اکثریت) اکنون لاجرم مجبور
شده اند که آن روکش به اصطلاح "حسن سابقه
فدائی" را از تن در آورده و روکش "سوء سابقه
توده‌ای" را به تن کنند. این ادغام تشکیلاتی،
در عین حال که از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی
حاوی هیچ گونه به اصطلاح "تعمیق" بیشتر
رویونیست در فدا ئیان اکثریت نیست (چرا که
آنها مدت ها است که به منجانب بورژوازی سقوط
کرده و مدت ها است که هرگونه پیوند خود را با
مارکسیسم و جنبش انقلابی خلق از دست داده اند)،
ولی با توجه به ماهیت کارگزار ی حزب توده
برای سوسیال امپریالیسم شوروی، نشان دهنده
کامل شدن پروسه کارگزار ی در رویونیستهای
فدائی (اکثریت) از هنگام مگر ویدن کامل به
منجانب رویونیستها زکا ۵۹ تا کنون میباشد.
اکنون بجاست که با رخ دادن این واقعه
یک بار دیگر از خود سوال کنیم که این کدام
عامل ایدئولوژیک سیاسی بود که فدا ئیان خلق
را قدم به قدم از منشی رفیق احمدزاده که حاوی
مرز بندی با رویونیسم خروشچی بود، به
موضع سراپا سائتربستی جزئی (که سعی میکرد
تا میان مارکسیسم و رویونیسم، میان
پرولتاریا و بورژوازی راه "وسط" را برگزیند)
کشاند و مدت ها قبل از قیام بیابان سائتر
گریختن جناحی از فدا ئیان به اغوش حزب توده
ند (گروه منشعب) و با لآخره پس از قیام میرعمیق
نزدیکی آنها با رویونیسم افزود و به "کار ۵۹"
منجر گشت؟

داشته است که میتوان از بیابان های اویسرای
"مازیار" درون فدا ئیان در سال ۵۳ تا مبارزه
قلمی مستمرا و با فدا ئیان در نشریه "مردم"
دوره جدیدنا مرده، آنچه که در این تحول جناح -
های مختلف فدا ئیان به سمت حزب توده عنمر
یا بدار و همیشگی بوده است، همان عقب نشینی
تدریجی از موضع گیری های پرهیجان و سراپا
احساساتی و ملی خالی از هرگونه مرز بندی عمیق
ایدئولوژیک با حزب توده، به موضع گیریهای
بی طرفانه و کمی تا شید امیز، و سپس چرخش و

سازمان ما مدت ها است که به این سوال، تنها
جواب پرولتری ممکن را داده و در مبارزه
ایدئولوژیک مستمر خویش با فدا ئیان در تمام
این دوره بر آن تاکید کرده است. این عامل
حیزی نیست جز عدم مرز بندی فدا ئیان از خلق
(حداقل از جنبه و منشی جزئی به بعد) با ایدئو -
لوژی بورژوازی (در شکل رویونیستی) و اتخاذ
بگ موضع خرده بورژوازی میان پرولتاریا و
بورژوازی. این سائتربست بقول لنین همان
"نا استواری لایه های میانی روشنفکران" (نقل

از لحاظ طبقاتی وحدت تشکیلاتی این دو باند رویونیستی چیزی نیست جز فشرده تر
شدن باند های بورژوا رویونیست خروشچی که با متحد کردن صفوف خویش در پی
خود را برای تهاجمات جدید به صفا انقلاب آماده سازند.

سقوط کامل در کام حزب توده بوده است. این
همان منحنی نمودار تحول فدا ئیان جزئی به
"نشریه کار" را نشان میدهد. سپس شما ۵۹ می -
باشد. این تحول به روشنی نشان میدهد که
مرز بندی با حزب توده نمی تواند به مرز بندی
با سوء سابقه این خائنین و با حتی عشقی
رفرمیستی گذشته آنها (در سالهای ملی شدن
نفعت) محدود شود، بلکه باید ایدئولوژی آنها
و تجدیدنظر آنها در اصول و مبانی مارکسیسم
(تئوری مبارزه طبقاتی، اقتصاد سیاسی و ماتریالیسم
دیا لکتیک) و مهم تر از آن به مرز بندی به کل آن
اردوگاه به اصطلاح "سوسیالیستی" که الهام دهنده و
پشتیبان حزب توده میباشد، تعمیق یابد. آری، صرف
"نخن خواندن" حزب توده، ما را از گزند تشعشعات
مسموم ایدئولوژیک آن حفظ نخواهد کرد، بلکه
برعکس ما را در مقابل آن خلق سلاح خواهد
نمود.

از "آوانتوریسم انقلابی" میباید شد که در هنگام
خیزش توفان های طبقاتی این لایه ها را چون
پوست گردوشی بر سر امواج کوبنده مبارزه
طبقاتی به بالا و پایین میکشاند و آنها را -
میدارد که دست از اندیشه های "ما و ما" طبقاتی
و "ما فوق مبارزه پرولتاریا و بورژوازی" خود
بردارند و در قطب بندی حاد درون نیروها، به
این قطب (بورژوازی) با آن قطب (پرولتاریا)
بپیوندند. کافی است برای روشن شدن این
مواضع سائتربستی قدیمی فدا ئیان، نگاه ی به
مواضع آنها نسبت به حزب توده بیفک کنیم مثلا به
جزوه مربوط به "اعدام عباس شهریاری" و
رسالت بیژن جزئی رجوع کنیم. در این کتابها
مرز بندی فدا ئیان با حزب توده نه در ایدئو -
لوژی (رویونیسم) و با حتی در خط منشی سیاسی
است، بلکه صرفا در عدم قبول منشی مسلحانه
پیشتر از "از طرف این دارودسته در آن زمان و
یا مثلا سابقه فرار رهبران خائنین آن در ۲۸
مرداد در گذشته میباشد. در این به اصطلاح مرز -
بندی ها، نه صحبت از ایدئولوژی بورژوازی
حزب توده میشود و نه از خط منشی سیاسی ویران
آن، و لاجرم از آنجا که در نهایت سائتربست منشی -
توانند در خدمت رویونیسم قرار بگیرد، مجموعه
این مواضع محل مناسبی است برای رشد
نطفه های متعفن رویونیسم.

حال ببینیم آیا گذشت تحول بخش مهمی
از سازمان چریکهای فدائی خلق از سائتربست
به رویونیسم و سپس از وحدت سیاسی ایدئو -
لوژیک این بخش تا ادغام تشکیلاتی با حزب
توده، توانسته است برای دیگر سائتربستها،
از راه کارگر گرفته تا "فدا ئیان اقلیت" دین
عبرتی با شد و آیا این سائتربست های رنگارنگ
توانسته اند بر اساسی از این استحاله عینی که
در پیش چشم همگان جسم زنده انقلابی را به
لاشه گندیده و متعفن تبدیل کرده است برای

البته درگانا لیزه کردن این سائتربست
فدا ئیان به سمت رویونیسم، حزب توده نیسز
از دیرباز زبانونا یک عامل ذهنی نقش فعال

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

تصحیح مواضع متزلزل خویش در مقابل رویزیو - نیم استفاده کنند؟ ویا اینکه برعکس، این گروه‌ها بر اساس موضع طبقاتی خویش دچاران - بینا ثی تاریخی بوده و سخت سرانه می‌خواهند راه رفته را که به قیمت ضربات جبران ناپذیر برای جنبش کمونیستی ایران تمام شده از نو بپیمایند؟

برای نمونه به موضع گیری فدائیان اقلیت راجع به تمویب ادغام تشکیلاتی اکثریت با حزب توده توسط بلنوم اکثریت نگاهی می - اندازیم.

فدائیان اقلیت از پیوستن "اکثریت" به "حزب توده" چه تفسیری می‌کنند؟

بر اساس آنچه که در شماره ۱۰۳ کا را اقلیت آمده است، میتوان این تفسیر را چنین جمع بندی کرد:

۱- از یک طرف اقلیت معتقد است که "اکثریت" قبلا با حزب توده وحدت سیاسی ایدئولوژیک داشته و این تصویب نامه فقط علامت وحدت تشکیلاتی می‌باشد و از کسانی که در گذشته انحراف حاکم در "اکثریت" را یک گرایش اپورتونیستی قابل اصلاح "میخوانده اند" انتقاد میکنند، ولی از سوی دیگر با گفتن جملات زیر نشان میدهد که اساسا قادر نیست بر آنچه که خود از آن بعنوان وحدت ایدئولوژیک اکثریت با حزب توده نام میبرد کوچکترین درک مارکسیستی داشته باشد، توجه کنید:

"برخی از اعضا آنها تصور میکردند که آنچه در میان اکثریتی ها حاکم است یک گرایش اپورتونیستی است و میتوان آنرا اصلاح کرد. آنها در انتظار برگزاری کنگره ای که کمیته مرکزی "قول" آنرا به اعفاء و هواداران خود داده بود تا در این کنگره تکلیف تمام مسائل مورد اختلاف روشن شود، اما پیش از برگزاری این کنگره مرزبندی خود را با مارکسیسم لنینیسم به پایان رسانند" (تا کیدا زمان است) به عبارت دیگر گویا تا قبل از اعلام وحدت تشکیلاتی با حزب توده، اکثریت هنوز مرزبندی خود را با مارکسیسم لنینیسم به پایان نرسانده بوده و لابد برای "رگه ها"ی از مارکسیسم لنینیسم بوده است! و صرف وحدت تشکیلاتی با حزب توده و پذیرفتن تابلوی این حزب، "تجسی" شده و ناگهان از عالم مارکسیسم لنینیسم به قعر خیانت به طبقه کارگر برتاب شده است!

۲- در این مقاله شاید برای اولین بار اقلیت محبت از وحدت ایدئولوژیک "اکثریت" با حزب توده میکند، ولی وقتی میخواهد درک خود را از ایدئولوژی نشان دهد معلوم میشود که درک او از ایدئولوژی حداکثرا مرزبندی سیاسی فرا تر نمی رود و "اقلیت" فقط تحت فشار توده ها با عت شده که همان مرزبندی سیاسی خود را "اکثریت" را این سارا لفظ - و فقط لفظ -

ایدئولوژی بیان کند و گرنه به هیچ عنوان دارای مرزبندی مارکسیستی با ایدئولوژی بورژوا رو بیونیستی اکثریتی ها نبوده و نیست مثلا به منظور توجه کشید که چگونه میخواهد سقوط اکثریت را تصویر کند و قادر نیست از حسد مرزبندی سیاسی با مشی سیاسی اکثریت فراتر رود: "جناح اکثریت بهمان منجلا ب سقوط کرد که حزب توده این حزب خیانت و سازش از مدت ها پیش سقوط کرده بود. آنها به تعریف و تمجید احمقانه و چاپلوسی های نوکر مابانه نسبت به حاکمیت پرداختند. رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی را نمونه کامل یک رژیم انقلابی معرفی کردند. آنها از توده ها خواستند که از رژیم فدا انقلابی حاکم حمایت کنند دست از مبارزه برداشته و به هر پستی و ذلتی تن در دهند..."

این کلمات با ردیگرانشان را بسیار بدبندیهای سطحی و احساساتی فدائیان خلق با حزب توده در گذشته می اندازد:

به اکثریت و حزب توده نسبت های "خیانت" "سازش"، "چاپلوسی های نوکر مابانه و احمقانه"، "دست کشیدن از مبارزه"، "پستی و ذلت" و "نظار آن بدرستی داده میشود، ولی به هیچ وجه روشن نمی گردد که این همه فرومایگی و خیانت ناشی از کدام ایدئولوژی و کدام تجدید نظر در اصول ایدئولوژیک طبقه کارگر میباشد؟ و این همان واقعیتی است که "اقلیت" حتی از شنیدن نام آن وحشت دارد، زیرا در غیر این صورت مجبور خواهد شد که ایدئولوژی بورژواژی که الهام دهنده حزب توده و اکثریت بوده و هست بپذیرد و ثانیاً: سوسال امپریالیسم شوروی را بعنوان پشتیبان بین المللی دارو دسته های رویزیو - نیست فوق در ایران پذیرفته و با مرزبندی قاطع با این "امپریالیسم در پرده سوسالیسم" خود را از تزلزلات ایدئولوژیک خلاص سازد به عبارت دیگر اقلیت مجبور است که مواضع سائیرستی خود را رها کرده و مواضع پیگیری و بزرگتری سازمان پیکار را بپذیرد و این چیزی است که قادر به حتی نام بردن از آن نیست و برای مرزبندی با آن از همان اصطلاحات معمول "اکثریت" در مورد "پیکار" و حتی خود اقلیت یعنی "انارشیسم" و "انارکوسندیکا لیسم" استفاده میشود.

۳- سابقا اقلیت گاهی از کلمه رویزیونیسم برای نام بردن از انحراف اکثریت استفاده میکرد، ولی اخیرا خیال خود را راحت کرده و از همان کلمه قدیمی "رفرمیسم" که در نظریات "کار" برای مرزبندی با حزب توده استفاده می شد، بهره میجوید، مثلا توجه کنید به جمله زیر: "اینک حتی برای عقب مانده ترین هواداران اکثریت روشن شد که آنها سرانجام با بدبینی حزب توده و سازمانهای انقلابی، بین رفرمیسم و مارکسیسم لنینیسم یکی را انتخاب کنند". (تا کیدا زمان است) در مقابل دیگری که "اقلیت" در همین شماره "کار" ۱۰۳ تحت عنوان "جسه

کسانی اسب تروای امپریالیسم و فدا انقلاب نوشتند و نمونه کاملی از سائیرسم و لمیدن میان مارکسیسم و رویزیونیسم میان پرولتاریا و بورژوازی میباشد، ما هیت این "رفرمیسم" را که معتقد است ابتدا بین المللی دارد چنین ارزیابی میکند: "... آنچه که در سائیر رونیسی جنبش کارگری جهانی به روشنی قابل دیدن است - هر چند که اینجا و آنجا پوشش های متفاوتی بخود میگیرد و خود را به اینگونه می نماید که آیا در جنگی امپریالیستی یا ارتجاعی باید از بورژوازی "خودی" حمایت کرد یا نه، و یا به صورت قبول و یا رد ضرورت قهر در تحولات اجتماعی و یا در شکلی دیگر در انگار یا پذیرفتن اعمال دیکتاتوری از جانب پرولتاریا از کسب قدرت و آخر سردر دیا قبول "راه رشد غیر سرما یه داری" همه و همه با زتاب حدائی پیشینه دارا ز برخورد دودیدگاه است که یکی بر خاسته از خواستگاه هی خورده بورژواژی با استقرار بر "اشرافیت کارگری" عافیت طلب است و در طرح هر مقوله اجتماعی و حتی اخلاقی به معنای "نخبگان" خود بهر شرط و قیمت می اندیشد... (تا کیدا زمان است) به عبارت دیگر تهنه رفرمیسم حزب توده و اکثریت، بلکه احیانا وجود برخی از این گونه گرایشات در حزب حاکم شوروی که گویا بقول اقلیت دارد تحت "منطق عینی و قیام" به اصطلاح تصحیح میگردد (مراجعه شود به سرمقاله کار ۹۹)، ما هیتی خرده بورژواژی و نه بورژواژی دارد، و در نتیجه از لحاظ ایدئولوژیک نه یک جریان بورژواژی بلکه لستقاطی خرده بورژواژی است که میتواند "تحت منطق عینی و قیام" تصحیح شود!! ولابد این همان راهی است که "خرده بورژواهای اکثریتی" وتوده ای نیز از مواهب آن برخوردار خواهند شد! از آنچه که گذشت به روشنی میتوان فهمید که سائیرست های اقلیت از ارتداد ایدئولوژیک اکثریت، از تجدید نظر آن در اصول ایدئولوژیک مارکسیسم لنینیسم یعنی قبول رویزیونیسم از گردیدن آن به جبهه متحد بورژوازی امپریالیستی جهانی، درکی کاملا محدود و خورده - بورژواژی داشته و آنرا تا حدیک انحراف سیاسی تا حدیک گرایش رفرمیستی در برخورد به قدرت سیاسی حاکم پائین می آورند، و تماما دخی نیست که علی رغم تمام آن انتسابات احساساتی و برهیجان که نصیب رویزیونیستهای توده ای و اکثریتی میکنند، به هیچ عنوان قادر نیستند که خود را در مقابل ایدئولوژی بورژواژیستی رویزیونیستی وا کسیند کنند و در مقابل تمام استحاله تاریخی جناح اکثریت سازمان خود از سائیرسم به رویزیونیسم، از جزیی به کار ۵۹، با زهمنا بینا ثی تاریخی خود را نشان داده و در صورت عدم مرزبندی قاطع با رویزیونیسم، خطر جدید از موضع سائیرست در مقابل بورژوازی تمام موضع طرفداران در مقابل آن، برای آنها نیز وجود خواهد داشت، البته نباید فراموش کرد که بقول هگل وقایع تاریخی دوبار تکرار میشوند یکبار در قالب تراژدی و بار دیگر در قالب کمدی مسخره.

در حاشیه محاکمه امیر انتظام خائن

وا میرا منتظما ما نه با سرکاء ورقبا ی خـــود۔
بهستی ها و دیگر حزبی های مرتجع - بلکه با
خنمو انتقام طبعانی توده های زحمتکش روبرو
خواهند بود .

هما نظور کدا شارسد ، خودا میرا منتظما اعتراف
میکند که در ما موریت ها بش بمعنوان شخص عمل
نمیکرد و اتفاقا ما هم از آغا زما مدارای رژیم
جمهوری اسلامی همین حرف را زده ایم که اگر
امیرا منتظما ما ، مدنی ها ، فربدها ، مراغهای ها
و با آنهمه سابقه و فعلیت خدا نقلابی به
مقامهای مهم دولتی میروند ، دقیقاً بخاطر
ما هبت ارتجاعی کل رژیم و حاکمیت آیت الله
حمینی است که چنین عنایا مرتجعین بر سر نوشت
مردم حاکم میگردند . وقت و فتنه امور جمهوری
اسلامی بمساعده ارگان سازش امیرا لیسم و
سورزوازی و بدنبالی خرده سورزوازی مرفه

با یدهم دست مرتجعین و
جا سوسان امیرا لیسم صورت
گردد ، سازگان ها و بزیدی ها
که در آنکار به ملاقات سرینسکی
میروند و مذاکرات سری با
هوبزورقه باغی را افتخار و
خدمت میباشند طبیعتی است
که در آنها از طریق مهره های
مزدوری چون امیرا منتظما
و مسناچی ها (که این یکی با
مدخله بنی صدر خائن از
زندان آزاد شد) به بندوبست
های پنهانی با امیرا لیسم
آمریکا بپردازند .



میس امیرا منتظما در زندان اوین به سرانگه گوناگون خبرنگاران پاسخ میگوید.
اطلاعات ۶۰/۱/۱۶

اما راه فرار و با دلائل سیرشرا خودا میر -
انتظما به حاکم شرع نشان میدهد ، او در سخنان
میگوید : "تا نت میکنم که ترجمه اسناد انگلیسی
به فارسی درست انجام نشده و به تاخیر هیج مقامی
نرسیده است ." (هما نجا)

مدت زیادی نیست که جا سوسان انگلیسی
پس از چندین ماه هیاهوی تبلیغاتی به بهانه
ساختگی و جعلی بودن اسناد دوما درک همرا به
عذرخواهی آزاد شدند . و اگر مدارک آنها تقلبی
بودند ، چرا امیرا منتظما به نادرستی ترجمه ها که
"مدارک جرم" میباشند ، اعتراض نکند ، او تازه
ادعا هم دارد که اصل مدارک را ندیده ، و لیس
فهمیده که ترجمه ها درست انجام نشده است ! این
امر را یابدلیل "دوستی" بسیار نزدیک او با
آمریکا شپا بوده که گزارشات خودشان را قبل
از تسلیم به مقامات آمریکا شپا از نظر خودا پس
مزدور نیرمی گذراندند .

اما ، نکته جالب شرا زهمه در اسناست که
امیرا منتظما ، آخسر طلبکار هم شده است ، آب که
سربالا رود و فوراً غه ها بسوعطا میخوانند !! وی
ضمن مساجبه ای با خبرنگاران در بیجا رستان
زند اوین - خوب توجه کنید که زندانیان
انقلابی از کوچکترین امکانات بهداشتی بی -
بهره اند و از بی غذائی و بی دارویی رنج می ببرند
بقیه در صفحه ۲۲

آمریکا قرار گرفته ام ، مشابه این قدردانی از
طرف اکثر سفارتخانه ها در مورد من به عمل آمده
است ." (انقلاب اسلامی ۱۶ فروردین ۶۰) امیر -
انتظما خائن ، نه تنها این مطلب را که مورد تفقد
امیرا لیستهای آمریکا شپا قرار گرفته ، انکار
نمیکند ، بلکه بر آن افتخار کرده و مسکوبه علاوه -
بر آمریکا شپا ، سفارتخانه های دیگر نیز او را
مورد لطف قرار داده اند . البته او در اسنا
ارتباطات و "خدمات شایسته" آنها نبوده است .
این لیبرال خائن اضافه میکند :

"تا بت میکنم که تمام مذاکرات و مکاتبات
به عنوان یک مقام مسئول دولت و با اجازه دولت
اما ما انجام گرفته است ." (هما نجا) - برای
کمونیست ها از آغا زحاکمیت ارتجاعی جمهوری
اسلامی شکی نبود که خیانت های امیرا منتظما ،
مقدم مراغهای ها ، بهستی ها و نه از سرشت
بلید فردی آمان ، بلکه از منافع طبقاتی -
بورژوازی آنها سرچشمه گرفته و در این امر نه
فقط خود آنها ، بلکه کل طبقه بورژوازی ارتجاعی
و جناحهای مختلف آن سهیم هستند . کمونیستها
از همان زمان دستگیری امیرا منتظما این مسئله
را که با زرگان و با زرگانها نمیتوانند "با کتر
از امیرا منتظما مویزدی" پیدا بکنند و همگی از یک
قماشند و اینکه لیبرالها میباشند جناحی از
ارتجاع حاکم در مقام بل خلقهای ایران قرار
گرفته اند را افشا کردند . آری همانطور که
با زرگان در "دادگاه" امیرا منتظما اعتراف کرد
وی در کلیه اعمال و کردار امیرا منتظما خائن
سهیم و شریک و بلکه مسئول بوده است و در ضمن وی
گفته است که جای امیرا منتظما پیدا و محاکمه
شود ، با زرگان و همسالکی های مدت زیادی
نمیتوانند با فریب و ریاکاری خود را از پیش ببرند .
قطعا آن روز که توده های انقلابی خلق به حساب
با زرگانها و امثال او در دادگاههای انقلابی
رسیدی نمایند ، خواهد رسید و در آنجا با زرگانها

در اسفندماه ۵۹ ، همزمان با شدیدتضامها ی
درون ارتجاع و خادیر شدن جنگ قدرت میان دو
جناح خیانت پیشه لیبرالها و حزب جمهوری
اسلامی و بسوزده تعرض گسترده لیبرالهای خائن
"حزبی" های مرتجع نیز موقعیت را برای بهره -
برداری سیاسی از ماجرای "امیرا منتظما" و
ارتباط تنگ او با امیرا لیسم آمریکا
مغتنم نموده و همرا به سرومدای تبلیغاتی ، وی
را به "محاکمه" کشیدند . جناح حزب قمدداشت به
انکار روابط امیرا منتظما و آمریکا شپا - که
با زرگان ، "نهضت آزادی" و "دولت موقت" نیز در
آن سهیم بودند - دست به تعرض متقابل زده و از
آنها بعنوان حربه ای علیه لیبرالها استفاده
نمایند ، اما و خیم تر شدن بحران بین دو جناح و
داخلت آیت الله خمینی و فرونشست موقتی
اختلافات فیما بین ، در جریان "محاکمه" نیسر
تا شیرگذاشت ، البته فضای ملاقاتهای بهستی
با ژنرال هوبزوربری از گروهگانه سس از
دستگیری امیرا منتظما و اعلام این موضوع از طرف
با زرگان در هفته های اخیر نیز طبیعتاً در جریان
"دادگاه" و جنبه تشریفاتی داشتن آن بی اسر
نبود چرا که مرتجعین هوای همدیگر را دارند و
درواقع عملکردشان با هم گره خورده است . مروری
بر جریان باصطلاح "دادگاه" و لحن نرم حاکم سرع و داد
ستان و دیگر گردانندگان "محاکمه" خودنسان
میدهد که جنبه تشریفاتی امر ، بر جنبه های
دیگر می جرسد . زمانیکه جا سوسان اصلی
(گروگانهای آمریکا شپا) پس از برخورداری از
"همان نوازی" رژیم جمهوری اسلامی و استراحت
در جاهای چون کاخ و هتل های لوکس (سنا به
گفته نبوی سخنگوی دولت "مکتبی") و بخش حند
میلیا رد دلاری از کسبه توده های زحمتکش ، با
عزت و احترام و البته همرا به شاعر "مرگ بر
آمریکا" : "روانه کشورشان میشوند ، با امیر -
انتظما هم که تا زها گرد آنها ست نیاید زیاد
سختگیری کرد ! و در نتیجه جلسات "دادگاه" حالت
مجلس مهمانی را پیدا میکند ، یک روز با زرگان
بدفاع از همپالگی خویش میبپردازد و روز دیگر
سحابی و صدر حاج سیدجواد برای خوش و بش در
"محضر دادگاه انقلاب" حضور پیدا میکنند . بیاد
بیاورید محاکمات و اعاده های کمونیستها را که
نه تنها آزادی دفاع خیری نیست بلکه در بیشتر
آنها از دستگیری ، تا تیرباران بیش از دوسه روز
طول نکشیده و رفتار درشت درهای بسته محکوم به
مرگ شده اند (نظیر تیرباران رفقا شرفی و
نیک اندام که فقط به جرم تبلیغ علیه جنگ و
داشتن عقاید کمونیستی دستگیر شده بودند) شکی
نیست که جا سوسان - آنها زوع آمریکاشپا -
از منزلت خاصی در پیش ارتجاع برخوردارند ،
علاوه بر جگونگی جریان "دادگاه" ، "مداخلات"
امیرا منتظما نیز حاوی نکات افشاگریست که
توطئه لیبرالهای خائن و زدوبندهای آنها را
با امیرا لیستها بر علیه خلقهای ایران بر ملا
میسازد ، امیرا منتظما میگوید : "در کيفر خواست
من منتهم شده ام که مورد قدردانی مسئولین

از جیب آوارگان جنگ به جیب گشاد بنیاد مستضعفین

جنگ زدگان آبادانی که تصدخارج نمودن اسباب ولولوزم زندگی خود را از آبادان دارند، باید مبلغ ۲۰۰۰ تومان به حساب "بنیاد مستضعفین" واریز نمایند تا جهت حمل و سالیان تا محل سوار شدن به لنج، ماشین در اختیارشان بگذارند، در غیر این صورت از تلبه منازلسان جلوگیری میشود!

رژیم که می بیند توده ها از شرکت در جنگی که بخاطر منافع سرمایه داران برپا شده است، سر باز میزنند و دیگر حنای عوام مغریبی های با صلاح میهن پرستانهاش رنگی ندارد، معنی میکند علاوه بر تحمیل مصائب جنگ ارتجاعی بر دوش زحمتکشان، با گرفتن باج سبیلها نسی مانده مورد بالا، بخشی از هزینه های سرمایه آور جنگ ارتجاعی را تا مین نماید.

افزایش محاصره زندانها به جای تامین امنیت جانی زندانیان

در پی شدت گرفتن حملات رژیم ارتجاعی عراق به شهرها و با احتمال اصابه راکت و موشک به زندانها و بازداشتگاهها، مسئولین زندانهای رژیم جمهوری اسلامی حفاظت از جمارها و دیوارها را از زندانها را چندین بار بر کرده اند، تا مبادا در اشراصا بت موشک و راکت به زندانها حاصرها فرو ریخته و زندانیان فرار کنند. رژیم ضد خلق بجای تغییر مکان زندانیان و فرستادن آنها به شهرهای دیگر، محافظت از دیوارهای زندانها را بیشتر میکند، و نشان میدهد که چگونه زحمتکشان و فرزندان آنان که در زندانها در بند هستند، برای هیچ ارزشی ندارند. اما رژیم جمهوری اسلامی با پدید آمدن عاقبت درهای زندانها بدست توانای توده های زحمتکش بر روی فرزندان نشان با زخا و هشد و زندانی سیاسی انقلابی بدست توانای توده ها آزاد خواهد گشت.

آوارگان در محاصره سیل

در تاریخ ۶۰/۱/۱۷، در اشرا و رانندگی شدید در هفت تبه، جادرهای آوارگان جنگ ارتجاعی را آب فرا میگردد و سائل ناچیز داخل چادرها طعمه سیل میشوند. رژیم ضد خلقی که با تبلیغات عوام فریبانه دم زکم به آوارگان میزند، در جریان این سیل مانده همیشه غایب بوده و از

اخبار جنگ

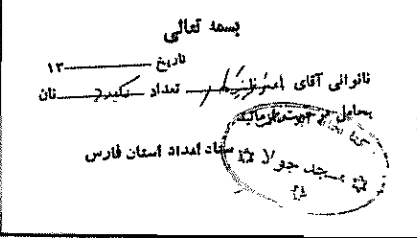
"گروههای امداد" هیچ خبری نبود، یکی از آوارگان میگفت: "آنها چه موقع به مردم کمک کرده اند که الان بکنند، آنها فقط بلدند کسانی را که مردم را آگاه میکنند، از بین ببرند." و زحمتکش دیگری میگفت: "این رژیم بر علیه زحمتکشان همان کارهایی را میکنند که رژیم شاه میکرد و با بد حساب او را نیز مثل رژیم شاه رسید زحمتکشان آگاه مبارزه بر علیه جنگ ارتجاعی را با هر می برای گسترش انقلاب تبدیل خواهند کرد!"

رژیم ضد خلقی و مشکل گرما در مناطق اسکان آوارگان جنگی

ماه شهر با شروع فصل گرما، آوارگان مستعد سردی مناطق جنوب (ماه شهر، شادگان و...) با مشکل جدیدی روبرو شده اند و آن وزش بادهای گرم و صحرائی است. به همین علت آوارگان ساکن جادرها و کتی که در محل تربیت بدنی ماه شهر برپا شده اند بیعت نبود و سائل رفاهی و خنک کننده در جادرها، تا چاره ترک آنها گشته اند. از طرف دیگر مسئولین رژیم از این فرصت استفاده کرده و به آوارگان پیشنهاد رفتن به اردوگاه جیرفت را می نمایند، اما آوارگان زحمتکش که در طی هفت ماهه با هیبت فریبکارانه سیاستهای رژیم بی برده اند از رفتن به جیرفت سر باز زده و به مناطق غیر بیشتنها دی رژیم میروند. با حمایت از مبارزات و خواستهای برجسته آوارگان، سیاستهای ارتجاعی رژیم ضد خلقی را افشا نمائیم!

از خیرات جنگ

هیا هودر مورد آوارگان جنگ فراوان است. ولی واقعیات افشاگرما هیبت و سیاستهای ارتجاعی رژیم است. یک عدد نشان، جیره جنگ زدگان آواره میباش که با دید برای گرفتن آن با هزار منت و معطلی "کارنت" مخصوص گرفت، تجار بزرگ و زمینداران و سرمایه داران خوشخوار با محروم نمودن زحمتکشان به زندگی تنگین خود ادامه میدهند و رژیم جمهوری اسلامی حامی آنها و دشمن زحمتکشان است. عوام فریبیهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بر ملا سازیم!



اتحاد، رمز پیروزی آوارگان

بوشهر: بدنیال نظا هرات و اعتراف جنگ زدگان آواره در بوشهر ۵۹/۱۲/۶ که در آن شعارهای "شورا حق مسلم ما ست"، "بهداشت، ممکن حق مسلم ما ست"، "حقوق جنگزده تا مین باید گردد"، "ا زحمتی و گرانی و بیکاری مردم به تنگ آمدند" از طرف آوارگان مطرح شد و دستگیری نمایندگان آنان، بخاطر اینکار رهبری صحیح نداشتند و کاملاً متحد و یکپارچه نبودند. با عت شد که حمله پاداران سرمایه آنها را پراکنده سازد و آوارگان نیز که فقر و فلاکت بیش از حد آزارشان میداد مجبور به دریافت ۱۰۰ تومان شدند. مسئولین دولتی با بیشرمی فراوان هر روز "روزگار روزگوشی" را روی آنها سنگینتر کرده و سعی در ایجاد تفرقه بین آنها میکنند چه میداند که اتحاد است که باعث میشود آوارگان زحمتکش در مقابل دشمن طبقا تیشان ایستادگی کنند.

در روز ۱۱/۱۲/۶ عده زیادی برای گرفتن پول و شماره در بسیج "مستضعفین" تجمع کرده بودند که بخاطر کثرت مردم شخص مسئول شمار دادن با برخاش به آنها وهل دادند تا تمامی شمارها را پاره کردند که مردم نسبت به این عمل اوشدیدا اعتراض کردند. زنی ۵۴ ساله میگفت: "اینها میخواهند مردم گلاسه بگذارند، به ما میگویند ۱۰۰ تومان میدهند و در عوض خوابا رومیوه و گوشت سحانی بشما میدهند، گوشت و میوه ای وجود ندارد شما جطور میخواهید بطور مجانی در اختیار جنگزده ها قرار بدهید، اینها هر روز مردم را از صبح زود تا ساعت ۴ توی این صفها سرگرم میکنند و به این طریق انزجار خود را از آنها شدیداً برآزمیندند."

زحمتکشان آواره ناراضا بتیها و خشم خود را با اتحاد و همبستگی شان بفریادی بر علیه دشمن طبقا تی خود یعنی سرمایه داران تبدیل نمائید زیرا هر چه شما بیشتر متفرق باشید از الوفتان بیشتر خون شما را می مکند. همچنان که تا کنون اینکار را کرده اند.

(اخبار آواره نشریه هوا داران سازمان بوشهر)

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

در زندانهای جمهوری اسلامی: شکنجه و ترور کمونیستها و انقلابیون اسیر

- کمونیست ها و دیگر انقلابیون در بند ، با وجود شکنجه و آزار مزدوران و شرایط طاقت فرسای زندانها ، یکدم دست از مبارزه برنداشته اند .
- زندان سنگرد یگیری از مبارزه است ، نه شکنجه های دائمی و نه یورشهای مداوم پاسداران سرمایه به زندانیان سیاسی انقلابی ، نه تنهاداراده مبارزاتی فرزندان انقلابی خلق تزلزلی پدید نیارود ، بلکه کینه طبقاتی آنان را نسبت به دشمنان توده های زحمتکش ، عمیق تر می نماید .
- پشتیبانی و دفاع بیدریغ از انقلابیون کمونیست و مکررات که مدتهای طولانی در خانه های "امن" زندانهای جمهوری اسلامی بسربرده و آزر نوشتن شان اطلاع در دست نیست ، وظیفه مبرم هر انقلابی است .

و با یورش با گلوله یا سدا را ن شهید شدند .
انقلابیون بلافاصله پس از دستگیری زیر شکنجه های وحشیانه زندانها ن جمهوری اسلامی قرار میگیرند ، هفته ها و ماهها از ملاقات پیدا میکنند ، مجبور میشوند مدتها در سلولهای تاریک و نمناک بسربرند ، از غذا و بهداشت حداقل محروم میمانند ، مورد فشار روحی و روانی قرار میگیرند با حنا بتکاران و مزدوران ساواک همبند میشوند مورد قیاحت ترس و تهمت و فحاشیها قرار میگیرند ، مدتها در سلولهای انفرادی و بی خبر از همه چیز در شرایط طاقت فرسا بسربرند ، نسبتها موات واهی و بدون رسیدگی به وضعیتشان مدتهای طولانی بلا تکلیف در زندان میمانند ، هنگام خواب مورد یورش ناگهانی اوپاشان قرار میگیرند ، دختران کمونیست و انقلابی مورد تجاوز و وحشیانه مرتجعین بست قرار میگیرند (واخبر نوظنه ای در جریان است که تحت نام "سینه اسلامی" تجاوز به انقلابیون دختر را ظاهراً "سرعی" بدهند) ...

شکنجه و اعدای دختران قهرمان کردو

تجاوز و وحشیانه پاسداران و ارتشیان در زندانها ، چهره سنگین جمهوری اسلامی را سیاه - تر میکند ، قضاوت پاسداران در مقابل دختران کرد ، روی جنابتکاران تاریخ را سفید کرده است (مراجعه کنید به پیکار ۵۰-۱- صفحه خلقها) .

بدنبال هیاهوی تبلیغاتی و عوامفریبانه بنی صدر مورد شکنجه ، گروهی از مرتجعین "هیئت بررسی شایعه شکنجه" بر اها ندا خنند و چون چاقودبسته خود را نمیبورد ، آخر سر طلبکار هم



نشان بصورت روزمره حربان دارند ، زندانیان انقلابی مدتها بدون کوچکترین خبری از سرنوشت آنان در زندانها میمانند و با مخفیانه در زندان ترور شده و جسدشان در سبیا با آنها و ... انداخته میشوند .

سبیا دنیا و ریم که مقامی سبکا رگرمسعود صالحی را و توسط نحمالدینی رادر حین پخش اعلامیه در تبریز دستگیر کرده و پس از ترور فحیح جنازه - هایشان را در جاده اهر انداختند ، با ترور جنابتکاران رانرفقا توماج و بارانس را که در کنبید دستگروپس از شکنجه های وحشیانه جنازه - شان در جاده بجنورد انداخته شدند و اخیراً نیز ترور رفیق فدائی جهانگیر قلعه میان دو آب که در ممتبتگ ۱۷ بهمن ۵۹ دستگیر و چند روز بعد جسدش پیدا شد ، از این نمونه ها کم نیستند ، همین هفته های گذشته در حربان حمله به نیروهای انقلابی در قزوین ، رامسر ، کتالم و ... چندین نفر از رهزها داران مجاهدین در حین دستگیری

توده های انقلابی ما خوب ساد میآ و روند روزهای پر شور قبا مبهمن ۵۷ را که زندانهای محمدرضا شاه یکی پس از دیگری به تسخیر فرزندان زحمتکشان در عت مدند و بیعت انقلابی آنان در های زندانها و سبها حالها گشوده میشدند ، و نیز توده های قهرمان بیاد میآ و روند که بقدرت خردگان غذا انقلابی ، توده ها را بیابانه و فریب (از جمله "مین گذاری" شدن زندانها و ...) از محوطه زندانها بیرون میکردند و مانع از ویرانی سبها لیا و شکنجه گاهها بدست برتوان توده ها میشدند ، ارتجاع بخوبی میدانست که زمان زیادی نخواهد گذشت که توده های انقلابی در مقابل حاکمیت جدید قرار گیرند و با آگاهی از ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی مبارزه با آنان برخیزند و به همین دلیل میدانست که بسیار زود تر از آنچه مردم قهرمان ما گمان میکردند ، به زندانهای محمدرضا شاه نیا زمندخواهند شد و واقعیت ۲ ساله نیز بر آن صحت گذشت ، رژیم جمهوری اسلامی بموازات او گیری جنبش توده ها و تشدید فعالیت آگاهی بخش کمونیستها و انقلابیون دیگر و با خیال خام سد کردن انقلاب سرکوب و وحشانه اش را گسترده تر ساخت ، تیسر - بارانیا و کشتارها آغاز شد و زندانها یکی پس از دیگری از کمونیستها و فرزندان انقلابی خلقهای ایران پر شدند . هم اکنون هزاران کمونیست و دمکرات انقلابی در زندانها و "خانه های امن" اسیر مزدوران سرمایه و پاسداران ارتجاع هستند ، موسوی اردبیلی چهارشنبه ۱۹/۱/۶۰ در تلویزیون اعلام کرد که ۲۰ هزار زندانی و ۱۵۵ زندان وجود دارد ، آیا این حقیقت ندارد که بخش مهمی از آنان کمونیستها و انقلابیون هستند ؟ آری ربودن انقلابیون ، دستگیریهای آشکار و

زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده ها آزاد باید گردد

اعتصاب غذای زنان کمونیست در زندان اوین

کارگران، زحمتکشان، پدران و مادران مبارز ۱

امروز ۲۲ فروردین، دوازده روز از اعتصاب دختران کمونیست که در جنگال رژیم جمهوری اسلامی گرفتار و در سندان و سولولهای انفرادی اسیرند، میگذرد.

این اعتصاب غذا فریاد مقاومت فرزندان دلیر زحمتکشان و غرور شیرزنانی است که بیخاطر دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و "بجرم" آگاه کردن توده‌ها در ساهای رژیم جمهوری اسلامی به اسارت افتاده اند و علی‌رغم انواع شکنجه‌ها و بدرفتاری‌ها و تنبیه‌ها، در زندان نیز سرجمقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم و سرما به داری را برافراشته نگاه داشته‌اند.

دختران و زنان انقلابی و کمونیست که هم‌سایر چشمگیری در مبارزه علیه رژیم شاه‌خا شن داشتند، همچنان در راه مبارزه با سرنگان انقلاب تا تمام ایران، با گام‌های استوار به پیش می‌روند. زنان و دختران کمونیست که در بنده عمومی زندان اوین و بندهای انفرادی اسیر شده‌اند از اعتصاب غذای خود را چنین اعلام کرده‌اند:

- ۱- خدا کردن بند زندان‌یان سیاسی انقلابی از سواکیبا و از زنان بدکاره
- ۲- رسیدگی هر چه زودتر به کار زندان‌یان و رهایی از سلا تکلیفی
- ۳- آزادی بودن و رودکتا و روزنامه
- ۴- آزادی دا هفتن رادیو
- ۵- بهبود وضع غذایی و بهداشتی زندان هم‌اکنون حال ۳ نفر از این فرزندان قهرمان خلق و خیم است وزیر "سرمد" قرار دارند. ما از همه نیروهای کمونیست و انقلابی و عموم هموطنان مبارز می‌خواهیم که فریب‌ناپذیر اعتراض خود را علیه رژیم که "زندان اوین" را از سواک شاه‌بارت برده و بیخاطر خدمت به سرما به داران و سایر مرتجعین، مبارزین دلیر خلق را به بند کشیده است، ببلندکنند.

به حمایت از فرزندان اسیر خلق بر خیزیم! افتخار بر پایداری و مقاومت زنان کمونیست و انقلابی در زندان‌های جمهوری اسلامی! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۲۲ ★ ★ ★

انقلابی و واقعیت اسفناک درون زندان‌ها را بمان توده‌های زحمتکش بپریم و با تمام توان به دفاع از زندان‌یان کمونیست و انقلابی برخیزیم. افتخار بر پایداری زندان‌یان انقلابی که بر جم مبارزه را در زندان‌ها برافراشته نگاه داشته‌اند! زندانی بی‌سای انقلابی، بهیست توده‌ها از پایداری.

از چیره‌غذائی خوب بهره‌مند شوند و سست‌ترین پرور سا رسا بینند. نکته مهم هم‌اینجا است که رژیم جمهوری اسلامی به تسعیت از ما هیت ارتجاعی خود، مردوران ساواک و مرتجعینی خون‌نیخ - الاسلام‌زاده‌ها را از سواکس و غذا و بهداشت خوب و کافیه برخوردار می‌سازد و در مقابل کمونیست‌ها و انقلابیون در سندان زبرفتارهای جسی و روانی قرار داده و در بدترین شرایط و همراه با شکنجه و آزار و... قرار میدهد. رئیس مرتجع زندان اوین از "امکانات" بیهوشی صحبت میکنند و آنرا "بیهوشی زبربون" میدانند اما در اینجا نیز او و عدا فراموش میکنند که مکوی فقط ساواکیبا و مزدوران رژیم‌ها - که البته روز-بروز از تعدادشان در زندان‌ها کاسته می‌شود - از این "امکانات" برخوردارند. زندان‌یان انقلابی نه تنها در بدترین شرایط بیهوشی بسر می‌برند، بلکه کم‌نست نمونه‌ها شیکه زندان‌یان کمونیست و انقلابی بی‌مرا بجای انتقال به بیمارستان بزییر شکنجه کشیده و سواکت گرفتارند (افواج زندان سیراز - بیکار ۱۰۰) و با زندانی مبارزی که در اثر اعتصاب غذا ضعیف شده است به قصد کشت زده‌اند.

البته علاوه بر مزدوران رژیم شاه که در زندان‌ها با اسبازان همکاری میکنند، رویزیونیست‌های خا شن اکثریت نیز به بیروی از مسی خا شنانه - سان که اولین بنده آن را سواکس با ارتجاع و خیانت به خلق تشکیل میدهد، در زندان نیز به جاسوسی برای اسبازان و توطئه علیه انقلاب مشغولند. در حاشیه‌ها جبهه کجوتی خا شن مواجبه - ای نیز "اکثریتی"های خا شن انجام شده است: "کریمی حصارکی نما بنده منفی زندان‌یان وابسته به فدائیان خلق (اکثریت) در پاسخ به این سوال که زندان‌یان وابسته به گروه‌های سیکار، مجاهدین خلق، کومله‌ها را می‌دارند که در زندان از لحاظ غذا و بهداشت به زندان‌یان رسیدگی نمی‌شود نظر شما چیست گفت: طرح این مسائل از دیدگاه‌ها بی‌تأثیر در مورد حاکمیت سر-جسمه می‌گردد". (جمهوری اسلامی ۶۰/۱/۱۶) چه خوب این اکثریتی خا شن خود را افسا میکند، او تلویحا می‌گوید که اگر جریانی در ورطه خیانت - آنچنان غرق شود که حاکمیت ارتجاعی را "فد-امپریالیستی" بنامد، نایدیده گرفتن و ضعیف اسفناک بیهوشی و غذائی زندان کار بسیار ساده‌ای خواهد بود. خا شنین به خلق در همه جا یا بر روز و ای و ارتجاع هستند.

اما این همه دنا نشویستی که از کینه طبقاتی ارتجاعی مزدوران رژیم با انقلاب و هرجریانی که در راه انقلاب و بیخاطر آزادی زحمتکشان تلاش کند، حاصل می‌شود بی‌ساخته نمی‌ماند. هم‌اکنون زندان‌یان کمونیست و انقلابی در بیشتر زندان‌ها برای اعتراض به وحشیگری جلادان جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زده‌اند. انقلابیون در بنده‌ها فریادهای انقلابی، خشم طبقه - سسی زحمتکشان را در پشت میله‌های زندان تجسم می‌بخشند، مبارزه و مقاومت حماسه‌آفرین زندان‌یان

رئادی از مبارزین زندانی محروح و زخمی شدند. زندان‌های سیراز، سدرعاس، فرسوسن ساری، آمل و... ساهد هجوم‌های وحشانه اوپاسان ارتجاع بودند. در اولین روزهای سال سودر سیراز و سندرعاس، زندان‌یان انقلابی با کوچکترین سبانه‌ای مورد حمله دسته‌جمعی مزدوران قرار گرفته و سه سلول‌های انفرادی فرستاده شدند.

علیرغم شرایط طاقت‌فرسای زندان‌ها - البته برای انقلابیون - زندان‌یان مرتجع تا تبلیغات عوامفریبا نه دم زسراط عالمی زندان‌ها می‌زنند و آنچنان توصیفی از زندان‌های جمهوری اسلامی میکنند که حتی انسان‌های آزاد نیز "هوس" زندانی شدن بر سرشان بزنند!! نمونه‌های از چنین تبلیغات عوامفریبا نه، مما جبهه‌ایست که "کجوتی" سرپرست مرتجع "زندان اوین" بعمل آورده است. (جمهوری اسلامی - ۱۶ فروردین ۶۰) وی که از نظر مقاومت و دشمنی با نیروهای انقلابی و کمونیست، هیچ کم‌وکسری ندارد، برای توحیه شکنجه انقلابیون و اعمال زشت و قرون وسطائی رایج در زندان‌ها، ابتدا بدترین تهمت‌ها را به کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی وارد کرده و در مورد شکنجه "اسبازان" توسط رفقای کومله و... در کردستان به داستان - سرائی‌های شرم‌آور می‌برد از دتا بنده‌های نا آگاه‌ها القا کند که چون کمونیست‌ها افراد ما را شکنجه میکنند، در مورد بدرفتاری با آنان نباید از رژیم گلّه داشت. ولی توده‌های آگاه میدانند که این دروغی است بسیار نه و وقیحانه. کجوتی مزدور سرس در مورد وضع "عالمی" بیهوشی و غذائی زندان موعظه میکند و از زبانی جیره‌غذائی - زندان‌یان صحبت میکند، او می‌گوید "... عده‌ای از زندان‌ها ما منوشته‌اند که در این شرایط جنگی این همه جیره‌غذائی برای ما اصراف است زیاد است و ما اینچنان پرور می‌شویم و از این طرف این آقا بیا می‌گویند ما غنا داده نمی‌شود!". ما نمی‌گوئیم که وی دروغ می‌گوید ولی او عدا صفت حقیقت را نمی‌گوید. در زندان‌ها و زجمله زندان اوین هستند کسانی چون شیخ الاسلام - زاده (وزیر بیهوشی هوی‌دای معدوم)، امیر - انتظام مزدور و مزدوران ساواک و مهره‌های رژیم شاه که نه تنها تحت فشار و آزار نیستند بلکه دست در دست با اسبازان ارتجاع به آزار و اذیت زندان‌یان انقلابی می‌برند و توطئه‌ها از تور - چشم‌های زندان بشمار می‌روند. اینان دسته - دسته از آدمی‌نود و آن‌ها که در اثر فشار توده‌ها هنوز در زندان مانده‌اند، بی‌ساخته‌شان به ارتجاع از تسهیلات و امکاناتی برخوردار هستند که "کجوتی" جلاد و نقش را کرده است. آری زندان‌یان ساواکی و مزدوران رژیم‌ها از سلاقت‌های طولانی برخوردارند، امکان می‌یابند از درون زندان حتی با آمریکا صحبت نمایند (مورد شیخ الاسلام زاده خا شن که سال گذشته افسا کردید) به مرحله هفتگی می‌روند و... و طبیعی است که



مزد در ایران

از زمان شکلگیری طبقه کارگر در ایران تا کنون، مبارزه برای افزایش دستمزد در کنار وجه مبارزات کارگران ایران در عرصه اقتصادی - سیاسی بشمار میرود. در شرایط کنونی که مسأله دستمزد و چگونگی وجود افزایش آن، یکبار دیگر مطرح و به مسأله روزگار کارگران تبدیل شده است، ما میکوشیم تا اشکال مختلف پرداخت مزد در ایران در رشته‌های مختلف تولید را مختصراً توضیح دهیم و سپس برخی از جوانب مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد، تا تیربخش بخش کردن مزد کارگران در این مبارزه و جریانی افتادن این مبارزه در اشکال دیگر را مورد بررسی قرار دهیم:

۱- اشکال مختلف پرداخت مزد در ایران:

قبل از توضیح این اشکال لازم است بخاطر داشته باشیم که دستمزد چیزی نیست مگر بهای نیروی کارگر. دستمزد در واقع عبارت است از بهای وسایل معیشتی که برای تجدید تولید نیروی کارگر در طی مدت کار روزانه از دست میدهد. و نیز برای بقای نسل وی و جایگزینی او بوسیله فرزندانش لازم است با این تذکره که حجم وسایل معیشت کارگران و نوع آن، مقدار و نوع غذایی که میخورند، خانه‌ای که در آن ساکن میشوند و... بر اساس سطح مبارزه کارگران تعیین میشوند.

در ابتدای شکلگیری طبقه کارگران، به دلیل عدم تشکل و پراکندگی آن و بدلیل سطح بسیار پایین آگاهی و شعور طبقاتی کارگران، شکل عمده پرداخت دستمزد در ایران، شکل کار مزدی یا پرداخت دستمزد بر اساس کثرت کار بوده است. با بالا رفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و شکلگیری صنایع مدرن و بزرگ، بوجود آمدن صنایع چاپ، رشد صنعت نفت و... که تعداد زیادی کارگر را در یکجا متمرکز می نمودند، شکل عمده پرداخت دستمزد نیز به پرداخت دستمزد ثابت روزانه تغییر کرد، در حالی که پرداخت دستمزد به شکل کار مزدی هنوز در بخشهایی از تولید کماکان ادامه داشت. هم اکنون ما در ایران سه شکل عمده پرداخت دستمزد را مشاهده میکنیم.

الف - پرداخت دستمزد در شکل "کار مزدی": در این شکل پرداخت مزد، دستمزد در مقابل انجام حجم معینی از کار - که بین کارفرما و

کارگر قرار داده میشود - پرداخت میگردد. هم اکنون این شکل پرداخت دستمزد در کارگاههای کوچک دوزندگی، درودگری، ریخته‌گری و... ممدتا در صنایع کوچک اجرا میشود. بطور مثال در

کارخانه دوزندگی و بافتندگی ناطمی به این شکل عمل میشود.

کارخانه ناطمی از قسمتهای برش و دوزندگی تشکیل میشود و هر یک از این قسمتها دارای چند استادکار بود. هر استادکار رتبه‌بندی یا کثرت مثلاً برش هر ۱۰۰۰ عدد پیراهن زیرسری و یا برش هر هزار عدد شورت سری از در مقابل میلی معین کار میکند. هر استادکار مقدار کاری را که کثرت کرده است بین کارگران زیر دست خود تقسیم کرده و انجام میدهد. همچنین در قسمت دوزندگی بابت دوختن هر یقه و یا هر پیراهن زیرسری ۱ ریال (کمتر یا بیشتر) پرداخت میشود.

این شکل از پرداخت دستمزد بدترین نوع پرداخت دستمزد برای کارگران است و معمولاً تنها بر زمین آگاهی و تشکل نازل کارگران صورت میگیرد و به نفع کارگران است.

ب - در این شکل پرداخت، کارگر خاص می‌کند که هر چه بیشتر کار کند بیشتر مزد میگیرد. در اغلب نادارماندگی و خستگی کامل کار میکند، غالباً از وقت غذا و یا استراحت میزند تا مقدار بیشتری از کار کثرت شده را انجام دهد. اما این کار وقت فراست تنها موجب تشدید استخفاف و میشود. چرا که در این شکل پرداخت دستمزد، کارگر را از طرف کارفرما، بر اساس مهارت متوسط کارگران، با آوری کار آنسان و... طوری تعیین میشود که دستمزد کارگر علیرغم تمام تلاش از دستمزد متوسط جامعه در واقع از بهای نیروی کار فراتر نمیروند.

ج - "کار مزدی" کارگران را در مقابل هم قرار میدهد، از آنجا که تشکل آن جلوگیری بعمل میآورد و به وجهت طبقاتی آن آسیب میرساند. این امر به دو صورت انجام میگردد: اول از طریق ایجاد رقابت در بین کارگران برای بالا بردن میزان تولید و بنا بر این دستمزد دوم از طریق رابطه‌ای که بین استادکاران و کارگران ساده ایجاد میکنند، چرا که در این شکل پرداخت مزد استادکاران معمولاً بدلیل منفی که از افزایش تولید دارند خود به کارفرمای کوچکتری تبدیل میشوند و بیشترین فشار را بر کارگران وارد میکنند.

بعلاوه کار مزدی "مناسبات سرمایه‌داری و رابطه کار مزدوری با سرمایه را دیگرگونه جلوه - گرمیسا زد و چنین وانمود میکند که وضعیت بسط طبقه کارگر، جبارا و به فروش نیروی کار و...

ناشی از تنبلی او، ما هر نبودنش و... است و بنا بر این از آگاهی کارگران به ما هیچ مناسبات سرمایه‌داری جلوگیری میکند.

۳ - کارفرما از پرداخت مزد تشکل کار مزدی بطریق گوناگون سود میبرد، شدت کار را افزایش میدهد و کمیت تولید را بالا میبرد و با ارسای محصول و نپرداختن مزد در مقابل محصولاتی که کیفیت خوبی ندارند، تولید را کنترل کرده و کیفیت محصول را بالا میبرد و بالاخره از نا منین بهداشت کار را، دادن غذا به کارگر، بیمه کردن او و... بدلیل کثرتی بودن کار شانه‌خالی میکند.

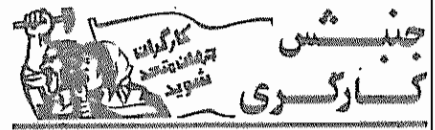
با بالا رفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر و بر اثر مبارزات آن و نیز با پیشرفت تکنیک و پیچیده تر شدن ابزار تولید و فرا هم شدن امکانات، بکار بردن اشکال دیگری از مدیریت سرمایه‌داری - نظیر تنجیره‌ای کردن تولید و... شکل "کار مزدی" پرداخت دستمزد بتدریج منسوخ شده و عمده بودن خود را از دست میدهد. ما بعضاً در برخی از رشته‌ها این شکل از پرداخت دستمزد جای خود را به تلفیقی از دو شکل پرداخت دستمزد ثابت روزانه و دستمزد بر اساس کار مزدی میدهد.

ب - پرداخت مزد ثابت روزانه با تعیین حداقل کاری که می‌بایست انجام گیرد:

در کارخانه‌هایی مانند صنایع نساجی و... شکل پرداخت دستمزد به این صورت است که هر کارگری در روز بظورتاً بت ساعت معینی - مثلاً ۸ ساعت - کار میکند و مقدار ثابت معینی دریافت میکند. ولی در ازای این مقدار معین مزد برای ساعت معین، می‌بایست مقدار معینی تولید کند. مثلاً با چند صد متر از فلان نوع پارچه بسازد، اگر کارگر کمتر از مقدار معین شده تولید کند جریمه میشود و در صورتی که تولیدش بیشتر از مقدار معین باشد در مقابل هر مقدار اضافه تولید، مبلغی بعنوان پاداش دریافت میکند.

این شکل پرداخت دستمزد نسبت به "کار مزدی" قدمتی به جلوتر است و تفرقه و رقابت بین کارگران را کمتر میکند. ولی در عین حال ساختار تکیه‌اساسی داشتن بر مهارت و تخصص فردی کارگران و جوانی و چالاکي و... آنان هنوز جنبه‌های اصلی تفرقه و رقابت را در خود دارد، بخصوص که کارفرما برای جلوگیری از افزایش دستمزد واقعی کارگران، به تناسیب افزایش مهارت کارگران و با تکیه بر تناسیب و ایجاد رقابت بین آنان، مقدار حداقل کار تعیین شده را افزایش میدهد.

این نوع پرداخت دستمزد هم اکنون بیشتر در کارخانه‌هایی که ابزار تولیدشان هنوز کاملاً مدرنیزه و پیچیده نشده است و کار جسمانی شدید در آن - نسبت به مهارت و تخصص - نقش برجسته - تری دارد و منجمله اکثر در صنایع نساجی و



با فندگی خود را نشان میدهد، کارگران این نوع کار خنات تا کنون مسازات بردا منه ای برای یا شین آوردن حداقل کار تعیین شده در روز داشته اند.

ج - دستمزدا ثابت روزانه:

هم اکنون عمده ترین شکل پرداخت دستمزد در ایران در صنایع نفت، ذوب فلز، ماشین سازی و... پرداخت دستمزد ثابت روزانه در ازای ساعات کار معین است. آخرین لایحه تصویبی وزارت کار، حداقل ساعات کار را ۴۴ ساعت کار در هفته تعیین میکند و آخرین رقم تعیین شده سوسیلر رژیم قدس کارگری جمهوری اسلامی بعنوان دستمزد روزانه ۶۳۵ ریال بعنوان حداقل دستمزد پایه یک کارگر ساده میباشد.

اما آیا اکنون وینا سر تعریفی که در ابتدای مقاله بر آن تاکید نمودیم، بهای نیروی کار کارگران بر بردستمزدا ثابت روزانه آنها نیست؟ پاسخ به این سوال منفی است و این راهی کارگری بر احتی درک و نا شید میکند، چرا که او مشا هده میکند دستمزدا ثابت روزانه او بهیوجه کفاف هزینه سنگین زندگی و تامین معاش خود، خانواده و فرزندان را نمیکند.

در این صورت معین در صورتی که دستمزد واقعی کارگران تنها به دستمزدا ثابت روزانه آنان منحصر نمیشود، پس این دستمزد چگونه محاسبه میشود؟

۲- بخش بخش کردن دستمزد

واقعی کارگران بوسیله سرمایه داران:

سرمایه داران بهای نیروی کار کارگران یعنی دستمزد آنان را یکجا و بصورت یکجا رجه بدانان پرداخت نمیکند بلکه آن را به بخشهای مختلفی تقسیم کرده و تحت عناوین مختلف نظیر دستمزد رسمی روزانه، سود ویژه، حق مسکن، حق ایاب و ذهاب و... آنرا به کارگران پرداخت میکنند. این کار همچنان که توضیح خواهیم داد دفایده های گوناگونی برای سرمایه داران در بردارد ولی قبل از آن اجازه بدهید تا حکومتی محاسبه دستمزد رسمی و ثابت کارگران را مورد بررسی قرار دهیم:

الف - حکومتی محاسبه دستمزد رسمی کارگران: دستمزد رسمی یا پایه، آن بخش از دستمزد واقعی کارگران است که بطور ثابت پرداخت میشود و مسنای محاسبه حقوق دوران بازنشستگی دستمزد اضا فیه کاری و... میباشد. بدیهی است که تمام این دستمزد نیز به کارگران پرداخت نمیشود و تحت عناوین مختلف نظیر حق بیمه، مالیات و... میلی از آن کسر میشود. این

بخش از دستمزد ظاهرا با توجه به مخارج روزانه یک کارگر و خانواده اش و نیز سایر در نظر گرفتن درجه مهارت، نوع کار، سابقه و... تعیین میگردد. قسمت اول یعنی مخارج روزانه یک کارگر با همسر و فرزند در پایین ترین سطح آن به عنوان حداقل مزد کارگران ساده بدون تخصص و سابقه در نظر گرفته میشود و عمومیت دارد و قسمت دوم که به درجه مهارت، سابقه کار، نوع شغل و... بستگی دارد در درجه رجویی تحت عنوان "طبقه بندی مشاغل" قرار میگیرد و بر مبنای آن محاسبه میشود.

ب - رژیم جمهوری اسلامی و هزینه یک خانواده کارگری:

رژیم جمهوری اسلامی که با دمیدن در هزاران بیق تبلیغاتی خود را حاسی "مستضعفین" و دوست "گودنشینان" و "گوخ نشینان" معرفی میکند مدعی است که میزان دستمزد کارگران را بر اساس مخارج زندگی یک خانواده کارگری چهار نفره تعیین میکند ولی آیا واقعیت نیز همین است؟

اولا در صورتیکه چنین ادعایی صحت داشته باشد، بهای تغییر سریع قیمتها که بطور سرسام آورده و حتی بطور هفتگی یا روزانه ترقی میکند، دستمزد کارگران نیز می با یست تغییر کرده و افزایش یابد، در حالی که سیاست رژیم جمهوری اسلامی جز این است، این رژیم دستمزد رسمی کارگران را سال بسال و به مقداری بسیار کمتر از درجه رشد هزینه زندگی افزایش میدهد. در حالی که در طول سال نیز به ناه گوناگون از دستمزد واقعی آنان میزدند.

ثانیا بر اساس محاسبات ما در کتاب "قانون کار انقلابی"، حداقل مخارج روزانه یک خانواده ۴ نفری کارگری، در سال ۵۸، بالغ بر ۸۳۲ ریال مسده است در حالی که رژیم جمهوری اسلامی در همان سال، حداقل دستمزد کارگران را به میزان ۵۶۵ ریال تعیین کرده بود. همچنین مطابق محاسبات ما در اوائل سال ۵۹ برای یک خانواده ۵ نفری بخاطر افزایش سر به قیمتها حداقل مزد کارگران می با یست ۱۷۰۸ ریال باشد. حال آنکه دولت جمهوری اسلامی حداقل دستمزد در این سال تنها به میزان ۶۳۵ ریال یعنی به میزان نزدیک به آنچه میباشد به کارگران پرداخت شود، تعیین نمود و اکنون که قیمتها به میزان فوق العاده زیادی افزایش یافته است، بیش از یکسال است که به دستمزد کارگران افزوده نشده و هنوز نیز خبری از افزایش دستمزد آنان نیست.

ج - "طرح طبقه بندی مشاغل":

این طرح در ایران، اولین بار در زمان حکومت شاه خا شن تهیه و به اجرا گذاشته شد. اجرای این طرح هم خواست کارگران و هم خواست سرمایه داران بود.

کارگران خواهان آن بودند که به هر چه و هر چه حاکم بر تعیین دستمزد پایه یا داده شود دستمزد بر اساس ضوابط معینی که در همه جا یکسان باشد

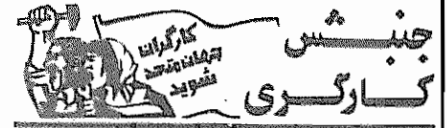
تعیین گردد تا از آوارگی و در بدری و خا نه - بدوشی آنان برای دریافت دستمزد بیشتر و تا مین زندگیشان کاسته شود، آنان خواستار آن بودند که عواملی همچون سختی کار، سابقه کار، مهارت و ورزیدگی در کار و... در تعیین دستمزدها موثر بوده و بردستمزدا ن افزوده گردد. سرمایه داران و بویژه دولت سرمایه داری نیز خواستار از بین رفتن هر چه و هر چه در تعیین دستمزدها و کاهش شدن نظام معینی بر چگونگی تا مین دستمزدها بودند، آنان ما یل نبودند - بدلیل این هر چه و هر چه و بدلیل رقابت سرمایه داران برای جذب نیروی کار - بویژه در دوران رونق اقتصادی - بردستمزدا کارگران افزوده شود.

بنا بر این بدلیل خواست و مبارزه کارگران و نیز بدان دلیل که مصالح اساسی سرمایه و روابط سرمایه داری اقتضا می نمود، رژیم شاه اقدام به تهیه و تصویب طرح طبقه بندی مشاغل نمود و طبیعتا این طرح را نه در جهت تا مین منافع کارگران، بلکه بر اساس منافع سرمایه داری و سرمایه داران تنظیم و اجرا نمود. اما از آنجا که اجرای این طرح، احیاناً مقداری بر دستمزد کارگران می افزود، حتی همین طرح ضد کارگری نیز در همه جا و بوسیله همه سرمایه داران به اجرا در نیامد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از روی کار آمدنش، در ابتدا کوشید تا بطور کلی طرح طبقه بندی مشاغل را حذف کند و خواستار لغو آن تحت عنوان "ظا غویی" بودن شد، اما مبارزه و مقاومت کارگران او را به عقب راند و او را ز نمود تا اجرای طرح را به رسمیت بشناسد. بنا بر این وزارت کار طی بخشنامه ای اعلام نمود که طرحی در مورد طبقه بندی مشاغل تهیه نموده است و قصد دارد آنرا ابتدا بطور آزمایشی در ۲۰ کارخانه به اجرا بگذارد. اما اینکه این طرح چگونه طراحی است و در کدام کارخانه ها به اجرا گذاشته شده است و نتایج این آزمایش چیست، از اسرار بود. و کسی - طبیعتا از کارگران و نه سرمایه داران و عا ملین سرمایه - از آن با خبر نیست.

ما در اینجا و برای شناخت اینکه سرمایه داران و دولت سرمایه داری چگونه از طرح طبقه بندی مشاغل در جهت منافع فردی و طبقاتی خود سود میبرند، برخی از مضامین ضد کارگری طرح طبقه بندی را که از زمان رژیم ضد کارگری شاه به اجرا گذاشته میشود، مختصرا مورد بررسی قرار داده و تشریح تفصیلی آن را به آینده موکول میکنیم:

- در طرح طبقه بندی مشاغل مذکور، به مشاغل مختلف امتیازات مختلفی تعلق میگیرد نحوه تعلق این امتیازات طوری تنظیم شده بوده که نیروی کار و کارگران به رشته های تولید و صنعت که دارای سودآوری بیشتر بوده اند، روی بیاورند و سرمایه داران بتوانند با استفاده از تورم کارگر در این رشته اصنا یع،



دستمزد آنان را در حداقل ممکن تثبیت کنند .
- در طرح مذکور به سرپرستها ، فرس ها ، سر
چوچه ها و لیبرها و سایر عوامل و آسادی سرمایه
امتیازات زیادی تعلق میگیرد و آنان برای
خدمت بیشتر به سرمایه داران و تحت فشار قرار
دادن کارگران بهره‌ها را متناهی دریافت
می کنند .

- در این طرح همچنین تحت عناوین
انضباط کاری ، اطاعت از سرپرست و ... امتیازاتی
دا ده می شد تا روحیه بردگی و تسلیم و روحیه جا کر -
منشی و مزدوری در بین کارگران آسان شده
شود .

- این طرح بگونه ای تنظیم شده بود که
کارگران ساده دارای درآمد بسیار نا زلی بوده
و اختلاف درآمد بین رده های مختلف کارگران
بسیار زیاد باشد و در نتیجه اختلاف و تفرقه در بین
طبقه کارگران زده شود .

- در این طرح به عواملی همچون سابقه کار ،
سختی و سنگینی کار و ... امتیازات بسیار کمی
تعلق گرفته و در مقابل ، در حالی که اکثریست
کارگران و زحمتکشان میهنمان از حداقل
امکانات برای تحصیل برخوردار نیستند ، به
مدارک تحصیلی بویژه بالاد ، امتیازات بسیار
زیادی تعلق میگیرد .

- در این طرح سابقه کاری کارگری که از یک
کارخانه به کارخانه دیگر میرفت بهیچوجه
محاسبه نمیشد و این سابقه کاری از بین میرفت
و بدین ترتیب کوشش می شد تا از نقل و انتقال
نیروی کار جلوگیری بعمل آید و کارگران را
وادارند تا بهر شرایطی برای حفظ سابقه کاری
خود تن در دهند .

۳ - بخش بخش کردن دستمزد

کارگران و تاثیر آن بر مبارزه طبقه کارگر:

ما گفتیم که سرمایه داران دستمزد واقعی
کارگران را به قسمتیای مختلف تقسیم کرده و
تحت عناوین مختلف ، آنان می پردازند .
اکنون لازم است که ببینیم سرمایه داران در این
کار چه منافعی دارند و آن چه اهدافی را
تعقیب میکنند و این کار چه تاثری بر مبارزه
طبقه کارگر بجای میگذارد :

الف - بخش بخش کردن دستمزد کارگران
ما هیت روابط سرمایه داری و رابطه بین کار
و سرمایه را در لافا فضا خیمتری میبشوند و بیش از
بیش دیگر گونه جلوه میدهد ، با پرداخت سود ویژه
چنین نمایانده می شود که کارگران در سود
سرمایه و سرمایه داران شریکند و برضا طبقه
بین آنان سربوش گذا رده میشود ، با داس چنین

می نمایانده که کارگران محصول کار خود را

دریافت میکنند ، حق مسکن و حق حوا رو را ...
بر ماهیت دستمزد و بر آنکه دستمزد بهای وسائل معیشت
کارگران است برده میافکند ، حایزه منانه عطف سرمایه
- دار جلوه گر می شود و نازک را بر فروش نیروی
کارگران را نانی از بی عرقی ، سبیلی و ... او

می نمایانده ... بدین ترتیب بدین است که
بخش بخش کردن دستمزد کارگران ، آگاهیه
کارگران بر ماهیت روابط سرمایه داری را مشکل
می کند ، در مبارزه و شکل کارگران و فقه ایجاد
مینماید و بسج نشانی آنان را برای انهدام
روابط سرمایه داری به تا خیر میاندازد .

ب - بخش بخش کردن دستمزد همچنین به
سرمایه داران امکان میدهد تا در موقع مقتضی
مواقعی که سودآوری سرمایه نزول میکند ،
مواقعی که مبارزه کارگران سرکوب مسود و
کارگران از آگاهی ، وحدت و شکل بالنده کاری
برخوردار نیستند ، مواقعی که سبک کاری افزایش
می یابد و رقابت بین کارگران اوج میگردد
و ... تحت عناوین و بهانه های گوناگون
بخشیای از دستمزد کارگران را بدزدند ، سود ویژه
را بنبردند ، با داس را بدهد ، حق نیا روحی اناب
و ذهاب را حذف کند ... و بدین ترتیب دستمزد
را به با شین ترا زار زنی واقعی نیروی کار براند
و سودآوری سرمایه را افزایش دهد .

ج - با لایحه و تا آنجا که به معالفا حاضر میو
می سود تا نیروی اسکه بخش بخش کردن دستمزد
کارگران بر مبارزه و وحدت طبقه ای آنان ماقی
مگذارند و در سراسری شدن مبارزاتی آنان و سر راه
وحدت و شکل سراسری و طبقه ای آنان مانع ایجاد میکند .
مبارزه برای افزایش بخشهای مختلف
دستمزد کارگران بر عکس مبارزه برای افزایش
دستمزد مناسب و رسمی ، دارای حطت سراسری
نیوده و عموما نمیتوانند حنه سراسری بوجود
گرفته و سراسری سود ، بدین ترتیب از آنجا
که مقدار روشه برداخت مزایا ، سود ویژه ،
با داس ، حق مسکن و ... در کارخانه های مختلف
و در مناطی گوناگون متفاوت است ، مبارزه
برای افزایش آنان نیز عموما دارای حطت

حرشی و منفر دیوده و در جا رجوب تک با خدا کسر
خدا کارخانه محدود می نماید ، در حالیکه مبارزه
برای افزایش دستمزد رسمی دارای طرفت
سراسری شدن بوده و سرعت میبشوند مبارزه ای
سراسری تبدیل شود . این موضوع همجنس برای
سویه های مختلف برداخت دستمزد ، بخش سوه
برداشت دستمزد با سروزا به نزمادی است و
شکل کارمندی برداخت دستمزد و تا حدود
بسیار کمتری شکل طبقه ای - به حوجه خصوصیت
آن را که مبارزه برای افزایش دستمزد
به مبارزه ای سراسری تبدیل میبشود ندارد .

بگاهی به اخراج مبارزات کارگران کشور -
هایی که دارای مبارزه سیرفته انحصادی -
سما سی و شکل های قدرتمند سدنگائی هستند ،
این واقعیت را اسباب میکند . در ایران نیز
در حالی که ما با رها ما همدما ررات سراسری
کارگران صنعت نفت ، نساجی و ... برای افزایش
دستمزد شده ایم ، در مورد مبارزه برای افزایش
بخشهای دیگر دستمزد حنی چیزی را مشاهده نکردیم
بدین ترتیب و بنا بر آنکه گفتیم مبارزه

برای یکساره کردن دستمزد کارگران و یکسان
کردن سوه برداخت آن می ناست همواره در آمد
نظروا از اهداف کارگران بسرو و کمونیستها
باشد . اما روشن است که تحقق چنین هدفی
مستلزم سطح معین و بالائی از آگاهی و تشکل
کارگران و سطح مبارزات آنان است ، بنابراین
کمونیستها و کارگران بسرو و موظفند در عین -
انتکه برای بالا بردن دستمزد واقعی کارگران
در مبارزه برای افزایش بخشهای مختلف دستمزد
شرکت میجویند ، برای سازماندهی مبارزه
کارگران سراسری و خواستهای کوشش میکنند ، برای
بالا بردن سطح آگاهی و تشکل کارگران در
حرفان این مبارزات میبشوند و از این مبارزات
سعیان عالمی برای بالاسردن توان فیزیکی
و معنوی ، عینی و ذهنی طبقه کارگر برای مبارزه
بر علیه نظام سرمایه داری بهره میجویند ، شعار
" یکداز چسدن دستمزد و یکسان شدن شیوه
برداشت " آن را سبب همواره در مدنظر داشته اند
و تسلیع و ترویج کنند .

چرخش رویز یونیستی مرتدان "اکثریت" درباره بنی صدر خائن

رویز یونیستهای خائن بر اجتناب از چهره عوض میکنند. آنان شارلاتانهای هستند که در تبعیت از بورژوازی تغیر سیاست میدهند. سیاستهای آنها را نه منافع آتی و آتی طبقه کارگر و استراتژی و تاکتیک انقلاب، بلکه سیاستهای روز قدرتمندان تعیین میکند. آنان چون چشم به "بالا" دوخته اند و منافع خيانت با رشتان با منافع بورژوازی درهم آمیخته. سیاست روز خود را با تغیرات - هر چند مختصر - در وضعیت قدرت سیاسی هماهنگ مینمایند. در طول حاکمیت دوما لروژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، رویزیونست های خائن جملگی از در دفاع از بورژوازی درآمد و به استانبول سیاستی حاکمیت ارتجاعی شتافتند. رویزیونیستهای خائن خروشقی پس از چرخش در قبال لیبرالها به مجیزگوئی جناح ارتجاعی حزب جمهوری پرداخته و آنها را تحت عنوان "قهرمانان مبارزه ضد امپریالیستی" ستایش کردند و رویزیونیستهای خائن سه جهاتی نیز در چهره بنی صدر خائن و همپالکی هایش به دروغ یک شخصیت ملی و "استقلال طلب" ترسیم کردند و به پاشیدن خاک بر چشم زحمتکشان مشغول شدند. اما با تشدید رقابت و تفا در درون جناح های مرتجع قدرت سیاسی و احتمال تغیر در موازنه قدرت، قبل از همه خائنین حزب توده که در خیانت از تجربه چند دهه له بر خوردار است و "بوی کباب" را خیلی سریع حس میکند، با حرکت از منافع اربابان سوسیال امپریالیستش جهت تعیین کننده سیاست روز را خیلی زود فهمیدند و بر اجتناب تمام آنچنان که شرایط روز ایجاب میکند با چرخش ضد انقلابی برای لیبرالها مجددا حساب ویژه ای باز کردند (پیکار ۱۰۰)

رویز یونیست های مرتدا اکثریت نیز که با "برادران" توده ای خود وحدت سیاسی - ایدئولوژیک دارند و در پی یک کار سه گردن تشکیلات ضد انقلابی خود میباشند، از آن زبیا دعوت نمائند. خائنین اکثریت که زمانی نه چندان دور می نوشتند:

"در این تحقیقات بکبار دیگر مشخص شد که آقای بنی صدر روابط پنهانی و نزدیک با عوامل مزدور غرب کشور دارند و آنان را به ادامه طرح های توطئه امیزان علیه انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران تشویق میکنند." (کار اکثریت شماره ۱۰۰ صفحه ۲۰ - مقاله "سران خان عشایر...") (و در واقع بنی صدر "متحد" و "مشوق" زمینداران و سرما به داران بزرگ می - نا میدومی گفت:

"... از همین روست که آقای رئیس جمهور

و متحدان او جملگی مورد حمایت تجار سررگ با زار، سرما به داران لیبرال، زمینداران بزرگ و بطور کلی بقایای رژیم گذشته هستند." و... این برخورد رئیس جمهور در سرا سرائران مورد حمایت سرما به داران، زمینداران بزرگ و تجار بزرگ قرار گرفت که این خود با بدبختی آن دسته از زحمتکشان ما که هنوز از مآهیت سیاست آقای رئیس جمهور مطلع نیستند، درسی آموزنده باشد." (کار اکثریت شماره ۱۰۱، مقاله آقای رئیس جمهور این یا زیبا...)

بدین ترتیب در مقاله فوق خائنین (اکثریت) با تبعیت از سیاست روز و تنها جم مقابله حزبی - های مرتجع به لیبرالهای خائن به زحمتکشان در مورد "ماهیت سیاست بنی صدر همدار میباشند و سپس باز می نویسند:

"... در این میان در کمال ناسف نه تنها آقای رئیس جمهور که پیش از انتخابات به مردم قول داده بودند در خلاف جهت دولت موقت با زرگان حرکت خواهد کرد، اینک در مسیر خلاف مصالح انقلاب و همراه با لیبرالها گام بر میدارد... بلکه... (کار اکثریت شماره ۱۰۲، پیام نوروزی...)" (تا کیدار ما است.)

و از اینگونه اظهار نظرها در نوشته های "اکثریتی" های خائن فراوان است. آنان در آزمان به مصلحت سیاست روز و منافع شخصی آن زمان که همداشی کامل با حزبی های مرتجع را می طلبید، اینچنین در مورد لیبرالها قضاوت میکردند، آنها اگر چه صریحاً بنی صدر را لیبرال نمی خواندند (تا راه فرار با زبانش) اما راه او را مخالف "مسیر انقلاب"، "همراه با لیبرالها"، "مورد حمایت سرما به داران و بقایای رژیم شاه" و... میخواندند. اما با تغیر موقتی در وضعیت سیاسی و فرو نشین موقتی تفا دهای درون هیئت حاکمه و بدنبال امتیازاتی که خمینی به بنی صدر داد، رویزیونیست های خائن "اکثریت" نیز شرایط را برای یک چرخش ضد انقلابی مناسب دیدند. این خائنین در مکتب بورژوازی و رویزیونیستهای خروشقی و بنا به مصلحت سیاستهای بورژوازی امپریالیستهای روسی آموخته اند که بر نام خود را از این عمل تا عمل دیگر با وضعیت موجود تطبیق دهند و با زیر پا گذاشتن منافع انقلاب و طبقه کارگر سیاستهای خود را با سیاست سرما به داران میزان نمایند. از همین روست که مرتدان "اکثریت" می نویسند:

"همچنانکه با رها تا کید کرده ایم، گرابیشی که بخوابد رئیس جمهور را با لیبرالها یکی کند و

او را از صف نیروهای استقلال و آزادی براندازد گرابیشی خطرناک و بزبان انقلاب است. هل دادن نیروهای ملی به خارج از جنبه نیروها - طرفدار انقلاب صرفاً در خدمت تضعیف جنبه نیروهای انقلاب و تقویت دشمنان انقلاب قرار می - گیرد و خواست امپریالیست است." (کار اکثریت شماره ۱۰۳، مقاله "بیانیه ی ۱۰ ماده ای...")

و اتفاقاً زحمتکشان بورژوازی و شیادانی که خاک به چشم طبقه کارگر می پاشند چه انتظاری دیگری میتوان داشت؟ خائنین اکثریت بر طبق رويه همیشگی رویزیونیست ها بسیار ساده حرف و سیاست خود را تغیر میدهند. تنها رویزیونیست های مرتدی چون اکثریت فداشیا نمیتوانند کپی را که در شماره ۱۰۰ روزنامه خود دارد از "روابط پنهانی و نزدیک با عوامل مزدور" و "علیه انقلاب" ارزیابی میکردند، به شماره بعد (سه هفته بعد) او را تطهیر کرده و در صف نیروهای استقلال و آزادی جای دهند و در مقابل امپریالیست قرار دهند. رویزیونیست های خائن اکثریت خوب آموخته اند که چگونه با حوادث روز "تطبیق" حاصل نمایند و از واقعه ای تا واقعه ای دیگر و بر سرعت روش خود را برای تأمین منافع ارتجاعی خود در جهت تحقق سیاستهای سوسیال امپریالیست روس تغیر دهند. آنان منافع اساسی پرولتاریا و مصالح زحمتکشان را فدای خواستهای بورژوازی کرده اند. آنان به عواملین بورژوازی تبدیل شده اند و در خدمت بورژوازی حاضر به هر خيانتی به خلق همدار و زحمتکشان میباشند.

سنگ و سفرت بر آنان باد! ★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۵ در حاشیه...
وی که بقول خودش کسالتی هم ندارد، در بیمارستان زندان مشغول استراحت هستند. میگوید: "... نه فقط من باید از دشوم با ایداز من عذرخواهی شود." (اطلاعات ۱۶ فروردین ۶۰) مگر آنچه کم و کسری نسبت به جاسوسان آمریکائی و انگلیسی دارد؟ آیا ناصیخ خمینی در مورد کاهش تشنج میان "دولتمردان"، آزادی امیر - انتظام ز زندان، موضوع دور از ذهنی نیست خود او هم شرایط سیاسی حاکم را خوب درک کرده و ساعتها از "خدماتی به انقلاب و جمهوری اسلامی" دم زده و سرانجام خود را سزاوار عذرخواهی و پوزش نیز میدانند. و در همین اوضاع و احوال است که اعلام میشود: "حاکمه امپریالیست نظام برای رسیدگی به ترجمه ها به تعویق افتاد" (انقلاب اسلامی ۶۰/۱/۱۶). گویا یکسال و نیم گذشته برای اینکار رکفایت نمیکرد. مطلب اصلی اینجا سنت که برای فریب مردم و راه دلائل به ظاهر "محکمه پسند" و سیاست بازی، زد و بند های پشت پرده نیه ز هست و برای اینکار زمان لازم است. اما حقایق از چشمان تیزنوردها مخفی نمیماند!

رویز یونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

دموکراتیسم کاذب:

دموکراتیسم بورژوازی برجیایه با هائی استوار است؟
بورژوازی خواهان حکومت دموکراسی مساسد؟
سرای دیانت یا سخ صحیح این پرسها، ساسد
بطور مختصر نتس بورژوازی را در رابطه ساسا
دموکراسی از جنبه تاریخی بررسی نماشم.

بورژوازی از آغاز حیات خود، در آن زمان
که یک نیروی پیشرونده انقلابی بود و بر علیه
نظام کهنه و پوسیده فئودالی میجنگید، رسالت و
ماموریت برافراشتن بر حدموکراسی را در مقابل
استبداد فئودالی بر عهده گرفته بود. چرا و چگونه؟
سایر دسرمایه‌داری، توسعه مبادله و تجارت
و پیشرفت و تنگامل صنعت، خیش عظیمی در شرایط
زندگی اقتصاد در حامه وجود آمدولی در عین
حال بهیچوجه بدنیال حین جهش عظیمی در
زندگی اقتصاد، تفکرات سیاسی متناسب ساسا
آن بوجود نماند. نظام دولتی فئودال با قسی
مانند در حالیکه مامه بیشتر و بیشتر بورژوازی
میسد - تجارت در مراحل عالی (منحصمانا تجارت
بین المللی و تجارت جهانی) - در حرکات خود
ساحنان آزاد بودن مانع کارا طلب میگردید
بعنوان (صاحب کارا) دارای حقوق مساوی باشند
و بتوانند مطابق حقوقی که همه آنها (لااقل در
یک منطقه) در برابر سآن بکمان اند، مبادله
سردارزند. لازمه گذار صنعت دستی به صنعت
کارگاهی و کارخانه‌ای وجود تعدادی کارگر
آزاد است. از یک طرف آزادان ز قید و بندهای صنفی
و از طرف دیگر آزادان بازار، تا سخا بتوانند
نیروی کارشان را بفروشند... ولی هرچا که بناسبات
اقتصادی، آزادی و تساوی حقوق طلب میگردنم
سیاسی، قید و بندهای صنفی و مزایای ویژه را
قدمقدم در سراسر اهن قرار میداد... همسکه در
اثر پیشرفت اقتصاد جاسمه، خواسته آزادی از
قید و بند فئودالی و ایجاد تساوی حقوق از طریق
تأبودی بی عدالتیهای فئودالی در دستور روز
قرار گرفت. میبایست ابعا دوسیعتری میبافت...
ورا هدیگری جز این نبود که لغو امتیازات
فئودالی و آزادی اشراف از مالیات و دیگر
امتیازات سیاسی اقتار مختلف نیز درخواست
گردد". (۱)

با س ترتیب مشا هده میکنیم که طرح شعار
(دموکراسی) از جانب بورژوازی با سخی بود بهیک
نیاز عملی نظام اقتصاد، که در یک سیستم جامع
تجربات اقتصاد و سیاسی، بنا ملبیرا الیسم
(آزادبخواهی) عرضه شد. انقلابهائی که امتیازات
فئودالی رانا بود کردند، بیامآور آزادی، برابری
و حق مالکیت سدنند. از آنجا که نیروی تمامسی
اقتار و طبقات جاسمه و بویژه دهقانان بر سراسر
بیروزی سرفئودالسم تا شیر تعیین کنندسدهای
داشت قوانین اساسی ای که برخی از انقلابات
بورژوازی عرضه میگردند، قوانین دموکراتیک بود

مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (۲)

وسروت متمرکز ترسده است. در نتیجه تضاد درونی
شوه تولد سرمایه‌داری که "احتیاسی بسودن
تولد" و "خصوصی بودن مالکیت" است، سحاب
ترس شکل خودآشکار گشسده است. اکنون
بورژوازی که زمانی یک نیروی پیشرونده
و انقلابی بود در سنگرمیای رزه بر علیه فئودالسم
میجنگید، سیک نیروی ارتجاعی و پازادارنده
تبدیل شده است، در سنگر ارتجاع بر علیه طبقه
کارگر پیشرو و مسکنگدوبا جنگ و دندنان میگردید
جلوی رشد و تکامل جاسمه را گرفته و واضع را به
نفع خود تشنیت نماسد، واضعی که جز فقر و فلاکت
برای توده‌های وسیع رنجبر و سوسد سراسر برای
اقلنی توانگر، هیچ شمره‌ای در بر ندارد.

این تغییر در نقش اقتصاد بورژوازی، نسبی
نواندر موقعیت سیاسی این طبقه‌ی تاثیر
باشد. بورژوازی در دوران امپریالیزم، دیگرس
یک نیروی دمکراتیک نیست (و نمیتواند باشد)،
چوهر اقتصاد امپریالیزم، انحمارات است و
روئسای مناسب حنین اختیاسی نه دمکراسی،
بلکه منطقاً ارتجاع سیاسی است. ارتجاع سیاسی
س انحمار. منطق است و بهمین دلیل است که
امپریالیزم همچنانکه در سیاست خارجی خسرد
انقیاب طلب است و میگوید آزادی را از خلقهای دیگر
طلب نماسد، در سیاست داخلی نیز خواه سار طلب
دموکراسی است.

در اینجا این سوالات مطرح میگردند که: بر
اساس واقعیات بیان شده آیا شکل "جمهوری
دمکراتیک" در دوران امپریالیزم امکان تحقق
ندارد؟

در ایتمورت "جمهوری‌های دمکراتیک"
موجود در کشورهای امپریالیستی کنونی
(آمریکا - انگلیس و...) چگونه مستقر گردیده
اند؟ لنین به این مسئله پاسخ میدهد:

"جمهوری دمکراتیک" منطقاً "سرمایه‌داری
تضادداره، زیرا "رسم" شروتمند و فقیر را در یک
زمینه در نظر میگیرد. و این تضادی است میان
رژیم اقتصاد و روساخت سیاسی، همین تضاد،
جمهوری را در مقابل امپریالیزم قرار میدهد، و
این تضاد تمیق جاسده‌هاست چرا که جاسنشین
شدن انحمار بجای رقابت آزادانه، تحققی
یا فتن همه آزادی سیاسی را با زهم دشوارتر
میکنند "لنین بر اساس بیانات انگلس توضیح
میدهد که چگونه سرمایهداری با یافتن نیروهای
برای با صلاح حل این تضاد (در واقع پوئاشنیدن
آن) "جمهوری دمکراتیک" را برقرار میسازد و این
"جمهوری دمکراتیک" وسیله‌ای برای پوئاشنیدن
چهره زشت سرمایهداری در یک لفظ زیبا میشود

اما آنکه در عمل اجراسد، حتی در دهان قان
نوشن سده سوسد. بلکه بر خرابی حاکمیت بورژوازی،
معنی آزادی حاصل و غارت طبقات زحمتکن بر سراسر
نروئمنندان و قدرتمندان فقط آزادی فسروس
نیروی کار (برای کارگران و زحمتکسان بود.
یعنی آزادی انتخاب این که کدام کارفرمای
کارخانه‌دار را ورا استنما رکنند!

"دموکراتیسم" بورژوازی حوان و انقلابی،
محدوده چهار حوجوب منافع طبقاتی اش بود و بهمین
دلیل بقای (دمکراتیک) شدن (همگانی شدن)
از جانب بورژوازی، همگام (حق مالکیت) را در
برنگرفت و حتی انقلابی ترین و دمکراتیک ترین
قوانین اساسی بورژوازی، هیچگاه خواه سست
(عمومی شدن مالکیت و شروتمند) مطرح نشودند.
"دموکراتیسم" بورژوازی حتی در آن زمان کله
سراسر از خون رندگی بود و شروئی تاریخی داشت
(دم بریده)، (محدود) و (مشروط) باقی ماند.

بورژوازی سرفئودالسم سرور شد و ماسن
دولت را از سلطنت استبدادی فئودالی سارت
برد. اما س ماسن دولتی (بورکراتیک -
نظامی) را دادگان نکرد، بلکه آنرا تکامل بخشید
و برای حفظ سلطه طبقه خودش سردمکراتیکات
آماسد کرد.

در اینجا ساداسن مسئله ماسن بیان کنیم
که قولین "دمکراتیک" جمهوری بورژوازی سخنی
همان قوانین است که امروزه در پیشرفته ترین
جمهوری‌های "دمکراتیک" بورژوازی "جاری است
در طول زمان متکامل سد و در این راه مسازات
طبقه کارگر و زحمتکمان نقش تعیین کنندسدهای
در گسترش همین دموکراسی ما هبتا "متحدود و
مشروط" داشته است. در ابتدای حکومت بورژوازی
آن زمان که پایه‌های عدوت سرمایهداری هنوز
آنقدرها گسترش نسا فته بود، طبقه سرمایهدار
حاکم از ترس (قدرت گیری توده‌ها) همین اصول
ادعائی خود را نیز زیر پا گذاشت و در پیاسری از
زمینه‌ها (مثلاً برای زنان، کارگران و...) حق
رای را ممنوع ساخت. اما همراه ماسن گسترش
مسازات طبقه کارگر و دیگر زحمتکمان و نسیمز
همزمان با استحکام پایه‌های سرمایهداری، این
ممنوعیتها لغو گردید و وظاهرها همگان در مقابل
قانون برابر گردیدند. (در ادا مامطلب خویش
خواهیم دید که این برابری و اقتعابه چه معناست)

بورژوازی در روند رشد و تکامل خویش،
دوران رقابت آزاد را پشت سر گذاشت و به دوران
امپریالیزم، دوران انحمارات گام نهاد،
اکنون بورژوازی آخرین مراحل رشد خود را طی
مسماید. تولد جاسمه بطور وسیعی اجتماعی شده
و از طرف دیگر مالکیت خصوصی همچنان پایرجاست.



سرما به از طریق "جمهوری دمکراتیک"، سلطه خود را بطریق غیر مستقیم ما بسیا مطمئنتر اعمال میکند.

این شیوه ها چیست؟ ۱- تطبیع وفا س کردن مستقیم ما مورین ۲- همبستگی و پیوند دادن میان حکومت و بورس. (در بحث های آینده ما به بررسی ماهیت و مضمون این "جمهوری دمکراتیک" که در آن همه چیز از طریق سرما به و در بورس سیاسی سرما به داران تعیین میگردد سخن خواهیم گفت) لنینیسم برپا به این تحلیل ما رکسیستی، مسئله ظاهرا متناقض "جمهوری دمکراتیک" در دوران امپریالیسم را توضیح میدهد:

"و حال هنگامی که سرما به داری جابش را به امپریالیسم داده است، یعنی سرما به داری انحصاری جای سرما به داری ما قبل انحصاری را گرفته، در روابط مذکور در فوق چه چیزی تغییر میکند؟

تنها تغییر این است که اقتدار بورس افزایش میابد، زیرا سرما به مالی عبارت است از سرما به بسیار بزرگ صنعتی که به مرحله انحصار رسیده و با سرما به بانکی درهم آمیخته است. بانک های بزرگ با جذب کسب و بورس در خود، با آن درهمی آمیزد" بدینگونه لنینیسم با تحلیل علمی از امپریالیسم نشان میدهد که در دوران امپریالیسم این سرما به مالی است که حکومت میکند و حکومت سرما به مالی نیز از طریق "جمهوری دمکراتیک" بسیا مطمئن تر اعمال میگردد. چرا که "دمکراسی" اکنون بهترین لفافه ای است که چهره زشت سرما به داری را از توده ها میپوشاند. اما در پرده حیات امپریالیسم درنده خور زمانه فرا میرسد که بر حسب ضرورت با تقاسم سرما به امپریالیستی، این لفافه زیبا - دریده میشود و چهره واقعی امپریالیسم ظاهر میگردد. حکومت فاشیستی ارتجاعی، در واقع سرما به داری بی پوسته است.

اشکال فاشیستی دیکتاتوری بورژوازی چگونه صورت می پذیرد؟

در نتیجه حادثن تضادهای درونی سرمایهداری و بدین نقطه اوج رسیدن آن، زمانی می رسد که بورژوازی ناگزیر میگردد که اشکال "دمکراتیک" حکومت را از میان بردارد. سخنهای عمیق اقتصادی - اجتماعی بورژوازی را ناچار میبازد که نقاب (دمکرات منشی) را از چهره بردارد و از (دیکتاتوری دمکراتیک بورژوازی) بسط دهد (دیکتاتوری فاشیستی بورژوازی) گذر کند.

ظهور (دیکتاتوری فاشیستی) دقیقا مبتنی بر ویژگیهای عصر امپریالیسم می باشد. ویژگیهای امپریالیسم، یعنی تمرکز تولید و سرما به پیداایش انحصارات عظیم اقتصادی و تقسیم

جهان میان قدرتهای بزرگ امپریالیستی، موجب میگردد که تضادهای حاکمیت بورژوازی نیز که بر این پایه های اقتصادی استوار میباشند تمایل به تغییر شکل از حالت (دمکراتیک) به (ارتجاع آشکار) پیدا نمایند. آن هنگام که بحران های عمیق اقتصادی - اجتماعی که ناشی از حادثن تضادهای درونی نظام سرما به داری میباشند، به پایه های حاکمیت بورژوازی را بلرزاند و در آورده و هرگاه جنبش طبقه کارگر و حاکمان در چنین شرایطی آنقدر نیرومند نباشد که بتواند با ظهور فاشیسم مقابله کند، تمایل بورژوازی به تحقق خواهد بیست و بورژوازی دست به موهوگر گونه "دمکراسی" و برقراری دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی خواهد زد. نظیر آنچه تا ریخ چهره آنرا به ما نمایانده است: فاشیسم هیتلری در آلمان، فاشیسم ایتالیا ...

نتیجه گیری نمائیم:

* - دمکراتیسم بورژوازی در دوره ای که بورژوازی از نظر تاریخی مترقی بود نیز بنا بر ماهیت طبقاتی آن محدود، مشروط و ناپایدار بود.

* - دمکراتیسم بورژوازی در دوران امپریالیسم تبدیل به لیبرالیسم میان پیوسته ای میگردد که در واقع چیزی جز (دمکراسی کاذب) نمیباشد.

* - شکل گیری ارتجاع سیاسی در دوران امپریالیسم برپا به تمرکز سرما به و پدید آمدن انحصارات باعث میگردد که در شرایط مشخص تاریخی یعنی وجود بحران حاد اقتصادی - اجتماعی و نبود جنبش نیرومند طبقه کارگر و حاکمان، بورژوازی هرگونه دمکراسی را محو نموده و دیکتاتوری ارتجاعی فاشیستی را برقرار کند.

اذا مه دارد

سوالات بخش اول دموکراسی چیست؟

با این سوالات (*) پاسخ دهید:

- ۱- تعریف های عامیانه در باره دمکراسی چه میگوید؟
- ۲- آیا دمکراسی (خالص) میتواند وجود داشته باشد؟ چرا؟
- ۳- رابطه (دمکراسی) را با شیوه تولید بحث نمائید. (در این رابطه نقش (دمکراسی) در دوران های مختلف تکامل جامعه را توضیح دهید.)
- ۴- تفاوت یک لیبرال با یک مارکسیست در بر خورد به مسئله دمکراسی، چیست؟ این تفاوت از کجاست می مشود؟

(*) - توضیح: این سوالات مربوط به بخش اول همن مقاله است که در شماره ۱۰۱ پیکار منتشر یافته است.

بقیه از صفحه ۲۷ پاسخ ...

و گزارشات تا کید میکنیم که در مورد مطالب افشاگرانه و وجه در مورد اخبار و گزارشات بگویند بدون کوچکترین برخورد غلو آمیز خبر را بصورت صحیح، موثق و دقیق ارسال دارند. هرگونه برخورد غیر مسئولانه ای به این مسئله برخوردی لیبرالی است که می بایست بصورت جدی مورد انتقاد قرار گیرد.

همچنین نامه های متعددی از رفقا در مورد یادنامه رفقای شهید می رسد و از دقیق نبودن برخی مطالب در مورد زندگی و مبارزات رفقای شهید و یادنامه درست بودن برخی نکات انتقادی میکنند. گرچه ما انتقادات رفقا را منعکس کرده و اقدام به تصحیح مطالب نام درست میکنیم اما اما این اشتباهات، ضربه جدی بر اعصاب توده ها نسبت به سازمان و مطالب مندرج در پیکار میزند و از اعتبار سازمان در میان توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی میکاهد. نمونه این اشتباهات در زندگی نامه رفقا صمدی، مالک عباسی و ... رخ داده بود که با تذکره رفقای کمیته خوزستان تصحیح شدند.

از اینسروا زکلیه رفقا میخواهیم که در تهیه گزارشات و بویژه زندگی نامه رفقای شهید نهایت دقت را بعمل آورند و مطالب خود را حتما از طریق رفقای مسئول ارسال دارند. تا پس از کنترل رفقا و احیاناً حذف نکات نام درست وفا - روشن برای درج در پیکار ارسال شود. بیروزی باشید!

طرحهای رسیده از طرف رفقای سازمان و هواداران: - دانش آموزی شرق، م. ش. ل. شیراز ۲۲ - میم - کردستان - رح - شعرو طرح خدمات (هنرک) - الف ۱۳ - طرح از "جفا تو" - طرح از - عادل - علی شرق تهران - کارآموز جاب - رفقای آغاچاری دزفول - از تیریزر، قارداش - ۵ طرح از سینا - ۱۱ طرح از تحت نام "ارومیه های رعیت" ۲ طرح توسط رفیق امیر از ارومیه برای نشریه ارسال گشته، رفقا از ما خواهانند که به کارهای آنها برخورد شده و در صفحه "پاسخ به نامه ها" رهنمودهای لازم، داده شود.

لازم به توضیح است از آنجا که شبکه سرخوردیده آثار رهبری رفقا با در نظر گرفتن محدودیت صفحه پاسخ به نامه ها مقدور نیست (با استثناء برخی آثار) لذا از رفقا میخواهیم که با نام مستعار و ذکر منبع ارتباط سازمانی آثار خود را بفرستند تا از طریق پاسخ کتبی به آنها برخورد شود. بیروزی باشید، کمیته هنری سازمان

با بر رفقای که نامه فرستاده اند:

م ۳۰ دانشجو، جاسم از یلام، ع ۲۳ - فواد، س - ادوف - محلات غرب - ز ه - ص، ب از محلات - ص از کرج - کارگروها دار فرهاد از میانند آوب - مجتبی از ملایر - ن ب - مسئول جمع تشکیل دهنده کانون - ۴ از تدارکات د. د. سعید، ج -

جنبش کارگری و بحران سرمایه‌داری در لهستان

روز جمعه ۷ فروردین ساعت ده و نیم صبح سوت کارخانه‌ها بصدای مدو بصدت چهار ساعت ده میلیون کارگردست از کار کشیدند. چرا کارگران اعتصاب کردند؟ آنها خواهان دستگیری و محکومیت افراد پلیس مرتجع لهستان بودند که کارگران اعتصابی شهر "بیدگوش" را مورد حمله و ضرب و شتم قرار داده و بیست نفر از آنان را دستگیر نموده بودند پس از این اعتصاب عظیم و بی تفاوتی رژیم نسبت به خواسته‌های کارگران طرح اعتصاب جدیدی مطرح می‌گردد. دولت بسا توجه به بحران اقتصادی موجود و اقدامات کرده با رهبری اتحادیه‌های آزاد میگردید و بلاخره روز دوشنبه ۱۵ فروردین بین دولت و رهبری اتحادیه‌ها موافقتنامه‌ای به امضاء میرسد که بر اساس آن مقررمیشود که دولت، افراد پلیسی که کارگران را مورد ضرب و جرح قرار داده اند به مجازات برسانند و در مقابل اتحادیه‌های کارگری نیز اعتصاب عمومی را لغو کرده و به "آرامش کشور" کمک کنند. این تصمیم‌گیری که بر اساس فشار بورژوازی - رویزیونیستی‌های حاکم و فرمیسم و سازشکاری اکثریت رهبری اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت، اگرچه توانست بطور مقطعی از اعتصاب عمومی ممانعت بعمل آورد، لیکن هرگز قادر نخواهد بود تا جنبش کارگری را خاموش کرده و بحرانی را که سراپای جامعه سرمایه‌داری لهستان را فرا گرفته رفع نماید. بحران سیاسی اجتماعی موجود بحرانی گذرا نیست. این بحران ناشی از اضمحلال و گندیدگی سیستم حاکم بوده و ریشه در مناسبات طبقاتی و تضادهای آشتی ناپذیری که از این مناسبات برمیخیزند، دارد.

استقرار سرمایه‌داری در لهستان (مانند تمام کشورهای رویزیونیستی) نمیتوانست به هرج و مرج در تولید و بورژوازی در اقتصاد دنیا انجامد. بحرانی که ما هوی سیستم بوده و بیش از پیش وابستگی اقتصاد حاکم به اقتصاد جهانی امپریالیستی و بخصوص سوسیال امپریالیسم را بدنبال دارد. در حال حاضر اقتصاد لهستان نه تنها شدیداً مختل بوده و این کشور برای نیازهای اولیه مانند مواد کثافت‌ورزی و خوراکی - محتاج امپریالیستها میباشد، بلکه علاوه از نقطه نظر سرمایه‌گذاران ریها شدیداً به امپریالیستها و از جمله امپریالیسم غرب نیازمند است. در حال حاضر لهستان ۲۷ میلیارد دلار به کشورهای امپریالیستی اروپائی و آمریکائی بدهکار است و لهستان با توجه به انبوه مشکلات مالی خود قادر به بازپرداخت این وامها نیست و بسه همین منظور مجبور است از یکطرف با بازپرداخت وامها را با بهره سنگین تر به تعویق بیندازد و

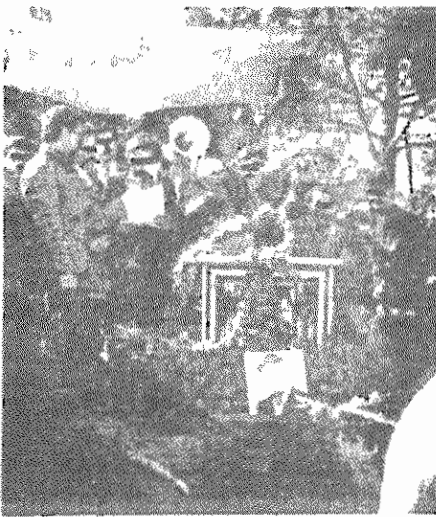


با زهم وامهای جدیدی جهت بازپرداخت قروض قبلی از امپریالیستها گدائی کند. در سال جدید لهستان می بایست ۳ میلیارد دلار جهت سرسیدوا مهیا بپردازد، ولی از آنجا که بهیچوجه قادر به چنین کاری نیست، از بازنگاهی غربی تقاضای کمک کرده است. در همین ارتباط سه شنبه ۱۱ فروردین ۶۵ بانک موسسه اعتباراتی غربی در لندن تشکیل جلسه دادند و قرار شد ۳۰۰ میلیون دلار به لهستان بپردازند. در همین رابطه با زرگانی امپریالیستی‌های غربی پرداخت کردند. برای تامین یک میلیارد دلار باقی مانده لهستان و امجدید تقاضا نمود که در همین رابطه امپریالیسم فرانسوی ۸۵۰ میلیون دلار در اختیار بورژوازی لهستان قرار میدهند و امپریالیسم آلمان نیز اعلام نموده که به کمکهای خود به لهستان ادامه خواهد داد. بدین ترتیب ملاحظه میکنیم در حالیکه لهستان وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی است و وابستگیهای جدیدی نسبت به "کومکون" (۱) دارد، در عین حال امپریالیستی‌های غربی دارای نفوذ وسیعی در آنجاست می باشند. البته امپریالیسم شوروی هرگز نمیخواهد یکی از اقامت خود به جنگال رقیبان بیا فتد، اما بحران اقتصادی و محدودیتهای مالی شوروی این امکان را به او نمیدهد. تصور که مورد دنیا از اقتصاد ورشکسته لهستان است کمک کند. وابستگی‌های اقتصاد لهستان به امپریالیستی‌های مختلف از یکطرف و استثمار و غارت طبقه بورژوازی حاکم از طرف دیگر نتیجه ای جز فقر و فلاکت روزافزون توده‌ها و بخصوص طبقه کارگر در بر ندارد. تورم و گرانی، عدم افزایش دستمزدها، کمبود ما محتاج اولیه زحمتکشان و استثمارهای سیاسی و فسادان دمکراسی بیش از پیش کارگران را بسوی اعتصاب و مبارزه سوق میدهد. برخلاف تبلیغ رویزیونیستی‌های خائن که اعتصاب و مبارزه کارگران را ناشی از "تحریک عوامل فساد سوسیالیسم" میدانند، باید گفت که در حقیقت امروز این مبارزه ریشه در مناسبات طبقاتی موجود دارد. اینک ده میلیون کارگر به اعتصاب می پیوندند، نشان نارضایتی‌ها و اعتراضات کارگران و در نتیجه خواسته‌های عادلانه آنها می باشد. بنابراین مبارزات کارگران لهستان ملهم از تضاد آشتی ناپذیر طبقه کارگر و بورژوازی

است. اما پرواضح است که امروز طبقه کارگر لهستان فاقد ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی و شکل طبقاتی خود می باشد و همین خاطر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون حکومت لهستان میکوشند تا بر جنبش طبقه کارگر سوار شده و آنرا ابزار تحقق اهداف خود سازند. این واقعیتی است که در حال حاضر بین نیروهای بورژوازی - رفرمیست که در ضمن متمایل به امپریالیسم غرب میباشدند در رهبری اتحادیه‌های کارگری نفوذ قابل توجهی دارند، اما پتانسیل و قدرت جنبش کارگری و عمق خواسته‌های کارگران، بتدریج کارگران را در برابر رهبری اتحادیه‌ای قرار خواهد داد. بنحوی که در همین وقایع اخیر، زمانی که قرار داد لغو اعتصاب میان دولت و رهبری اتحادیه‌ای منعقد شد، این توافق مورد مخالفت شدید کارگران آگاه و نمابندگان آنان واقع گردید. در حقیقت از میان رهبران اتحادیه‌ها ۲۵ نفر موافق لغو اعتصاب، ۵ نفر مخالف لغو اعتصاب و ۶ نفر برای امتناع دادند. کارگران انقلابی میگفتند زمانی که دولت به سرکوب مستقیم کارگران دست زده و خونریزی شده و نباید دولت سازش کرده و همین خاطر "والسا" را مورد انتقاد شدید قرار میدادند. اما "والسا" در جواب میگفت: "ما در پی ازهم پاشیدن دولت نیستیم بلکه قصد داریم با آن دست و پنجه نرم کنیم". در واقع بورژوازی - رفرمیست‌ها می‌مانند "والسا" خواهان انقلاب نیستند و به همین خاطر با تمام قوا از مبارزه مستقل طبقه کارگر و ادیکالیزه شدن آن جلوگیری نموده‌اند. اینان جنبش کارگری را برای درهم شکستن مآشین دولتی، و استقرار سوسیالیسم نمیخواهند، اینان ضد سوسیالیسم هستند و جنبش کارگری را برای اهداف بورژوازی خود میخواهند. این واقعیتی است که اینان نیز مخالف رژیم حاکم میباشدند، اما با بدتوجه داشت که بورژوازی لیبرالها هرگز نمیتوانند مورد حمایت کمونیستی‌های راستین باشند. زیرا آنان نه تنها اهداف ضد انقلابی خاص خود را تعقیب میکنند، بلکه همچنین سیاستشان درهما هنگی با امپریالیسم غرب و کلیسیای کاتولیک قرار دارد. به این لحاظ ما هما نگونه که از بورژوازی - رویزیونیستی‌های حاکم دفاع نکرده و آنها را دشمن سوسیالیسم و طبقه کارگر میدانیم از بورژوازی لیبرالها نیز هرگز دفاع نخواهیم کرد. این نیروها تکیه‌گاه امپریالیسم غرب هستند، و مورد حمایت مشخص آنان میباشد.

در حال حاضر، لهستان مورد توجه شدید امپریالیستی‌های غربی است، البته میان آمریکا و اروپا سیاست دقیقاً یکسانی وجود ندارد. آمریکا به لحاظ رقابت شدید کنونی خود با شوروی، خواهان اعمال نفوذ آشکارتری در لهستان است، لیکن اروپای غربی دارای سیاست مدارا جویانه تری میباشد. پرواضح است که امپریالیستی‌های غربی خواهان نفوذ گسترده تری در

آغاز سال و تجدید عهد با شهیدان



روز ۷ فروردین در اولسن جمعه سال نو با زمان پیکار، هواداران و جمعی از خانواده های شهدای سازمان نشان را رگل بر مزار شهیدای بخش مشعب و سازمان پیکار در سهشت زهرا خا طره رفقای شهید را گرامی داشتند، گل آذین مزار شهدا، برای تجدید میثاق انقلابی با رفقای شهیدی است که خون خود را در راه رها شیی زحمتگشان و آزادی طبقه کارگرنشان ر کرده اند با دشان را گرامی میداریم و به راه دشمنان تا آخرین قطره خون وفا دار خواهیم ماند.

همچنین روز سنه ۱۵ فروردین سننا سبت جهلم پیکارگر کمونیست رفیق شهید "غلامرضا صد ا ق ت پنا ه" مراسم از طرف سازمان و دوستان شهید در قطعه ۸۵ بهشت زهرا برگزار شد. در این مراسم حدود ۳۵ نفر شرکت کرده بودند. در این مراسم بعنوان بزرگداشت اسن بیک پرشور انقلاب سکه قیقه سکوت اعلام شد. آنگاه به مناسبت نهادت سرخ رفیق غلامرضا در راه آزادی طبقه کارگر، رفقای حاضر در محل سرود آنترناسیونال بقیه در صفحه ۱۰

آری پرولتاریای لهستان با بدیرا ساس ما ر کمیسر لنینیسم، خود را آماده انقلاب سوسیالیستی نماید و از طریق در هم شکستن قهری ما شین دولتی، سوسیالیسم را برقرار نماید.

(۱) - کشورهای بلوک "شرق" (سوسیالیست) امپریالیسم شوروی و کشورهای بورژوازیونیستی اروپای شرقی و مغربستان، بوشتنا م و کوبا) دارای سازار مشترکی بنام "کومکون" هستند که تحسنت سطره سوسال امپریالیستهای روسی قسرار دارد. روابط اقتصادی سازگان سینی این کشورها را کنترل میکنند.

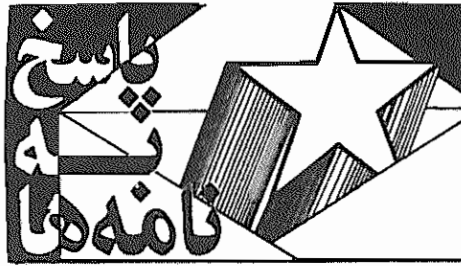
لهستان ورهبری جدید حزب و نیز ارتش لهستان از دست ن داده است. بخصوص آنکه اخرا رویزیونیستیهای لهستان، برنا ه صلاحات عوا مغربانه - ای مبتنی بر محدود نمودن سازشور، تا سن ۳ میلیا رد دلار خوارا ز خارج و ماحه سرخی از رهبران گذشته را شه نموده اند. با لطنیح مداخله شوروی، در لهستان موج وسیعی از تبلیغات ضد شوروی در سطح جهان بو خود میا ورد و اسن امر هرگز نمی تواند خوشا بنده شوروی باشد. البته امپریالیسم شوروی اگر بنا فعی اقتصادا کند و سلطه استعماری خود را در خطر حتمی ببیند، بلائک به هرگونه اقدام تاجا وزگارانهای دیست خواهد زد. لیکن با توجه به کل مسائل فسیوق، روسها، در شرایط فعلی خواهان مداخله نیستند و با بان یا قتن ما نورهای نظامی پیمان وزشو در لهستان و طرح این مطلب از جانب برژنف مرتدد رکنگراه خیر کسلواگی که "حزب کمونیست لهستان به تنها شی قدرت حل بحران کنونی را دارد" سا هدا بن مدعاست.

بنابراین در لهستان سرمایه داری امروزه سجرمان طبقه ای ساید بگردن تقابل مینا سند: ۱- امپریالیسم شوروی و بورژوازی لهستان که با تمام قوا میکوشند سازشور و تشدید استعمار طبقه کارگر سستم حاکم را حفظ کنند. ۲- امپریالیستهای غربی، کلیسای کاتولیک و نیروهای بورژوا - لیبرال داخلی که درسی آنند تا سستم رویونیستی موجود را سفع نفوذ بیشتر غرب در اختیار تغییر نموده و در اس راه خائنانه سعی میکنند از طریق رهبری اتحادیه های آزاد، جنش کارگری را به سازاری در خدمت اهداف صدامعلاسی خود تبدیل نماید و ۳- جنش کارگری که با توجه به تعمیق بحران عمومی لهستان، به پیش ازین اوج میگردد و بطور روزافزون در حرکت خود بخودی خود به تمام راهبری سازشکاران خائنه مایرسد. این تمام بنا گزیر مرزهای طبقه ای میان کارگران و رهبری سازشکار را مشخص ساخته و زمینه را برای حرکت مستقل طبقه کارگر فراهم میسازد. سولتاریای لهستان فقط با اسای رهبران سازشکار رومتما بزم نمودن صف خود از صنف اپوزیسیون بورژوازی، سا طرد فرمیسم و رویونیسم، با کسب آگاهی ما ر کمیسرستی - لنینیستی و با سوجود آوردن حزب مستقل خود میتوانند بر بورژوازی حاکم سیروزگردد. پرولتاریای لهستان با بدیدانده دولت حاکم علیه رفعم عوامفریبی ها بین یک دولت سوسیالیستی نبوده بلکه دولت رویونیستی و مداخلیح بورژوازی فاسد حاکم پر لهستان است. پرولتاریای لهستان با بدیدانده کلیسای کاتولیک ابزار دست امپریالیستهای بوده و هرگز نمیتواند طبقه کارگر را از ستم طبقه ای نجات بخشد. پرولتاریای لهستان با بدیدانده بورژوا - لیبرالهای سوسیالیستهای ما نند "والسا دشمن ما ر کمیسر - لنینیستیم یعنی تنها ایدئولوژی نجات بخش پرولتاریا قیاشد و هیچ امیدی نمیتوان به چنین افرادی بست.

لهستان مینا شد، ما با بد توجه کردیم امپریالیستهای اروپای غربی و بخصوص فرانسه و آلمان غربی این هدف را با اعتدال بیشتر تعقیب مینمایند، زیرا آنها با شوروی دارای روابط دوستانه تری میباشند. و سرمایه - گذارهای فعلی خود در لهستان سود سرنکاری میسرنند. امپریالیستهای غربی و بخصوص آمریکا اگر چه متما یلند که در لهستان قدرت متمایل به غرب روی کار آید و لهستان جزء بلوک امپریالیستی غرب گردد، لیکن این مسئله فقط یک آرزوست و در شرایط کنونی بهیچوجه قابل تحقق نیست. زیرا امپریالیسم شوروی همانگونه که در چکسلواکی نشان داد، به شدت در برابر جنبش حیزی بمقا بله بر میخیزد، هر چند که این واقیبتی است که در حال حاضر با توجه به مشکلات اقتصادی شوروی و بحران لهستان، امپریالیستهای غربی میکوشند تا سستم رویونیستی وابسته به شوروی را تضعیف نموده و حیظه نفوذ وسیعتری را در لهستان بسوجود آورند. بورژوازی امپریالیستی غرب در همان حال که از بورژوازی حاکم در لهستان حمایت میکند و این حمایت را با راه از طریق ارائه وامهای اقتصادی و کمکهای غذایی به تنها پیش گذاشته است، ما در همان زمان با پشتیبانی از اپوزیسیون بورژوازی و از جمله عناصری از رهبری اتحادیه ها مانند "والسا" میکوشند تا در مناسبات قوای طبقه ای تغییراتی بسوجود آورده و زمینه نفوذ سرمایه داری را برای خود فراهم سازند.

بدین ترتیب، از یک سو بر ستر بحران اقتصادی جنبش او بگیرنده کارگری و از سویی دیگر رقابت طلبی امپریالیستهای غربی برای نفوذ بیشتر در لهستان و بطور کلی کشورهای اروپای شرقی، اوضاع نگران کننده ای را برای سوسیالیستهای امپریالیسم شوروی و کارگران لهستانی - اس بسوجود آورده است. آنها نگران سیر و با ندیدن قدرت سیاسی حاکم مینا شد، رویزیونیستهای لهستانی ابتدا "گیرک" و در ادامه اش را کنار گذاشتند و در حال حاضر در صدمه محکمه وی بعنوان "مسئول اصلی بحران اقتصادی مینا شد، آنها ن میکوشند تا با قربانی کردن "گیرک" خائنه، جنبش را از هدف اصلی خود - به انحراف بکشانند. بعلاوه سوسیالیستهای امپریالیسم شوروی سا راه و بطور غیر مستقیم تهدید به مداخله نظامی نموده و به ما نور نظامی در لهستان پرداخته است. شوروی میکوشد تا بدین ترتیب جنبش کارگری را مرعوب ساخته و در ضمن به امپریالیستهای غربی هشدار دهد. ما با پرا واضح است که شوروی در شرایط فعلی مداخله نمیکند. شوروی با توجه به لشکرکشی به افغانستان و معضلات و مشکلات اقتصادی کنونی اس از یک سو و خطر محاصره اقتصادی شوروی و لهستان از جانب غرب در صورت مداخله نظامی از سوی دیگر، موقعیت خود را جهت مداخله مناسبت نمی بیند. بعلاوه شوروی هنوز امید خود را از قدرت عمل بورژوازی حاکم

پیکار



درباره اطلاق صفت "پیکارگر"

عده‌ای از رفقا در انتقاد به اطلاق صفت پیکارگر که در نشریات سازمان در قسمت‌های گوناگون و در موضوعات متفاوت مدا مذكر ميشود برسيده اند؛ آيا اين نوع برخورد نشان دهنده سکتاریسم نيست؟ رفقا در رابطه با اين مطلب مواردی را نيز ذکر کرده اند؛ مثلا "پیکارگران قهرمان"، "پیکارگران شهيد" ويا "نظا هرات پیکارگران در آمل و سراوان" وحتی انتشار اعلامیه‌های شکی به "امضای پیکارگران کفش سازی"!

رفقا! بی شک آنچه ما به افتخار ما سکتا کمونیست بودن ما است. آنچه با یی در تبلیغات ما برجسته شده کمونیست بودن ما است. ما هرگز به هر رفیقی دستگیر، شکنجه و یا اعدام می‌شود، هرگاه که نظا هراتی در گوشه و کنار کشور برپا می‌کنیم، هرگاه که بعنوان "هواداران یک نیروی کمونیستی" به انتشار اعلامیه‌ها و... دست می‌زنیم، هرگز نباید فراموش کنیم که تلاش ما در جهت آشنا کردن توده‌ها با کمونیسم و برجسته نمودن آن است. بی‌رواضح است که کمونیسم را بصورت مجرد نمیتوان و نباید در توده‌ها تبلیغ نمود. باید ضمن تبلیغ و ترویج مواضع کمونیستی روشن کنیم که خط مشی فکری کدام جریان را تبلیغ می‌کنیم و نشان دهیم که وابستگی به کدام جریان سیاسی با مدعیان ما رکیسم و کمونیستی‌ها ناپیگیر مرزبندی داریم. باید به توده‌ها بیا موزیم که کمونیستی‌ها پیگیری همچون سازمان ما... از "راه رگر" و "قلبیت" به چه علت از نظا ایدئولوژیک متمایز هستند؟ و مواضع آنان درقبال دشمنان طبقه کارگر و ریزبونیست‌ها چیست؟ بدین ترتیب با یی در توده‌ها می‌توانیم به مبارزاتی، هویت سیاسی - تشکیلاتی خود را نیز تبلیغ نماییم و کمونیسم را بصورت مشخص و نه مجرد در میان توده‌ها آشنا کنیم و نشان بدهیم که اینها را سکتا کمونیسم و ریزبونیسم و ایدئولوژی فکری ما می‌تواند در توده‌ها تبلیغ کند. کمونیسم و کمونیست را بطور عام می‌پذیرند، اما طرح و جوه مشخص و روشن نمودن هویت سیاسی - تشکیلاتی کمونیست‌ها را نمی‌کنند، مرزبندی کامل داریم. اما از طرف دیگر نشان بدهیم که سکتا رستی نظیر "فداشيان" "کردیم که تنها ره‌ها" "را در" پیوند با فداشيان" خلاصه کرده و یا می‌کنند "فداشيان" و یا "فداشيان" "پیکارگر" زبان نشان بوده و می‌باید. اگر ما اصطلاح "پیکارگر

در مورد اطلاق صفت بورژوا - دمکرات به مجاهدین

عده‌ای از رفقا برسیده اند، چرا سازمان در سرمقاله پیکار ۱۶ مجاهدین بعنوان "بورژوا - دمکرات" نام برده است، درحالی که در گذشته از آنها بعنوان "خرده بورژوازی دمکرات" نام می‌برد. آیا این بمعنای آن است که مجاهدین تحول طبقاتی یافته اند و یا موقع سازمان نسبت به آنها عوض شده است؟

در پاسخ باید بگوئیم که نه سازمان مجاهدین خلق ایران دچار تحول طبقاتی شده است و نه موقع سازمان نسبت به آنها در بمانا به یک نیروی "خرده بورژوازی دمکرات" تغییر یافته است و بین "بورژوا - دمکرات" خواندن و "خرسده - بورژوازی دمکرات" نامیدن آنان هیچ تفاوتی نیست. چرا؟

از لحاظ اقتصادی، اقتضای اقرار خرده بورژوازی، دارای ماهیت بورژوازی هستند و از نظر سیاسی زمانیکه سخن از "حزب بورژوازی" می‌گوئیم منظورمان کلیه احزاب غیر پرولتری اعم از حزب بورژوازی و خرده بورژوازی است. فی المثل لنین در بررسی احزاب بورژوازی، از جریانات خرده بورژوازی نظیر ترودویک‌ها، منشویکی‌ها، اس‌ارها، نارودنیک‌ها و... بعنوان احزاب بورژوازی نام می‌برد و همواره دهقانان را بعنوان یک قشر بورژوازی - دمکرات مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بدین ترتیب از نظر ما رکیستی اقتضای خرده بورژوازی دمکرات و نشان بندگان سیاسی آن چمگلی از زمره "بورژوا - دمکرات" محسوب می‌گردند. اما این بدان معنی نیست که هر "بورژوا - دمکرات"ی "لاجرم خرده بورژوازی" است. بورژوا - دمکرات‌ها گاهی اوقات نیز می‌توانند شامل بخش‌های از بورژوازی هم بشود. فی المثل در جایی که نیمه فئودال - نیمه مستعمره چین از بورژوازی ملی چین بعنوان بورژوازی دمکرات نام برده می‌شود. بدین ترتیب "بورژوا - دمکرات" مفهوم گسترده‌تری است که هم شامل حال خرده بورژوازی دمکرات و هم بخش‌های از بورژوازی که در شرایطی دمکرات هستند، میشود. البته در جوامعی نظیر روسیه و جوامع سرمایه داری و ایستاده کلا هیچ قشری از بورژوازی، دمکرات نبوده و یا بالعکس فدا انقلابی و ارتجاعی است. بنابراین در چنین جوامعی "بورژوا - دمکرات" تنها شامل حال خرده بورژوازی انقلابی می‌گردد. در ایران نیز بورژوازی در کلیت خویش ارتجاعی است و صفت بورژوا - دمکرات تنها به اقتضای خرده بورژوازی دمکرات اطلاق می‌شود. بدین ترتیب با توجه به توضیحاتی که داده ایم باید در نظر داشته باشیم که "خرده بورژوازی دمکرات" نام مجاهدین با "بورژوا - دمکرات" خواندن آنها هیچ تناقضی ندارد و بالعکس عینا "بریکد مگر منطبق" است.

را بدنیا ل ذکر نام یک رفیق کمونیست شهید ما می‌آوریم، نه از نروست که "پیکارگر" را جایگزین واژه‌ای بر افتخار "کمونیست" نام کنیم، بلکه تنها بدلیل ضرورت روشن نمودن هویت سازمانی رفیق کمونیست و مشخص نمودن خط سیاسی - ایدئولوژیک این یا آن رفیق شهید است که باید در کنار تبلیغ کمونیست بودن وی (و این مهمتر است) هویت تشکیلاتی وی را نیز ذکر کنیم. اما گزاین مسئله بدرستی درک نشده و بتدریج لفظ "پیکارگر" که یک اشتباه تشکیلاتی است (وجه بسا موقتی با شد و حزب کمونیست یا نام دیگری جای آن را پر کند) بجای لفظ کمونیست بنشینند، این امر انحراف سکتا رستی را به نمایش می‌گذارد. بی شک از اینرو ذکر مطالبی مانند نظا هرات "پیکارگران در آمل و سراوان" ویا انتشار اعلامیه‌ای به امضای "پیکارگران کفش سازی" و یا مثلاً لهما درست بوده و انحرافی ارزیابی می‌کنیم. از اینرو ما ضمن مرزبندی با گزایشان انحلال طلبانه و تکیه بر ضرورت روشن نمودن هویت سیاسی - ایدئولوژیک، تشکیلاتی در کلیه فعالیت‌های سازمانی خود، از همه رفقا می‌خواهیم که در فعالیت‌های خود وجه کمونیسم و کمونیست را بیش از اشتباه تشکیلاتی خود تبلیغ نمایند. وقتی المثل بجای ذکر "پیکارگران کفش سازی" از اصطلاح هواداران سازمان پیکار استفاده نماییم و یا در مورد رفقای شهید از اصطلاحاتی نظیر "کمونیست قهرمان و پیکارگر شهید" استفاده شود. نگاهی به نوع تبلیغ بر سر شهدا در پیکار ۹۹ نمونه‌ای خوب در این زمینه است.

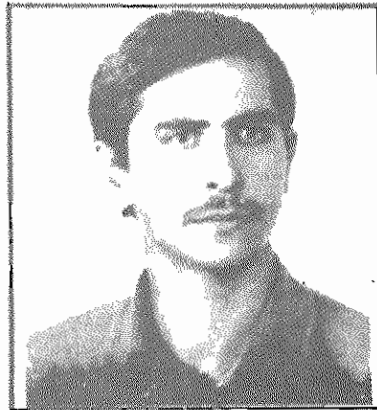
در مورد درج اخبار نادرست!

رفقای انتقاد کرده اند که برخی از اخبار پیکار در جایشها بی‌دقتی است که عموماً جنبه غلو - آبیژ دارد. فی المثل در مورد نظا هرات ۲۲ بهمن گزارش بصورتی غلوآ می‌نوشته شده است و این از طرفی خلاف واقع است و از طرف دیگر تا شیر بسیار منفی بر روی افرادی که در جریان ما واقع قرار داشته اند می‌گذارد.

رفقا! نشریات کمونیستی و از جمله نشریه "پیکار" بدلیل آنکه به اتکای مشی اصولی، با اتکاء بر حقایق و بدون هیچگونه اتها موفترو یا سخنی خلاف واقع، به افشای فدا انقلاب می - بردا زند و از حقایق خود دفاع می‌کنند، همواره در نزد توده‌ها معتبر بوده و توده‌ها به آنها اعتماد دارند. در هر نشریه کمونیستی اگر مطلبی خلاف واقع و یا احیاناً بصورت غلوآ می‌زوا شتاب درج شود شدت توده‌ها را نسبت به آن بی اعتماد می‌نماید و از طرف دیگر چنین برخوردی هر چند با نیت خیر همراه باشد، برخوردی غیر کمونیستی است.

از اینرو به کلیه رفقای ارسال کننده اخبار بقیه در صفحه ۲۴

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی ویار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



به سفر انقلابی رفیق، نام "سیا ساخته" را داده است تا جنابت خود را از بدتوده‌ها بیروشا کند اما توطئه مرتجعین جمهوری اسلامی تنها خود آنها را افشا میکند.

از سر نوشت رفیق محسن فاضل کسه روز ۱۴ بهمن ۵۹، بدست پاداران سرما به دستگیر شده، هنوز اطلاع در دست نیست و تلاش ما درودیکسر بستگان او برای ملاقات با رفیق محسن بجائی نرسیده است.

رژیم جمهوری اسلامی پس از انشازیبیک اطلاعیه توطئه آمیز در مورد دستگیری رفیق فاضل که طی آن ادعا کردی عازم "ما موریت سیا - سا خسته بود، توطئه سکوت را برگزیده است. رفیق محسن فاضل سالها علیه امپریا لیسم و رژیم دست نشاند شاه مبارزه کرده و در چندین فعالیت انقلابی علیه مزدوران امپریا لیسم شرکت نموده است. او مدتهای طولانی در کنگره خلق فلسطین و هم دوش آنان با امپریا لیسم - صهیونیسم و ارتجاع عرب مبارزه کرده است. انقلاب فلسطین از توان علمی رفیق که در خدمت انقلاب قرار گرفته است، مدد بسیار گرفته است و بهمین دلیل بود که رفیق فاضل بنا به خواست انقلاب فلسطین دوباره در صدد پیوستن به صفوف انقلاب خلق قهرمان فلسطین علیه صهیونیستهای غاصب و مرتجعین متفلسف بود. رژیم جمهوری اسلامی که ادعای همبستگی با خلق فلسطین را دارد در دنیا کارانه

رفیق محسن فاضل در تاریخ ۵/۱۱/۵۹ از طرب "دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین" و بنا به نامه‌های باضای هادی الحسن رسانه وزارت امور خارجه معرفی شده (سند شماره ۱) و آنها سرزرای صدور گذرنامه، مراتب را به اطلاع دفتر نخست وزیر رسانده اند (سند شماره ۲). بدین ترتیب روشن میشود که رفیق محسن با دعوت "هادی الحسن" و برای خدمت به خلق فلسطین عازم منطقه بود اما رژیم چنانچه اینکار را جمهوری اسلامی که خود را بدوغ طرفدار انقلاب فلسطین مینامد موریت انقلابی رفیق محسن را "ما موریت سیا ساخته" مینامد. آری همین تشبیهات ارتجاعی علاوه بر افشای ماهیت بسید رژیم ارتجاعی، توطئه های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی را علیه کمونیستها را نشان میدهد و بر علیه انقلاب فلسطین سرملا میسازد.

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین بیش از دو ماه است که در رژیم جمهوری اسلامی است، برای آزادی او و زندان انقلابی خلقهای ایران به مبارزه خود ادامه میدهیم! زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها آزاد باشد گردد!

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور خارجه

شماره: ۱۱۱۱/۱۱۱
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۵

از: ...
به: ...

موضوع: ...

این سند در تاریخ ... صادر گردید.

مهر و امضاء: ...

سازمان آزادیبخش فلسطین
شعبه: ...
تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۵

موضوع: ...

این سند در تاریخ ... صادر گردید.

مهر و امضاء: ...

سند شماره ۲

سند شماره ۱

چند هراتر فرار از زحمتگان محمد سلیمان در مطا هرات اسکا گرانهای از رفیق تحلیس کردند. رفیق عزیز محمدی، کارگر سکا گران کمونیست مبارزی بودند که با او اربابان - های جنس کمونیستی و دروازه سوسالسم، سزیر برجم انقلاب، را بدیدار انقلابی، را دادند. دا دویا اسکان به راه‌های غشنگا زگر، در این راه با رجسار رسپها دت رسید.

هواداران سازمان ما و رفقای زحمتگان بیاری آسیب دیدگان شناخت، ارتجاع که سخا طسیر مبارزات خستگی نا پذیر این کمونیست قهرمان دشمنی طبقاتی و ارتجاع عیش را نسبت به او پنجان نمیکرد، یکدم از آزادی رفیق دست بر نمی داشت. روز ۳۱ فروردین ۵۹، سکا میگه رفیق در کنارجا در کمک به سیل زدگان ایستاده بود. بورش با سداران قرار گرفت و در اثر ضربتی که سرش وارد گردید بینها دت رسید.

بقیه از صفحه ۱۲
سازگردد...
آرمان رهائی بخش طبقه کارگر به مبارزه ادامه داد. پس از قیام رفیق عزیز در میان دیپلمه های بیگانه فعالیت انقلابی می پرداخت. او که مسلح به ما رکیسم لنینیسم بود، با شناخت از ماهیت ارتجاعی رژیم جدید همچنان برای پیروزی انقلاب و در راه رهائی زحمتگان به مبارزه ادامه داد. رفیق عزیز در جریان سیل خوزستان در سال گذشته، در کنگره کمونیست ها و

تظاهرات ۲۲ بهمن:

یک تجربه و درس های آن

روز ۲۲ بهمن، سالروز قیام شکوهمند خلقهای تحت ستم ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم، مراسمی از سوی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، بمنظور بزرگداشت این روز، اعلام گردید که بدلائل متعددی، در مجموع با عدم موفقیت روبرو گشت، ارزیابی صحیح از علل این عدم موفقیت، و اشتباهات و انحرافات نهفته در آن، از آن رو چنان اهمیت است که رویزیونیست ها و اپورتونیست ها، هر یک به نحوی میکوشند تا با جا رو چنگال و هیا هویپرامون این "تاکتیک" و اشتباهات چپ روانه مترتب بر آن، حقا نیست خط مشی تاکتیکی اصولی و انقلابی سازمان و بطور کلی مولهای پیگیر را در این شرایط سه زیر سؤال بکشند و در زیر گردوغبار برخاسته از این جا رو چنگال و هیا هویپرامون اپورتونیسم و رویزیونیسم عمیق خویش را حقا نیت و اعتبار بخشد. لمدادن بر اشتباهات و اقدامات تاکتیکی چپ روانه و ناسنجیده، همواره از خصوصیات و روش های ممتاز و برجسته اپورتونیسم را ست بوده است. آنها همواره در کمین لغزش ها و اشتباهات مارکسیست - لنینیست های انقلابی و پیگیر مینشینند تا با هیا هویپرامون آنها، اصول و مبانی وسیاست تاکتیکی آنها را بطور کلی "ورشکسته" اعلام کنند، بیادبیا و ریم آوریسل ۱۹۱۷ روسیه را که چگونه منشویک ها، با علم کردن اشتباه تاکتیکی "گرایش چپ" در میان بلشویک ها، که در ماه آوریل، یعنی زمانی که بقول لنین کمونیست ها "اکثریت مردم را پشت سر نداشتند" شعار "مرگ بر حکومت موقت" را تبلیغ میکردند، بلشویک ها را به استهزا میگرفتند و از "ورشکستگی" آنها سخن میگفتند (۱). البته اشتباهات این گرایش "چپ" که لنین و کمیته مرکزی حزب بلشویک با آن به مخالفت برخاستند، در آنروز اشتباه بزرگی بود که در حوزه خط مشی تاکتیکی یک دوره عمل میکرد و اشتباه امروز ما - در ۲۲ بهمن - اشتباهی است، در حوزه یک حرکت عملی منفرد - هر چند که نباید اپورتونیست ها را از جنبه ایدئولوژیک چپ روانه بطور کلی تهی نمود. اما صرف نظر از این تما ییز، که تا کید بر آن، برای جلوگیری از سوءاستفاده فرمت طلبان و اپورتونیست ها و متزلزلین - ضروری است، آنچه که مهم است، این است که اغلبا در صریح این اشتباهات، در عین حال مبارزه ای است بر علیه راست ها و بر ملا کردن تلاش های مذبحان آنها در آنها جمه خط مشی

انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی و ارتقا تکامل هر چه بیشتر خط مشی پرولتری. از این زاویه است که برخورد به اشتباهات ما در ۲۲ بهمن از طرفت و حساسیتی فوق العاده برخوردار می شود. چرا که بدون تردید با زهر راست ها در کمین این اظهار صریح ما به اشتباهات خودمان نشستند. اما به قول لنین "ما دیگر نمی - ترسیم زاینکه دشمنانمان بر لغزش های ما بخندند." (۲) هم از این روست که ما میکوشیم تا تجارب و درس های این حرکت و اشتباهات آنرا بطور خلاصه مورد بررسی انتقادی قرار دهیم.

اشرایط عینی جنبش و خط مشی عمومی تاکتیکی:

خصلت اساسی شرایط کنونی جنبش، در اعلا انقلابی آن است. علیرغم همه ناموزونی ها و تنوعاتی که در عرصه های مختلف و بخش های متفاوت جنبش از لحاظ سطح تکامل و نیز اشکال مبارزه وجود دارد، لیکن شاهدانیم که هر روز، توده های بیشتری به سمت مبارزه بر علیه نظام سیاسی - اقتصادی کنونی کشانده میشوند و این همه بر بستر بحران اقتصادی عمیق و خرد کننده - ای جریان دارد که خود هر چه بیشتر بر سطح و عمق نارضایتی توده ها و دامنه مبارزه آنها می - افزایش و ویژگی وضعیت عینی مبارزه توده ها، صرفا در این نیست که آنها دچار نارضایتی عمیق از وضع موجود میباشند، بلکه همچنین در اینجا است که این نارضایتی، نیروی محرکه ای است که توده ها را در شرایط کنونی، به میدان مبارزه و حرکت انقلابی میکشاند. نارضایتی از وضع موجود، علیرغم تمام توهمات که در ذهنیت توده ها نسبت به آلترنا تیوهای ارتجاعی در جامعه وجود دارد، آنها را نه به وادی تسلیم و رضا و پاسیفیسم سیاسی (هر چند که این روحیه در میان نیروهای اجتماعی معینی به درجات متفاوت وجود دارد)، بلکه به صحنه مبارزه میکشاند، روحیات انقلابی و شور و شوق مبارزه در میان آنها توسعه میدهد و جوهر انقلابی را در مبارزه بخش های هر چه بیشتری از توده ها فزونی می - بخشد. همین خصلت اساسی جنبش در شرایط کنونی است که خصلت اساسی تاکتیک ها و بسته عبارت دیگر خصلت اساسی خط مشی تاکتیکی را در این شرایط تعیین و مشخص می نماید. خصلت تعریفی تاکتیک بطور کلی در شرایط کنونی، از آنجاست که جنبش در این شرایط بطور کلی خصلت تعریفی بخود میگیرد و این یک نیسز

بدین معناست که مبارزه توده ها، در مقیاسی نسبتا وسیع، در بستری حرکت میکند، که پیوسته دایره قانونییت نظام اجتماعی وسیعتر را محکمرا مورد تعرض خویش قرار میدهد. تاکتیک تعریفی، در این شرایط به معنای آن است که کمونیست ها و دیگر نیروهای انقلابی، شعارها و شکالی از مبارزه را مطرح سازند، که بتواتدبه مناسبتترین و بهترین وجهی، مبارزه تعریفی توده ها را جهت وسا زمان دهد. سیاست نیروهای آگاه پرولتری، این نیست که در اینجا ذابین شعارها و اشکال مبارزه، چنان رویه ای در پیش گیرند، که مبارزه توده ها را به عقب میکشاند، کاری که اپورتونیست ها - ما انجام میدهند. همچنین وظیفه آنها این نیست که خویش را بجای توده ها قرار داده و حرکات ما جراویا نه خویش را، بنام تاکتیک تعرضی اطلاق نمایند. وظیفه آنها این است که به سازمان ندهی مبارزه خود انگیزانند و تعرضی توده ها، در هر عرصه ای که جریان دارد، مبارز و زنده و چنان شعارها را بطور صحیح نمایند که در جهت یابی انقلابی این مبارزه موثر واقع شود.

از لحاظ شکل مبارزه، تظاهرات خیابانی، حول خواست ها و شعارهای مناسب توده گیر، و یا به مناسبت حوادث و جریانات تاریخی - سیاسی معین، جای ویژه ای را اشغال میکند. طبعاً روشن است که میزان بکارگیری این شکل از مبارزه، بسته به سطح و درجه رشد جنبش و اعتدای انقلابی میباید شوقان از پیش تعیین شده ای در این زمینه وجود ندارد. اما آنچه که اهمیت دارد، اینست که سطح و میزان پیشرفت مبارزه توده ای در شرایط کنونی، این شکل از مبارزه را در دستور قرار میدهد. و این نکته مهمی است که در اینجا ذک مبارزه، در شرایط کنونی باید بدان توجه نمود. اولییت چنین شکلی از مبارزه در شرایط فعلی، یکی از اختلافاتی است که مرز ما را با اپورتونیست ها روشن میسازد. آنان، علیرغم اینکه بعضا در حرف نیز چنین نکوینند، بدلیل انحراف در ارزیابی از شرایط کنونی جنبش (و نیز بدلیل برخورد های راستی که به اشکال مختلف با رژیم سیاسی کنونی می نمایند)، در اولییت آنها ذ جنبش تاکتیکی در لحظات مناسب، تردید دارند و این تردید خود را در سیاست ما و اگرها و شرط و شروط بیشمار مستور میسازند. آنها با پیروی از اصل اپورتونیستی "عدم تعیین"، چیزی که خود به درستی به

زنده باد سوسیالیسم!

طرافت بکار گرفتن آن از لحاظ موقع شناسی و روان شناسی توده‌ای، موثر واقع می‌شود. چرا می‌گوئیم چنین است، زیرا که حداقل، واقعیت نشان داده است که توده‌ها خود بکرات، در مقیاس - های گوناگون (گاه وسیع مانند جریان کرمان با حرکت های شهرهای شمالی ایران و گاه محدود، مانند تظاهرات آوارگان جنگی، ویسا حتی کارگران) به برپایی تظاهرات مستقل با نیمه مستقل، خودانگیخته یا تحت نفوذ هژمونی و یا رهبری نیروهای آگاه، اقدام ورزیده اند. تظاهرات ۲۳ دی، با همه اشکالات و نواقص خود، از این لحاظ و برخلاف نظریه‌ها و شیوه‌ها - کارگروها هم‌آوا یا ن جدیدش، از لحاظ نفس خود به مثابه یک حرکت تاکتیکی، یک نمونه مناسب، سنجیده و موثر بود. هم‌مضمون این تظاهرات، یعنی مسئله بازگشتی دانشگاه، مقبولیت و جذب توده‌ای داشت، هم‌شرایط زمانی آن (با توجه به تظاهرات درونی هیئت خاکمه بر سر این مسئله بطور مشخص و تمام مدت درونی خود آنها بطور کلی) مناسب بود هم کیفیت نیروها، با توجه به انجام عمل چند نیروی سیاسی کمونیستی در شرایط مطلوبی قرار داشت، و اتفاقاً دیدیم که چه نیروی بزرگی بطور نسبی در روز موعود، در میان تظاهرات گرد آمد (که متأسفانه بدلیل انحرافات و اشتباهات "کمیت‌ها هنگی" امکان بهره‌برداری از این نیروی کثیر بوجود نیامد) و چگونه این مسئله در عرض چند روز، ذهن بخش - های وسیعی از جامعه مردم را بخود معطوف کرده بود.

اما تظاهرات ۲۲ بهمن، برخلاف تظاهرات ۲۳ دی در مجموع یک تظاهرات موفق نبود. در توضیح علل عدم موفقیت این تظاهرات، ما می‌کشیم ضعف‌ها و انحرافات نهفته در آن را با توجه به بحث‌های پیشین، مورد ارزیابی قرار دهیم:

الف: ضرورت برگزاری مراسم ۲۲ بهمن از سوی کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی: بزرگداشت مراسم ۲۲ بهمن، از سوی کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی، بطور متحد و یکپارچه، از جمله اقداماتی بود که میتوانست در تقویت جنب کمونیستی و انقلابی، در طرح آلترنا تیب کمونیستی و انقلابی، در نفوذ و اشاعه برنام، خط مشی و نظریات آنها و با لاف در گسترش یا به توده‌ای آنان موثر افتد. این مراسم میتواند بصورت ابزاری در جهت ارتقا آگاهیه توده‌ها و بهره‌برداری از تجربه و بناخت آنها از سال‌ها کمیت‌های رژیم جمهوری اسلامی، در روزی که به قدرت رسیدن این حکومت را تدا می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد. با بزرگداشت این مراسم، میبایست نشان داده می‌شد که این رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی نیست که وارث حقیقی دستاوردها و شمرات مبارزات عظیم و قیام نکو هستند توده‌ها در بهمن ماه خونین ۵۷ است، بلکه اینان دزدانی بودند که این شمرات را به

اصلی توهانات مردم، نسبت به جناح به اصطلاح فدا می‌ریا لیست رژیم قرار داشت، در شرایط کنونی این توهانات در بخش عظیمی از توده‌ها، کما بیش نسبت به جناح "حزب" فروریخته و به سوی لیبرال‌های "آزادخواه" جری شده است. واقعیت این است که بخش وسیعی از توده‌های زحمتکش، علیرغم نارضایتی از وضع موجود و مبارزه بر علیه آن، راه نجات و طریق رهائی را در اپوزیسیون لیبرالی درون حکومت یا خارج از آن تحت رهبری بنی صدر، جستجو میکنند. این وضعیت، بعلاوه وضع عینی و ذهنی جنبش کمونیستی، آرایش قوای سیاسی را در جامعه در شرایط کنونی به نفع لیبرال‌ها سوق داده و شرایطی را فراهم آورده است که نیروهای دمکرات را نیز با شما به تزلزل و سستی میکشاند و نفوذ لیبرال‌ها را در حرکت و خط متی آنها، پیوسته تسهیل می‌گرداند. این شرایط ذهنی و آرایش سیاسی نیروها از یکسو ضرورت تقویت، تدارک جنب کمونیستی و آلترنا تیب و رولتسری را بیش از پیش فزونی میدهد و از سوی دیگر کمونیست‌ها را در اتخاذ راهتاکتیکی و بویژه تظاهرات خیا بانی، متغیبه در نظر داشت جمیع این شرایط مشخص می‌گرداند.

واقعیت این است که هم‌اکنون لیبرال‌ها و بویژه بنی صدر، در برپایی هر مراسم، به هر شکلی توده وسیعی را بدنبال خویش میکشاند. اکنون حتی در کارخانه‌ها در میان کارگران نیز میتوان این توهانات و متفابلا نفرت از جناح رقیب، یعنی حزب را مشاهده نمود. درست به همین دلیل است که کمونیست‌ها میبایست از تاکتیک شرکت سارمان یا فته‌ها ما غیر رسمی در چنین مراسمی نیز بمنظور اشاعه بر علیه کل هیئت خاکمه و بویژه لیبرال‌ها به شکل مناسب، جهت ارتقا آگاهیه توده‌ها در تجربه مستقیم آنها، استفاده نمایند. و نیز به دلیل همین شرایط ذهنی و تزکیب جمعیت شرکت کننده در مراسم لیبرال‌ها - که اکثر آن توده‌های خلق هستند -، تحریم رسمی چنین مراسمی جایز و متناسب با ذهنیت سوده‌ها نیست و باید ضمن محکوم کردن اهداف لیبرال‌ها از برپایی این مراسم، با حضور فعال و سازمان یافته در آنها، به افشای بر علیه این نیت و اهداف پرداخت.

اپوزیسیون‌ها، از این شرایط ذهنی صریحاً و با بطور غیر صریح به نفع برپایی هرگونه تظاهرات از سوی کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی، می‌رسند و آن را اقدامی "حزب روانه" می‌پندارند و بدین ترتیب کمونیست‌ها را از یکی از ابزارهای مناسب تبلیغی و آگاه‌گرانه خود جهت بسیج و حرکت مستقل توده‌ها در شرایط کنونی، محروم می‌سازند. اما بدیده‌ها این وضعیت ذهنی، با توجه به میزان توهانات سوده‌ها (که بدیده‌ها حاصلت سکننده‌ها در) و نیز با توجه به شرایط عینی جنبش و عمق خواست‌ها و تمایلات دموکراتیک توده‌ها، نسبتاً در با بعد و سیزدجگونگی بکارگیری این تاکتیک و در

"اکثریت" نسبت میدادند، (۳) از ارائه تحلیلی روشن و صریح از روند عمومی جنبش خلقی گریزانند و اگر تا دیروز چشم انداز زکود را تصویر میکردند، امروز که واقعیت‌ها بیس از پیش خود را تحمیل میکند، با منکر کردن واقعیت‌ها، بر شرمیدن و بی‌زگی‌ها، برانگیزه کردن توده‌ها، و سرانجام با عبارت بردار زیبا و دست‌پازیدن به جملات کشادار و نامشخص، گریبان خویش را از ارائه یک تحلیل روشن و صریح که جهت و خصلت عمومی جنبش یعنی وضع جنبش توده‌ای را نشان دهد، خلاص می‌نمایند. (۴)

تظاهرات خیا بانی در این شرایط، بر حسب نوع، مضمون و ترکیب خود به دو صورت و با دو هدف میتوانند سازمان یابند. نوع اول تظاهراتی که نقطه آغاز آن یک حرکت خودانگیخته توده‌ای، حول یک خواست و شعار اقتصادی یا سیاسی معین و ملموس است. خصلت چنین تظاهراتی، خود - انگیختگی و خود بخودی بودن آن است که از بطن مبارزه خود توده‌ها جوشیده است و کمونیست‌ها و نیروهای آگاه، تنها جهت سازمان‌دهنده این نوع تظاهرات، میبایستند. طبیعی است که در چنین تظاهراتی، نیروهای آگاه، علیرغم کوشش در جهت ارتقاء توده‌های شرکت کننده و ادبیکالیزه کردن آن، میبایست شعارها و حرکت خویش را با مضمون حرکت، سطح آگاهی و شعارهای خود - انگیخته، منطبق سازند. نوع دوم تظاهراتی است با خصلت تبلیغی، که از جانب نیروهای آگاه انقلابی به منظور اشاعه آگاهی و ذهنیت توده‌ها و با هدف تبلیغی (همچون دیگر اشکال تبلیغی)، سازمان داده می‌شود. این نوع تظاهرات که را بطه مستقیم با فضای سیاسی حاکم بر جامعه دارد، حول شعارها و خواسته‌های سیاسی و دموکراتیک مشخصی که در یک مقطع معین در میان توده‌ها جذب دارد و با توجه به جمیع ملاحظات تاکتیکی و تکنیکی، میتوانند برقرار شوند.

در شرایط کنونی روند جنبش بگونه‌ای است که بکارگیری تظاهرات (در هر نوع آن) را به مثابه یکی از اشکال مبارزه توده‌ای و فعالیت سازمان‌های سیاسی، (و نه لزوماً شکل عمده آن) جایز و ضروری می‌سازد. درک این نکته، اولین شرط برخورد صحیح به تظاهرات ۲۲ بهمن می‌باشد.

۴- شرایط ذهنی توده‌ها و تاثیرات آن در تاکتیک کمونیست‌ها:

اگر در عینی مبارزه توده‌ها و اعتسالی انقلابی آن یک واقعیت است، توهانات بخش - های وسیعی از آنها نسبت به قطب‌های مختلف سیاسی ارتجاعی در جامعه نیز واقعیت دیگری است که در جامعه عینی و حضور داشته و بطور قطع در تاکتیک‌های کمونیست‌ها، موثر واقع می‌شود. با رها نسبت به این مسئله سخن گفته ایم و از این رود را اینجا وارد بحث نمی‌شویم. اما بطور خلاصه باید گفت که اگر تا دیروز با

بغما بردند و توده های محروم را به شکل جدیدی به زیر سلطه همان نظام سیاسی - اقتصادی گذشته کشتا نیدند. با ید نشان داده میشد که این رژیم نیست که با سدا را این دستا وردها و تسداوم انقلاب ایران است، بلکه این توده های تحت ستم و کمونیت ها و انقلابیون پیگیر هستند که وارثین حقیقی این دستا وردها و ادا مدهنده انقلاب و به جلورا ندن آن میباشند. بی شوجهی به این امر، در حد خود به معنای عدم توجه به حضور این حقا نیت برای رژیم، در ذهنیت توده ها و کوشش در جهت شکستن آن بود. از همین رو، از لحاظ ضرورت سیاسی، هیچ تردیدی در صحت این حرکت، که تنها شکل ممکن و مطلوب آن نیست - تظا هرات خیا با نی میبود، نمی توانست وجود داشته باشد. این ضرورت حکم میکرد که در مبدا نقطه ای از ایران، که جمیع ملاحظات تاکتیکی امکان برگزاری این مراسم را از جانب نیرو - های انقلابی فراهم نماید، چنین حرکتی صورت گیرد.

اما درست در ارزیابی از این ملاحظات تاکتیکی بود که در تهران و برخی شهرستانها، ما دچار انحراف و اشتباه شدیم. ب - عدم توجه به مساله تناسب نیروها و انتخاب زمان و مکان مناسب. اگر ندیدن سطح جنبش توده ای و ارزیابی اپورتونستی از شرایط عینی و ذهنی موجود، منجر به سیفیسیم و یا بدنبال له روی از توده های متوهم میگردد و یا صرف تکیه بر توهم توده ها و ارزیابی بیش از واقع از آن به نفعی حرکت تاکتیکی صحیح برگزاری تظا هرات مستقل و آنها یتا به شرکت در مراسم برگزار شده توسط لیبرالها و صرف تبلیغ و افشاگری منجر میگردد. متقا بلا برگزاری تظا هرات مستقل بعنوان یک تاکتیک مناسب و اصولی، لزوما با ید با توجه به تناسب نیروها و توجه به حرکت توده های متوهم، در زمان و مکان مناسبی انجام گیرد.

همانطور که میدانیم در روز ۲۲ بهمن، بنی - صدرا از مردم دعوت کرده بود تا برای غنی - شدن سخنرانی او در میدان آزادی گرد آیند و طبیعی است که با توهم شدید توده ها نسبت به لیبرالها، در آنروز، جمعیت بزرگی از مردم در میدان آزادی گرد می آمدند. این امر از نظر بسیج و شرکت هر چه بیشتر توده ها در یک حرکت مستقل لزوم توجه به تناسب قوای موجود و توهم توده ها و لذا انتخاب زمان مناسب را ایجاب مینماید. انتخاب زمان تظا هرات و راهیما شی از سوی ما در همان روز ۲۲ بهمن و ساعتی که مردم روانه میدان آزادی بودند و انتخاب مسیری که توده ها اکثر از زمان مسیر عبور میکردند، با توجه به تناسب نیروها علاوه بر اینکه حرکت ما را تحت الشعاع حرکت بنی صدرا قرار میداد، بدلیل تقابل و تداخل نیروها عملا به آن جلوه مقابله جویانه میداد و مانع از آن میگردد که راهیما شی ما بتواند بصورت یک راهیما شی موفق درآید.

با لعکس، این حرکت بخاطر کمبها شی ما - حرکت توده های متوهم در آنروز و تقابل مسل دو حرکت ما، آنها که ما از میدان آزادی بودند، یک حرکت چپروانه بود. از اینرو بنظر ما برگزاری مراسم راهیما شی و تظا هرات از سوی ما بطور همزمان با دعوت لیبرالها و در یک مسیر، نسا - درست بوده و میبایست این مراسم به وقت دیگری موکول میگردد. اما اینکه بهترین زمان برگزاری این مراسم چه وقت میتوانست باشد، این مساله مربوط به مجموعه شرایط و جوا کم برای آنروز و ملزوماتی میشود که بتواتر اندکا کشر نیروی توده ای را در این مراسم گرد آورد. بسا توجه به این ملاحظات، بنظر ما روز ۲۲ بهمن، برای برگزاری این مراسم مناسب نبوده و میبایست این مراسم روز و روز قبل و یا بعد از آنروز برگزار میشد.

در همین جا با ید با فاه کنیم که این نحوه برخورد منحصربه تهران نبود، بلکه در برخی شهرستانها و بویژه درما شهر، رفقای ما دچار برخوردهای شدید چپروانه شدند. رفقای ما درما شهر، با بی توجهی به شرایط خاص زمانی و مکانی این شهر (یعنی از یکسو شرایط جنگی و از سوی دیگر جو شدید پلیسی آن در این شرایط بخصوص) به حرکتی دست زدند که زیانهایی بسیاری برای ما در برداشت این رفقای ما، علیرغم تمام شورش و زایدات لوصف کمونیتستی و انقلابی خود، روحیه ای که ما به افتخار و مسر - افرازی سازمان ما و شرمساری تمام اپورتو - نیست های خیا نشکار است، در متن این شرایط جنگی و ترور و خفان موجود، و با توجه به آرایش نیروها و کمیت توده ای خود، نمی بایست بسا چنین حرکتی مسادرت می ورزیدند. چرا که مسالظا هرات را نه برای تظا هرات "و نه برای اطفای تما یلات آتشین و شورش و انقلابی خود، بلکه برای تاثیرات سیاسی آن بر توده ها و ارتقای آگای آنها، برگزار مینماییم. سنجیدن موقعیت و شرایط سیاسی، زمانی و مکانی این تاکتیک مهمترین شرط اجرای موفقیت آمیز آن است، عملی که متاسفانه در این شهر صورت نگرفت و در نتیجه به عدم موفقیت این حرکت و فایعات نسا - گوار رسیدی آن انجام میدا. ما روشن است که مساله کمونیت ها اشتبا هات و لغزشهای خود را نمی - بوشا نند، بلکه درس گیری از آن را به نیتسروی زنده ای در جهت رفع اشتبا هات و قرار گرفتن در راستای صحیح، تبدیل می نمایند و با تلفیق شورش و انقلابی و آرماتخواهی پرشکوه کمونیتستی - چیزی که روحیه رفقای ما سرشار از آن بوده و هست - از یکسو و درایت و سنجیدگی و قدرت تحلیل از شرایط مشخص از جانب دیگر، حرکت خویش را در مسیر صحیح سازماندهی مینمایند

بدین ترتیب میبینیم که زاویه انتقاد و برخورد ما به اشتبا هات تظا هرات ۲۲ بهمن، با زاویه برخورد اپورتونیتستی، انحلال طلبانه و سیفستی نیروها شی که اکنون میکوشند تا

اشتها هات نهفته در این حرکت را به وسیله ای برای حقا نیت دادن به اپورتونیسیم و پیش را ست خود، تبدیل کنند، تقا و تاساسی دارد. آنها از یک اشتباه، به نفعی خط مشی تاکتیکی انقلابی در شرایط کنونی متناسب با وضعیت عمومی جنبش و توجه به سیفیسیم و یا دنباله روی از توده های متوهم، میروند، حال آنکه ما این اشتباه را در یک حرکت عملی، جستجو کرده و انتقاد به آن را به وسیله ای در جهت ارتقا و تقا مل خط مشی عمومی تاکتیکی صحیح خود، تبدیل می نماییم از همین رو میبایست میان این دوزا و به بر - خورد و انتقاد، یکی اپورتونیتستی و دیگری پرولتری، مرز دقیق و اساسی کشید.

- (۱) - رجوع کنید به سخنرانی ایراد شده در دیدار با اعضای هیئت های نمایندگی آلمان، لهستان و... - لنین: مجموعه سخنرانی لنین در آنتر - ناسیونال سوم.
- (۲) - لنین - همانجا
- (۳) - رجوع کنید به مجموع مقالات راهکارگر در مورد راه رشد غیر سرمایه داری و رهبری چریکی افدائی.

(۴) - مقاله "سازمان پیکار: پیکار با شمشیر چوبین" راهکارگر، شماره ۶۴، نمونه روشنی از این شیوه اپورتونیتستی "عدم تمییز" در ارزیابی از وضعیت جنبش توده ای و روند عمومی آن است. راهکارگر در این مقاله، همه جا شرایط ذهنی توده ها را پیش میکشد، تا از توضیح شرایط عینی مبارزه توده ها ظفر رود. راهکارگر در اینجا، خویشتن را با بیننده تعیین روند عمومی جنبش و عملت اساسی تاکتیک ها، که زیر بنا و اساس تعیین هر تاکتیک عملی منفرد قرار میگردد، نمی داند و چنین کاری را تحت عنوان "مطلقیت ذهنی" به تمسخر میگیرد. و بدین ترتیب میکوشد تا راه را برای هرگونه چرخش اپورتونیتستی، به مقتضای شرایط، هموار نماید. آخر راهکارگر از تجربه اولی به اندازه کافی "درس" گرفته است. تحلیل "رکود جنبش" اکنون، در بن بست تناقض خویشتن را با بینندیک بررسی و پیش بینی واقع - بینانه ای از روند واقع فعلی جنبش و سایر آتی آن نمود. راهکارگر اکنون بنظر میرسد تحلیل رکود را زیرکانه ترک گفته است. از طرف دیگر اعتلا انقلابی را هم قبول ندارد. خواننده خود با ید به جستجوی حلقه های گمشده در میان این دو جستجو نماید. چرا که راهکارگر، هیچ کمکی به او در جهت روشن کردن این حلقه گمشده نمیکند! اما مسئله تنها به اینجا ختم نمی شود. راهکارگر بر پایه این تحلیل "روشن" از وضعیت جنبش و متناسب با ذهنیت توده ها، به ارائه تاکتیک می پردازد. و از جایگاه تظا هرات در این تاکتیک سخن می گوید. اما تا پایان مقاله، سرانجام روشن نمی شود که آیا راهکارگر، با این تحلیل از وضع جنبش و سطح آگای ذهنی توده ها، بسا

اطلاعیه، آماده‌ای دادستانی؟ آزادی فعالیت سیاسی یا ممنوعیت آن؟!!

در روزهای آخرفته گذشته، "دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی" با صدور یک اطلاعیه ده ماده‌ای، با مصطلح "حدود فعالیت کلیه احزاب و گروهها" را مشخص کرد. رژیم جمهوری اسلامی تا کنون چندین بار و آنهم از جانب ارگانهای مختلف به صدور چنین اطلاعیه‌ها و قوانینی اقدام نموده است، اما هیچکدام از این اقدامات و اطلاعیه‌ها نتوانسته است تا شیرچندانی در روند تشکیل فعالیت و مبارزه احزاب و نیروها، به نفع رژیم باقی گذارد.

آخرین دست پخت رژیم در این جهت، طرح ارتجاعی "فعالیت احزاب و جمعیتها و..." بود که در اوایل سال گذشته توسط مجلس با اکثریت آراء به تصویب رسید. این قانون، که بحق قانون سیاه ۱۳۱۰ رضا شاه را در یادها زنده میگذارد، آنچنان ارتجاعی و ضددمکراتیک بود که سرودهای برخی از سردمداران "عاقبت اندیش" تر رژیم را نیز به هوا بلند کرد. این قانون، صرفنظر از مضمون سیاه و ارتجاعی خود، از لحاظ شکل نیز آنچنان وقیحانه و ناهنجارانه تنظیم گشته بود که آنچنان عربیان و بی پرده ضدیت رژیم جمهوری اسلامی را با هر جلوه حتی کوچک دمکراسی برملا میساخت، که تلاش چندانیه را برای افشای مضمون و ماهیت آن از جانب نیروهای انقلابی طلب نمیکرد. همین شکل ناپخته و ظاهری آن بود که "دور - اندیشان" فریبکاری چون محلاتی را در مجلس وادار کرد که ضمن تاکید بر صحت مضمون "طرح" بگوید که با "شکل" تنظیم وادار آن به این طرح مخالف است و پیشنهاد دهد که "این لایحه مسکوت بماند و برود در کمیسیون داخلی تا بعد طرح آبرومندی با شویبها نه بدست دشمنان غریب و شرق خودمان ندهیم." (تاکید ما است.)

اطلاعیه اخیر دادستانی، هر چند که کمابیش همان مضمون ارتجاعی را با خود حمل میکند، اما اولاً در نحوه تنظیم آن، رژیم "پختگی" و "درایت" بیشتری برخج داده است تا ماهیت ضددمکراتیک اهداف و در پس کلمات و عبارات فریبناهنده پنهان بماند و تجربه قبلی تکرار نگردد، تا نسبتاً مدور بین اطلاعیه اهداف سیاسی خاصی را دنبال میکنند که موضوعیت آن را در متن شرایط سیاسی فعلی و موضعگیری های اخیر رژیم در سال جدید، بخوبی میتوان درک نمود.

همانطور که در سرمقاله پیکار هفته پیش اشاره کردیم، مجموعه تناقضات و بین بست های رژیم در سال گذشته، که در راه آن گسترش نا - رغابتی و مبارزه توده ها قرار دارد، در سال

یادداشت های سیاسی هفتگانه

جدیداً ورا واداره پذیرش برخی عقب نشینی هاو گرفتن برخی ژست های لیبرالی کرده است: "رژیمی بیندکه در بیان این سیاست یکساله درین بست تناقض آفرینی گرفتار آمده است، سیاست سرکوب عربیان در طول یکسال گذشته نه تنها "امنیت" را به جا معها زنگرداند و "نظم" مطلوب را مستقر نگردانند، بلکه بر بسترا عتلا جنبش توده ای و سستی پایه های توهیم توده ها، رژیم سیاسی حاکم پیش از پیش در برابر "نا امنی" و "بی نظمی" قرار گرفته است. سیاست سرکوب رژیم، در طول یکسال گذشته "نظم و امنیت" را برای رژیم به ارمغان نیاورد، بلکه بی ثباتی و افزونی بخشید و پایه های قدرت آنرا از انتر ساخت. تبلیغ "ملح" توسط سردمداران رژیم در سال جدید حکایت از این عجز و بین بست دارد. (سرمقاله پیکار شماره ۱۰۰)

پایه های سردمداران رژیم در سال جدید، بروشنی این مسئله را نشان داد. آیت الله خمینی هرمان از وضع موجود و گسترش نیروهای انقلابی، آنان را دعوت به کناره گیری و تحویل "سلاح" و بازگشتن به "آغوش اسلام" نمود. بنی صدر با گرفتن تائید از آیت الله خمینی، با مبناظره و "بحث آزاد" را دوباره گشود و به تبلیغ بیامون آن پرداخت، به خیال آنکه با این عمل، تضادهای سیاسی - طبقاتی میان نیروها و احزاب سیاسی را بر سر میز مناظره و بحث آزاد، بدون توسل به طرق "زورمدارانه" به "وحدت" برساند!

این سیاست، که اطلاعیه دادستانی نیز می - کوشد بر استای آن حرکت کند، این هدف را همچنان دنبال میکند که با نشان دادن چند

بقیه در صفحه ۸

معرفی کتاب

"با توجه به اینکه پرولتاریا بعنوان طبقه فقط در صورتی میتواند علیه قهر دسته جمعیتی طبقات مالک وارد عمل شود که در حزب سیاسی مجزای خویش، در تعلق با همه اشکال قدیمی احزاب طبقات مالک متشکل گردد،

با توجه به اینکه شکل پرولتاریا در حزب سیاسی اش برای تضمین پیروزی انقلاب اجتماعی و هدف نهائی آن - نابودی طبقات - ضروری است؛ با توجه به اینکه با وجود وحدت نیروهای طبقه کارگر که از قبیل در مبارزات اقتصادی تحقیق یافته، بعنوان اهرم توده های این طبقه در مبارزه علیه اقتدار سیاسی استعمارکنندگان بکار آید؛ کنفرانس به اعضای انترناسیونال خاطر نشان میسازد که در جریان مبارزه طبقه کارگر، فعالیت اقتصادی و فعالیت سیاسی این طبقه بطریقی تا گسستی با هم پیوند دارند.

تلخیص از قطعنامه کنفرانس لندن انجمن بین المللی کارگران (انترناسیونال) سیتا مبر ۱۸۷۱" (نقل از متن کتاب)



بقیه در صفحه ۸

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۵ صفحه در حاشیه محاکمه امیر انتظام خائن
- ۱۸ صفحه اعتصاب غذای زنان کمونیست در زندان اوین
- ۱۹ صفحه مزد در ایران
- ۲۲ صفحه چرخش رویزونیستی اکثریت درباره بنی صدر
- ۲۳ صفحه بحثی پیرامون دموکراسی (۲)
- ۲۹ صفحه نظاهرات ۲۲ بهمن: یک تجربه و درس های آن

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست